



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

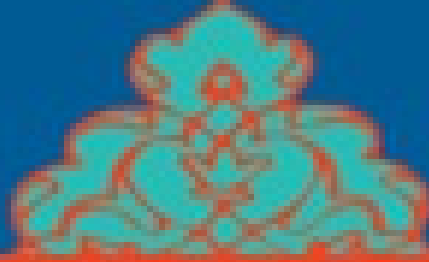
.com

.org

.net

.ir

شہ
نس
د
خن



ہم دلی و ہم زبانی

ٹونہ فیش سخنرانی
ویژہ ماہ مبارک رمضان

دہنہ سوم

دکتر مطالعات و پژوهش های مرکز سیدگی و انور مساجد
خبره اور اور ۹۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شهد سخن ۱۰: هم دلی و هم زبانی (نمونه فیش سخنرانی ویژه ایام دهه سوم ماه مبارک رمضان ۱۴۳۶ ه ق)

نویسنده:

گروه پژوهش‌های کاربردی مرکز رسیدگی به امور مساجد

ناشر چاپی:

دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
شهد سخن ۱۰: هم دلی و هم زبانی (نمونه فیش سخنرانی ویژه ایام دهه سوم ماه مبارک رمضان ۱۴۳۶ ه ق)	۱۰
مشخصات کتاب	۱۰
اشاره	۱۰
فهرست	۱۴
مقدمه	۲۱
۲۱-خودسازی	۲۵
انگیزه سازی	۲۵
اقناع اندیشه	۲۸
اشاره	۲۸
۱. انباشته شدن گناهان	۲۹
۲. وابستگی های دنیوی	۳۰
۳. پرخوری	۳۰
۴. پیروی از هوای نفس	۳۱
۵. زیاد سخن گفتن	۳۱
۶. نشناختن مسیر شیطان و تبعیت از او	۳۱
۷. پیمان شکنی با خداوند	۳۲
۸. نداشتن واعظی از درون و دوست مشفق	۳۲
رفتارسازی	۳۳
پرورش احساس	۳۷
روضه	۳۹
۲۲-شب رحمت و مغفرت	۴۳
انگیزه سازی	۴۳
اقناع اندیشه	۴۵

۴۹	رفتارسازی
۵۱	پرورش احساس
۵۲	روضه
۵۷	۲۳-دشمن شناسی
۵۷	انگیزه سازی
۶۰	اقتناع اندیشه
۶۰	اشاره
۶۰	۱- کفار و مشرکین:
۶۱	۲- مناققین:
۶۴	۳- یهود:
۶۴	اشاره
۶۶	۱- ایجاد اختلاف و دو دستگی در میان مؤمنان:
۶۷	۲- استفاده از شعارها و بهانه های عامه پسند:
۶۸	۳- مکر و حيله و پيمان شکنی:
۶۹	۴- ایجاد شبهه های اعتقادی:
۶۹	۵- استفاده ابزاری از مقدسات و یا چهره های مقبول در جامعه:
۷۱	رفتارسازی
۷۱	اشاره
۷۱	۱- تجهیز به قدرت ایمان:
۷۲	۲- ممنوعیت دوستی با دشمنان خدا:
۷۳	۳- مقابله نظامی:
۷۴	پرورش احساس
۷۷	۲۴- وحدت شیعه و سنی
۷۷	انگیزه سازی
۷۹	اقتناع اندیشه
۸۳	رفتارسازی

۸۷	پرورش احساس
۸۸	مناجات
۸۹	۲۵-نقد منطقی ، نقد مخرب
۸۹	انگیزه سازی
۹۳	اقتناع اندیشه
۹۳	اشاره
۹۳	۱-انتقاد عالمانه:
۹۴	۲-انتقاد، نه انتقام:
۹۶	۳- پرهیز از سیاه نمایی و تخریب چهره ی افراد:
۹۷	۴- بیان ویژگی های مثبت در کنار نکات منفی:
۹۸	۵- نقد، نه نفی:
۹۸	اشاره
۹۹	۱- آن عیوبی که نسبت به دیگران تذکر می دهیم، در خود ما نباشد.
۹۹	۲-لحن انتقاد، مشفقانه باشد.
۱۰۰	۳- تا جای ممکن به صورت مخفی و محرمانه انتقاد شود.
۱۰۰	رفتارسازی
۱۰۲	پرورش احساس
۱۰۳	مناجات
۱۰۵	۲۶-وظیفه مسئولین در قبال مردم
۱۰۵	انگیزه سازی
۱۰۷	اقتناع اندیشه
۱۰۷	اشاره
۱۰۹	۱-دوری از تکبر و فخرفروشی:
۱۱۰	۲-گشاده رویی، محبت و مدارا با مردم:
۱۱۱	۳-انتقاد پذیری و پرهیز از ایجاد جوّ ارباب:
۱۱۲	۴-تربیت اخلاقی و آموزش قرآن و احکام دین:

- ۱۱۴ پرورش احساس
- ۱۱۶ رفتارسازی
- ۱۱۷ مناجات
- ۱۱۹ ۲۷- مسئولیت مردم در قبال دولت اسلامی
- ۱۱۹ انگیزه سازی
- ۱۲۲ اقتناع اندیشه
- ۱۲۲ اشاره
- ۱۲۲ ۱- اصل تشکیل حکومت اسلامی:
- ۱۲۵ ۲- حفظ و استمرار دولت اسلامی:
- ۱۲۸ ۳- ارتقاء و رشد دولت اسلامی:
- ۱۳۰ رفتار سازی
- ۱۳۳ پرورش احساس
- ۱۳۵ مناجات
- ۱۳۷ ۲۸- انسجام دولت و ملت عامل تحقق اقتصاد مقاومتی
- ۱۳۷ انگیزه سازی
- ۱۴۰ اقتناع اندیشه
- ۱۴۶ رفتارسازی
- ۱۴۸ پرورش احساس
- ۱۵۳ ۲۹- همدلی دولت و ملت عامل دفع تهدیدهای داخلی و خارجی
- ۱۵۳ انگیزه سازی
- ۱۵۵ اقتناع اندیشه
- ۱۵۸ رفتارسازی
- ۱۵۹ پرورش احساس
- ۱۶۲ مناجات
- ۱۶۳ ۳۰- یوم الجایزه
- ۱۶۳ انگیزه سازی

۱۶۴ اقناع اندیشه

۱۶۹ پرورش احساس

۱۷۲ رفتارسازی

۱۷۶ درباره مرکز

شهد سخن ۱۰: هم دلی و هم زبانی (نمونه فیش سخنرانی ویژه ایام دهه سوم ماه مبارک رمضان ۱۴۳۶ ه ق)

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: شهد سخن ۱۰: هم دلی و هم زبانی (نمونه فیش سخنرانی ویژه ایام دهه سوم ماه مبارک رمضان ۱۴۳۶ ه ق) / دفتر مطالعات و پژوهش های مرکز رسیدگی به امور مساجد - تحقیق و پژوهش: حجت الاسلام هاشمی نسب

مشخصات نشر: دفتر مطالعات و پژوهش های مرکز رسیدگی به امور مساجد خرداد ۱۳۹۳

مشخصات ظاهری: ۱۶۳ ص

زبان: فارسی

موضوع: خودسازی - ماه مبارک رمضان

موضوع: رحمت و مغفرت

موضوع: دشمن شناسی - وحدت شیعه و سنی

موضوع: نقد منطقی ، نقد مخرب

ص: ۱

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ٢

فهرست

مقدمه ۹

۲۱ ■ خودسازی ۱۳

انگیزه سازی ۱۳

اقناع اندیشه ۱۶

رفتارسازی ۲۱

پرورش احساس ۲۵

روضه ۲۷

۲۲ ■ شب رحمت و مغفرت ۳۱

انگیزه سازی ۳۱

اقناع اندیشه ۳۳

رفتارسازی ۳۷

پرورش احساس ۳۹

روضه ۴۰

۲۳ ■ دشمن شناسی ۴۵

..... ۴۸

۱۵..... انجیره ساری

۴۸..... اقناع اندیشه

ص: ۵

رفتارسازی ۵۹
 پرورش احساس ۶۲

۲۴ ■ وحدت شیعه و سنی ۶۵

انگیزه سازی ۶۵
 اقناع اندیشه ۶۷
 رفتارسازی ۷۱
 پرورش احساس ۷۵
 مناجات ۷۶

۲۵ ■ نقد منطقی، نقد مخرب ۷۷

انگیزه سازی ۷۷
 اقناع اندیشه ۸۱
 رفتارسازی ۸۸
 پرورش احساس ۹۰
 مناجات ۹۱

۲۶ ■ وظیفه مسئولین در قبال مردم ۹۳

انگیزه سازی ۹۳
 اقناع اندیشه ۹۵
 پرورش احساس ۱۰۲
 رفتارسازی ۱۰۴
 مناجات ۱۰۵

۲۷ ■ مسئولیت مردم در قبال دولت اسلامی ۱۰۷

انگیزه سازی ۱۰۷

۱۱۰	اقناع اندیشه
۱۱۸	رفتارسازی
۱۲۱	پرورش احساس
۱۲۳	مناجات

۲۸ ■ انسجام دولت و ملت عامل تحقق اقتصاد

۱۲۵	مقاومتی
۱۲۵	انگیزه سازی
۱۲۸	اقناع اندیشه
۱۳۴	رفتارسازی
۱۳۶	پرورش احساس

۲۹ ■ همدلی دولت و ملت عامل دفع تهدیدهای

۱۴۱	داخلی و خارجی
۱۴۱	انگیزه سازی
۱۴۳	اقناع اندیشه
۱۴۶	رفتارسازی
۱۴۷	پرورش احساس
۱۵۰	مناجات

۳۰ ■ یوم الجایزه

۱۵۱	انگیزه سازی
۱۵۲	اقناع اندیشه
۱۵۷	پرورش احساس
۱۶۰	رفتارسازی

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) :

لَوْ يَعْلَمُ الْعَبْدُ مَا فِي رَمَضَانَ لَوَدَّ أَنْ يَكُونَ رَمَضَانَ السَّنَةَ

اگر بنده خدا می دانست که ماه رمضان چیست (چه برکتی وجود دارد) دوست می داشت که تمام سال، رمضان باشد. (۱)

ماه مبارک رمضان، با شوکتی شگرف، به روی مشتاقان خدا، آغوش می گشاید و با هلال محرابی اش، هلهله اهل پارسایی و پروا می انگیزد. در ماه مبارک رمضان، می توان ذخایر درون را غنی ساخت و ریزش های نفسانی را با رویش های سبز « صبر» و «صلوه» جبران نمود. چرا که لغزشگاه ها، آنگاه رخ می نمایند که کاهش ذخایر نفسانی توان حرکت های پیش رونده را از رهروان سلب گرداند. گویا با تشریح روزه برای اهل ایمان، پرودگار مهربان اراده فرموده که هر سال با انباشت ذخایر نوین معنوی، از توان سیر و سلوک در صراط مستقیم کاسته نشده و با امداد از روشنایی روزه، فانوس فطرت پایدار بماند. روزه، آموزه هایی دارد که هر

ص: ۹

کدام از آنها دریایی از معنویت را به اوج می رساند.

رمضان، افزون بر اعطای فرصت خودسازی، مراقبت از نفس را برای روزه داران ملکه نموده و با کاستن تعلقات دنیایی، نورانیت و بصیرتی را به دنبال می آورد که می توان با نگاهی الهی، اعمال گذشته را واکاوی نمود و به زشتی و زیبایی آنها با دیده انصاف نگریده و حراستی قوی را در وجود خود پدید آورد.

این برکات، آن گاه بیشتر رخ می نماید و ماندگار می گردد که مرغ جان ما به پناه گاه امن و آرام مسجد پناه ببرد و در میان خیل اراده های پولادین و دل های زلال اهل ایمان، زمزمه مناجات بگیریم.

آری این حقیقتی انکار ناشدنی است که رمضان و مسجد پیوندی عمیق و دیرینه دارند و همزمان با فرارسیدن رمضان، مساجد ضیافتی از همدلی، صمیمیت و بندگی را به نمایش می گذارند و آیین های عبادی، پر رنگ تر و پر شورتر از قبل تجلی می یابند.

فرصتی بس گران بها که خدای تبارک ابتداء در اختیار تک تک مؤمنان و میهمانان ضیافت خویش و سپس برای مبلغان و پرچمداران هدایت جامعه قرار داده است و همان طور که در رجب و شعبان می بایست زنگار دل بگیریم و خود را مهیای نشستن بر خوان کرامت الهی کنیم، بر اهل علم و منبر و عظم هم فرض است که خویش را مهیای هدایت و بهره برداری حداکثری از فضای بی بدیل ماه ضیافت الهی نمایند.

آنچه در این ایام و لیالی بیش از هر زمان دیگری مورد تقاضا و درخواست مخاطبان مؤمن منابر و محافل مذهبی است، سلسله مباحث معرفتی، اخلاقی و معنوی است که برگرفته از آیات، روایات و سیره معصومین علیهم السلام می باشد و بتواند با قالبی نو و با بیانی رسا و ارائه ای دلنشین، آرام بخش دل و جان روزه داران و چراغ راه جویندگان علم و معرفت باشد.

مرکز رسیدگی به امور مساجد در راستای رسالت خود در ارائه خدمات فرهنگی و تبلیغی، مجموعه ای از منشورات و محتواهای سودمند را به مناسبت ماه مبارک رمضان تدارک دیده است و این اثر حلقه ای از سلسله محصولات و محتوایی است که مباحث گوناگون را با بهره گیری از قلمی شیوا و اثرگذار تألیف و گردآوری نموده است.

ضمن سپاس از تلاش ها و زحمات نویسندگان و محققین ارجمند و همکاران گرانقدر در اداره تولید و تأمین محتوای معاونت فرهنگی، امیدواریم این اثر، در نگاه شما گرامیان به ویژه ائمه محترم جماعات مقبول افتاده و پیشنهادات و نظرات ارزشمند خویش را از خادمان خویش در معاونت فرهنگی اجتماعی مرکز دریغ نفرماید.

ابو امامه باهلی می گوید: ثعلبه بن حاطب انصاری، خدمت حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) رسیده و گفت: ای رسول خدا! از خدا بخواه تا مالی به من روزی دهد و مرا توانگر سازد.

نبی گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: وای بر تو ای ثعلبه! اگر خدا به کسی مال کمی بدهد که بتواند شکر نعمت را به جای آورد بهتر از این است که دارائی زیاد به او مرحمت کند و او توانائی آن را نداشته باشد که شکر نعمتش را به جای بیاورد.

ثعلبه بار دیگر چنین استدعائی کرد. حضرت فرمود: آیا تو راضی نیستی که مانند نبی الله باشی؟ سوگند به کسی که جانم در ید قدرت اوست، اگر من بخواهم که سیل طلا و نقره از کوه ها

جاری شود، جاری خواهد شد.

ثعلبه در جواب، عرض کرد: به خدائی که تو را به حق مبعوث کرد، اگر از او طلب کنی که مال زیادی به من عنایت کند، تمام حقوق شرعی که بر آن تعلق می گیرد را به صاحبان حق خواهم داد. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دعا کرد: بار خدایا، ثعلبه را مالی زیاد روزی کن. ثعلبه گوسفندی خرید، همان گونه که کرم ها در اندک مدتی تولید نسل کرده و زیاد می شوند، آن گوسفند هم زاد و ولد کرد و زیاد شد. به طوری که بعد از مدتی، مراتع مدینه با آن وسعت، گنجایش نگاه داری آن ها را نداشت. ثعلبه گوسفندان را به طرف بیابانی از بیابان های مدینه راند و آن قدر کارش بالا گرفت که برای ادای نمازهای پنج گانه، فقط نماز ظهر و عصر را با جماعت می گزارد و نمازهای دیگر را در جماعت حاضر نمی شد. باز گوسفندان مانند کرم ها زاد و ولد کردند و مشغله ی ثعلبه زیاد شد و فقط نماز جمعه را با جماعت می گزارد. گوسفندان باز زاد و ولد کردند و ثعلبه برای رسیدگی به آن ها از شرکت در نماز جمعه نیز محروم ماند و نتوانست در آن حاضر شود.

روزی رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) از اصحاب سؤال کرد: ثعلبه چه می کند؟ پاسخ دادند: گوسفندی خرید و به دعای شما خداوند آن قدر به او برکت داد که مدینه گنجایش و تحمل گوسفندان او را نداشت.

حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) سه بار فرمود: «یا ویح ثعلبه» وای بر ثعلبه. در همین اثناء خداوند متعال این آیه را فرو فرستاد:

«خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ

صَلَاتِكَ سَكَنٌ لَّهُمْ» (۱) (ای محمد! از اموال آنان زکات و صدقه بگیر تا آن‌ها را پاک کنی و به وسیله آن صدقه، پاکیزگی آنان را زیاد کنی، و برایشان دعا کن، همانا دعای تو برای آنان آرامش است.)

و بدین وسیله خداوند فرایض و واجبات از صدقه را فرو فرستاد. نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) دو نفر از مسلمانان را برای گرفتن صدقه تعیین کرده و برای آنان نوشت که چگونه صدقه بگیرند. حضرت به آن دو فرمود: نزد ثعلبه و فلان کس از بنی سلیم بروند و از آنان زکات متعلق به اموالشان را بگیرند و بیاورند. آن دو نفر که مأمور وصول زکات بودند، ابتداء نزد ثعلبه آمدند و از او مطالبه زکات کردند و دست خط پیغمبر گرامی را برای او خواندند. ثعلبه گفت: این چیزی که از من می خواهید، زکات و صدقه نیست، بلکه «جزیه» است و اگر به طور صریح جزیه نباشد، همتای جزیه است. من این حرف‌ها را نمی دانم. شما بروید تا من در این باره فکر بکنم، بعداً بیائید.

آنان نزد مردی که از بنی سلیم بود، رفتند و اظهار داشتند پیغمبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده است که زکات اموال خود را بده. آن مرد با گشاده روئی، بهترین شتران خود را برای زکات برگزید و از گله بیرون آورد و تقدیم فرستادگان نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) کرد. وقتی که آنان آن شتران برگزیده را دیدند گفتند: این شترانی که برای صدقه می دهی، از صدقه ای که به اموال تو تعلق می گیرد، بیشتر است و ما مأموریت نداریم که زیادت از زکات متعلقه بگیریم.

ص: ۱۵

مرد زکات دهنده گفت: بلی، بگیری. من از صمیم قلب بهترین شتران خود را دادم و به این کار هم خشنودم.

آن دو نفر پس از وصول زکات، مجدداً نزد ثعلبه آمدند. ثعلبه گفت: نوشته پیغمبر را بدهید تا ببینم در آن چه نوشته است؟ پس از قرائت آن نامه اظهار داشت: این زکات نیست، بلکه جزیه است یا همتای جزیه می باشد! فعلاً بروید تا باز هم در این باره فکر کنم.

آن دو مأمور برگشتند و خدمت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) رسیدند.

هنگامی که رسول گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) آن دو را دید، قبل از آنکه آنان صحبت کنند و رویداد را بگویند، فرمود: وای بر ثعلبه. سپس برای آن مرد بنی سلیم، که زکات خود را از بهترین شتران داده بود، دعای خیر کرد و از خداوند برای او برکت استدعا نمود. آن مأموران وصول صدقه، پیغمبر گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) را از نتیجه مأموریت خود و عملی که ثعلبه و آن مرد بنی سلیمی کرده بودند، آگاه ساختند. پس خداوند تعالی این آیه را فرو فرستاد:

«وَمِنْهُمْ مَنْ عَاهَدَ اللَّهُ لَئِنْ آتَانَا مِنْ فَضْلِهِ...» تا «بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ» (۱). (۲).

اقناع اندیشه

اشاره

خودسازی و تهذیب نفس، مسئله ای است که انسان های

ص: ۱۶

۱- التوبه، آیات ۷۵ الی ۷۷

۲- محمد جعفر اسلامی، شأن نزول آیات، ص: ۳۱۰

مؤمن به دنبال آن هستند، چرا که مهذب شدنِ نفس، نتیجه مهمی به دنبال دارد. همان که خداوند متعال می فرماید:

جَنَّاتٌ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَ ذَلِكَ جَزَاءُ مَنْ تَزَكَّى. (۱)

[و آن] بهشت های پایداری است که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است که در آن جاودانه اند و این است پاداش کسانی که خود را [با ایمان و عمل صالح از آلودگی ها] پاک کرده اند.

البته مسیر خودسازی مسیر ساده ای نیست و موانع متعددی بر سر راه خودسازی وجود دارد که انسان مؤمن با تلاش و دعا باید این موانع را از سر راه بردارد. برخی از موانع خودسازی را در اینجا بیان می کنیم:

۱. انباشته شدن گناهان

فرمود: هر گاه بنده ای گناهی مرتکب شود، نقطه سیاهی در قلبش پیدا می گردد. اگر توبه کرد، برطرف می شود و اگر توبه نکرد، گناه روی گناه می آید و کم کم سیاهی همه قلب او را فرا می گیرد و با قلب سیاه و گناه بسیار می میرد، و خداوند درباره آنان می فرماید:

«بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (۲) «تاریکی و کارهای زشتشان بر دل های آنان چیره گشته و پرده ای ایجاد نموده.»

ص: ۱۷

۱- طه، آیه ۷۶

۲- المطففين، آیه ۱۴

پس عاقل کسی است که خود را مرده پندارد و از خدا طلب رجعت به دنیا نماید تا توبه کند و خود را اصلاح نماید و رابطه را با شیطان قطع کند، اینجاست که خدا دست او را می گیرد تا خود را اصلاح نماید. (۱)

۲. وابستگی های دنیوی

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) إِنَّ أَوَّلَ مَا عَصَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ سِتُّ حُبِّ الدُّنْيَا وَحُبِّ الرِّئَاسَةِ وَحُبِّ الطَّعَامِ وَحُبِّ النَّوْمِ وَحُبِّ الرَّاحَةِ وَحُبِّ النِّسَاءِ. (۲)

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: اولین چیزی که به وسیله ی آن معصیت خدا انجام گرفت، شش صفت بود: علاقه به دنیا، علاقه به ریاست، علاقه به غذا، علاقه به خواب، علاقه به راحتی، علاقه به زن.

۳. پرخوری

عَنْ أَبِي عَبِيدٍ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ لِي يَا أَبَا مُحَمَّدٍ إِنَّ الْبُطْنَ لَيَطْغَى مِنْ أَكْلِهِ وَأَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنَ اللَّهِ جَلًّا وَعَزًّا إِذَا خَفَّ بَطْنُهُ وَأَبْغَضُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ إِلَى اللَّهِ عَزًّا وَجَلًّا إِذَا امْتَلَأَ بَطْنُهُ.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: شکم در اثر پرخوری طغیان می کند. نزدیک ترین احوال بنده به خدا هنگامی است که شکمش خالی باشد، و بدترین حالات وقتی است که شکمش

ص: ۱۸

۱- حسن بن محمد دیلمی، إرشاد القلوب إلى الصواب، ج ۱، ص: ۴۶

۲- محمد بن يعقوب الكليني، الكافي (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص: ۲۸۹

پُر باشد.

همچنین امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید: نِعْمَ الْعَوْنُ عَلَىٰ أَسْرِ النَّفْسِ وَ كَسْرِ عَادَتِهَا التَّجَوُّعِ. (۱)

گرسنگی بهترین کمک برای کنترل نفس و شکستن عادت های او می باشد.

۴. پیروی از هوای نفس

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: «لَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ.» (۲)

از هوای نفس پیروی مکن که تو را از راه خدا منحرف می کند.

۵. زیاد سخن گفتن

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به ابوذر فرمود: عَلَيْكَ بِطُولِ الصَّمْتِ فَإِنَّهُ مَطْرَدَةٌ لِلشَّيَاطِينِ وَ عَوْنٌ لَكَ عَلَىٰ أَمْرِ دِينِكَ

(۳).

تو را به طول سکوت سفارش می کنم، زیرا بدین وسیله شیطان از تو دور می شود. سکوت کمک خوبی است برای حفظ دین.

۶. نشاخن مسیر شیطان و تبعیت از او

خداوند متعال می فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ

ص: ۱۹

۱- علی بن محمد لیثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ص: ۴۹۴

۲- سوره ص، آیه ۲۶

۳- محمد بن علی بن بابویه، الخصال، ج ۲، ص: ۵۲۶

الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطْوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ. (۱)

ای کسانی که ایمان آورده اید، پای از پی گام های شیطان منهدید، و هر کس پای بر جای گام های شیطان نهد [بداند که] او به زشت کاری و اعمال ناپسند وامی دارد، و اگر فضل خدا و رحمتش بر شما نبود، هرگز هیچ کس از شما پاک نمی شد، ولی [این] خداست که هر کس را بخواهد پاک می گرداند و خدا [ست که] شنوای داناست.

۷. پیمان شکنی با خداوند

خداوند متعال می فرماید: إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ. (۲)

کسانی که پیمان خدا و سوگندهای خود را به بهای ناچیزی می فروشند، آنان را در آخرت بهره ای نیست و خدا روز قیامت با آنان سخن نمی گوید، و به ایشان نمی نگرد، و پاکشان نمی گرداند، و عذابی دردناک خواهند داشت.

۸. نداشتن واعظی از درون و دوست مشفق

قَالَ الصَّادِقُ (عليه السلام) مَنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَاعِظٌ مِنْ قَلْبِهِ وَزَاجِرٌ مِنْ نَفْسِهِ

ص: ۲۰

۱- النور، آیه ۲۱

۲- آل عمران، آیه ۷۷

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ قَرِينٌ مُّزِيدٌ اسْتَمَكَنَّ عَدُوَّهُ مِنْ عُنُقِهِ (۱).

امام صادق (علیه السلام) فرمود: کسی که واعظی از قلبش، و مانعی از نفسش نداشته باشد، و دوست هدایت کننده برای او نباشد، دشمنش بر دوشش سوار می شود.

اگر انسان مؤمن، تلاش خویش را برای تهذیب نفس انجام دهد و سعی در رفع این موانع نیز داشته باشد، امید است که بتواند نفسش را تهذیب نموده و بر خودش مسلط گردد.

رفتار سازی

روایت عنوان بصری، یکی از دستور العمل های بسیار مهم وجود مقدس امام صادق (علیه السلام) می باشد که در بردارنده ی نکاتی نغز و بدیع در تهذیب نفس بوده و جهت استفاده ی تمامی پیروان مکتب نورانی ائمه (علیهم السلام) صادر شده است. بسیاری از عرفا، علما و بزرگان اخلاق، اهتمام خاصی به این روایت شریف داشته اند؛ از جمله مرحوم آیت الله سید میرزا علی قاضی طباطبایی (رحمه الله علیه) به ارادتمندان و شاگردان خود دستور می دادند که آن را بنویسند و عمل کنند و کراراً می فرمودند: «باید آن را در جیب خود داشته باشید و هفته ای یکی دو بار آن را مطالعه کنید.» و شاگردان خود را بدون التزام به مضمون این روایت نمی پذیرفتند.

ذیلاً بخشی از این روایت شریف را برای بهره مندی تمامی

ص: ۲۱

مشتاقان سلوک الی الله ذکر می کنیم.

عنوان بصری که پیرمردی سال خورده بوده و از عمرش نود و چهار سال می گذشت گفت:

«به حضرت عرضه داشتیم: از خداوند خواستم که قلب شما را نسبت به من مهربان کند و از علم شما روزی ام فرماید و امید دارم خداوند آنچه را که درباره وجود شریف شما خواسته ام اجابت فرماید.

حضرت فرمودند: ای اباعبدالله! علم به آموختن نیست. علم نور است و در قلب کسی قرار می گیرد که خداوند تبارک و تعالی هدایت او را اراده فرموده باشد. بنابراین اگر علم می خواهی ابتدا باید حقیقت عبودیت (بندگی) را در وجود خودت بخواهی و علم را با عمل کردن، طلب کنی و از خداوند طلب فهم کن تا (علم را) به تو بفهماند. عرض کردم: ای شریف. فرمودند: مرا اباعبدالله صدا بزن. گفتم: ای اباعبدالله! حقیقت عبودیت و بندگی چیست؟ فرمودند: سه چیز است:

۱- اینکه بنده خدا در مورد آنچه که پروردگار به او سپرده است، برای خودش ملکیتی نبیند. چرا که بندگانِ ملکی ندارند (مالک حقیقی خداوند تبارک و تعالی است) و همه اموال را از آن خداوند می بینند و آن را در جایی قرار می دهد (مصرف می کند) که خداوند امر فرموده است.

۲- بنده خدا برای خودش مصلحت اندیشی و تدبیر نمی کند. (مصلحت و تدبیر واقعی را در دست خداوند می داند).

۳- تمام اشتغال او در اطاعت از اوامر و نواهی خداوند محصور می شود.

پس اگر بنده خدا در آنچه که پروردگار به او سپرده است، ملکیتی برای خودش نبیند، در این صورت انفاق کردن برایش در چیزی که خداوند امر فرموده است آسان می شود؛ و وقتی که تدبیر امورش را به مدبرش بسپرد (و اهل توکل شود) تحمل مصیبت های دنیا برایش آسان می گردد؛ و زمانی که به آنچه خداوند امر و نهی کرده است مشغول باشد، دیگر فرصتی برای خودنمایی و فخر فروشی به مردم پیدا نمی کند.

پس وقتی که خداوند بنده را با این سه (خصلت) گرامی بفرماید، دنیا و ابلیس و مردم در نظرش کوچک خواهند بود؛ و دیگر دنیا را برای زیاده خواهی و فخر و مباهات به مردم و برای عزت و جاه طلبی و آنچه را که نزد مردم است نمی خواهد و عمرش را به بیهودگی نمی گذراند.

این اولین درجه تقواست که خداوند تبارک و تعالی می فرماید: «تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَ لَا فَسَادًا وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (۱)

«آن سرای آخرت است که برای کسانی که در زمین قصد بلند پروازی ندارند و دنبال فساد نمی گردند، قرار دادیم و سرانجام نیک، برای مردم با تقوا است.»

عرض کردم: ای ابا عبدالله! به من توصیه ای بفرمایید، فرمودند: تو را به نه چیز وصیت می کنم که آن ها توصیه ی

ص: ۲۳

من به همه آرزومندان سیر و سلوک الی الله است. از خداوند موفقیت تو را در عمل به آن ها خواستارم.

سه مورد آن در ریاضت و تربیت نفس است و سه مورد آن در حلم و بردباری و صبر است و سه امر دیگر در علم و دانش است. پس این وصایا را حفظ کن و به خاطر بسپار و مبدا در عمل به آنها سستی کنی. عنوان بصری می گوید: من قلبم را (برای فراگیری علم حضرت) آماده کردم.

حضرت فرمودند: اما آنچه در ریاضت نفس است: ۱- مبدا چیزی را بخوری که به آن اشتها نداری، چون موجب حماقت و نادانی می شود. ۲- و تا گرسنه نشدی چیزی نخور. ۳- زمانی که غذایی خوردی، با نام خدا و حلال باشد و حدیث رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را به یاد داشته باش که فرمودند: آدمی هیچ ظرفی بدتر از شکمش را پُر نکرده است. پس اگر ناچار شد غذا بخورد، یک سوم شکمش را برای طعام، و یک سوم را برای آب و یک سوم را برای تنفس قرار دهد.

اما آن سه موردی که در حلم و بردباری است:

۱- اگر کسی به تو گفت که اگر یکی بگویی ده تا می شنوی. به او بگو: اگر ده تا بگویی یک سخن هم نمی شنوی. (عفت کلام داشته باش و از نزاع پرهیز) ۲- اگر کسی به تو دشنامی داد به او بگو: اگر راست می گویی از خداوند می خواهم مرا ببخشد و اگر دروغ می گویی از خداوند می خواهم تو را ببخشد. ۳- و اگر کسی تو را تهدید به دشنام کرد، تو او را به خیرخواهی

(نصیحت) و مراعاتش وعده بده.

و اما آن سه امر دیگر که در علم و دانش است:

۱- آنچه را که نمی دانی از عالمان بپرس و مبادا برای به زحمت انداختن و امتحان کردنشان سؤال کنی. ۲- مبادا بر اساس خودرأیی، دست به کاری بزنی که علم نداری و در تمامی امور تا آنجا که ممکن است مسیر احتیاط را رها نکن. ۳- همان گونه که از شیر درنده فرار می کنی، از فتوا دادن (فتوای بدون علم) بپرهیز و گردن خود را پل عبور مردم نکن.

ای ابا عبدالله! برخیز و برو که من برای تو خیرخواهی کردم و ذکر من را خراب نکن، چرا که من مردی هستم که بر گذشت عمرم دقت دارم و سلام بر کسی که از هدایت پیروی می کند» (۱)

پرورش احساس

مقام معظم رهبری (حفظه الله تعالی) درباره خودسازی می فرمایند:

«هر دعوتی که انسان را به لجام گسیختگی در لذات بکشاند، دعوت به آتش و دعوت به بدبختی و هلاکت است. به طور کلی، دعوت انبیاء، دعوت حکما، دعوت های الهی، در جهت کفّ نفس از این لذایذ است، که روزه هم از این قبیل است. به همین خاطر است که در روایات ما، ماه رمضان یک صحنه ی مناسب شمرده شده است؛ برای این که انسان در این ماه تمرین کند و

ص: ۲۵

۱- علی بن حسن طبرسی، مشکاه الأنوار فی غرر الأخبار، النص، ص: ۳۲۵

مجموعه ی گناهان را ترک گوید. یک روایت از امام صادق (علیه السلام) است که خطاب به «محمد بن مسلم» می فرماید: «یا محمد! اذا صمت فلیصم سمعک و بصرک و لسانک و لحمک و دمک و جلدک و شعرک و بشرک»^(۱). امام صادق (علیه السلام) به این یار و شاگرد نزدیک خودشان می فرمایند که وقتی روزه می گیری، باید شنوایی تو روزه گیر باشد، بینایی تو روزه بگیرد، زبان تو روزه بگیرد، گوشت و خون و پوست و موی و بشره ی تو روزه دار باشد؛ دروغ نگویی، انسان های مؤمن را دچار بلا نکنی، دل های ساده را اغوا نکنی، برای برادران مسلمان و جامعه ی اسلامی توطئه درست نکنی، بدخواهی نکنی، بددلی نکنی، تهمت زنی، کم فروشی نکنی، امانت داری کنی. انسانی که در ماه رمضان با کفِ نفس خود، از خوردن و آشامیدن و مشتتهیات نفسانی و جنسی روزه می گیرد، باید زبان خود، چشم خود، گوش خود، و همه ی اعضا و جوارح خود را روزه دار بداند و خود را در محضر خدای متعال و دوری گزیده از گناهان بینگارد. دنباله ی روایت می فرماید: «و لا یكون یوم صومک کیوم فطرک»^(۲) روز روزه ی تو، مثل روز فطر تو نباشد؛ مثل روزهای عادی نباشد. روز ماه رمضان هم همان گونه رفتار کنی که در روزهای عادی رفتار کردی. باید به تربیت نفس توجه کنی و این فرصت را مغتنم بشماری.

ص: ۲۶

۱- محمد بن احمد فتال نیشابوری، روضه الواعظین و بصیره المتعظین (ط - القدیمة)، ج ۲، ص: ۳۵۰

۲- همان

در یک روایتی دیگر می فرماید: «صوم النَّفس امساک الحواس الخمس عن سائر المآثم»^(۱).

از امیرالمؤمنین (علیه السلام) نقل شده است که روزه ی نفس، غیر از روزه ی جسم و روزه ی شکم است. روزه ی نفس انسان این است که همه ی حواس پنجگانه ی او از گناهان امساک کنند. «و خلّو القلب من جميع اسباب الشر»^(۲) دل از همه ی موجبات و اسباب شرّ و فساد خالی شود. با خدای متعال و با بندگان خدا، دل را صاف و بی غلّ و غش کنیم. در این جهت، روایات زیادی هست.^(۳)

روضه

امشب شب شهادت شخصیتی است که خودسازی و تهذیب نفس را در حد اعلای آن انجام داد، تا امام المتقین شد. آقایی که صراط مستقیم است^(۴) و پدر امت پیامبر است،^(۵)

حال در بستر شهادت افتاده.

شیخ مفید و شیخ طوسی به سند معتبر روایت کرده اند که اصبع بن نباته گفت: چون امیر المؤمنین (علیه السلام) را ضربت زدند و به خانه بردند، من و حارث همدانی و سوید بن غفله با گروهی از اصحاب آن حضرت، جلوی در خانه ایشان جمع شدیم،

ص: ۲۷

۱- علی بن محمد لثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ص: ۳۰۵

۲- همان

۳- بیانات مقام معظم رهبری در خطبه های نماز جمعه مورخ ۱۲/۱۰/۷۶

۴- علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، ج ۱، ص: ۲۸

۵- محمد بن علی بن بابویه، الأمالی، النص، ص: ۳۳۲

چون صدای گریه از داخل خانه ی آن حضرت بلند شد، ما همه گریستیم. پس امام حسن (علیه السّلام) از خانه بیرون آمد و گفت:

امیر المؤمنین (علیه السّلام) می گوید که به خانه های خود برگردید، آن جماعت رفتند. من جلوی خانه آن حضرت ماندم. بار دیگر صدای شیون از خانه آن حضرت شنیدم و من نیز گریستم، باز حضرت امام حسن (علیه السّلام) بیرون آمد و فرمود: نگفتم که به خانه های خود برگردید؟ گفتم: به خدا سوگند یا بن رسول الله که جانم یاری نمی کند و پایم قوّت رفتن ندارد، و تا علی (علیه السّلام) را نبینم به جایی نمی توانم رفت. سپس بسیار گریستم.

پس ایشان داخل شده و بعد از اندک زمانی بیرون آمد و مرا به اندرون خانه طلبید. چون داخل شدم دیدم علی (علیه السّلام) را بر بالش ها تکیه داده اند و دستمال زردی بر سر مبارکش بسته اند، و روی مبارکش از شدت خونی که از سرش رفته است، چنان زرد شده که ندانستم دستمالش زردتر بود یا رنگ مبارکش. (۱)

تقوا و عدالت علی (علیه السّلام) آن قدر زیاد است که به امام حسن (علیه السّلام) می فرماید:

ابن ملجم را حبس کنید و او را طعام و آب بدهید و او را نیکو رعایت کنید. اگر من زنده بمانم، اگر خواهم قصاص خواهم کرد و اگر خواهم عفو خواهم نمود، و اگر از دنیا بروم اختیار با شماست، و اگر عزم کشتن او نمائید بیش از یک ضربه به او

ص: ۲۸

نزنید، و گوش و بینی و اعضاء او را میرید. (۱)

سال ها با چاه همدم بوده ام

همنشین رنج و ماتم بوده ام

سال ها در پیچ و تاب زندگی

همدم دیرینه ی غم بوده ام

آسمانی ها شهادت می دهند

روی دینم قرص و محکم بوده ام

من پس از هجده بهار از چشم یاس

شاهد باران نم نم بوده ام

بارها با چاه هم گفتم که من

داغدار قامتی خم بوده ام

داغ زهرا بود من را پیر کرد

غصه اش من را ز دنیا سیر کرد

ص: ۲۹

انگیزه سازی

حمران از امام باقر (علیه السلام) درباره معنی قول خدای (عزّ و جلّ): «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلِهِ مُبَارَكَةً» (۱) سؤال کرد. امام فرمود: آن شب مبارک، شب قدر است، و آن هر سال در ماه رمضان در ده شب اواخر آن ماه است، و قرآن جز در شب قدر نازل نشده است، خدای (عزّ و جلّ) در این باره فرموده است: «فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ» (۲).

حضرت فرمود: در شب قدر هر چیزی از خیر یا شرّ، یا طاعت یا معصیت، یا مولود یا اجل یا رزق که در آن سال تا سال آینده

و

ص: ۳۱

۱- الدخان، آیه ۳

۲- الدخان، آیه ۴

شب قدر بعد تحقق می یابد مقدر می شود، پس هر چیز که در آن شب تقدیر شود و به امضای قضا برسد، آن چیز امری حتمی و تخلّف ناپذیر است، و خدای (عزّ و جلّ) را درباره آن مشیّتی است.

راوی گفت: گفتم معنی این بیان الهی که فرمود: «شب قدر از هزار ماه بهتر است»^(۱) چیست؟ فرمود: این آیه ناظر به عمل صالح در شب قدر است؛ و اگر نه آن بود که خدای (تبارک و تعالی) حسنات را برای مؤمنین مضاعف می ساخت، ایشان به کمال فضیلت و ثواب نمی رسیدند ولی خدای (عزّ و جلّ) حسنات را برای ایشان مضاعف می سازد.^(۲)

همچنین درباره شب قدر از امام صادق (علیه السّلام) نقل شده است:

شیوه ی علی (علیه السّلام) آن بود که بسیار می فرمود: روزی دو تن از اصحاب،^(۳) خدمت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) حاضر بودند و آن حضرت سوره «انا انزلناه» را با خشوع و گریه تلاوت می کرد تا اینکه آن دو گفتند: برای این سوره چه سخت دلت نازک است؟ رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: برای آن چیزی است که به چشم خود دیده و به دل خود فهمیده ام و برای آن چیز است که دل این مرد (اشاره به علی (علیه السّلام)) بعد از من دریافت خواهد کرد.

آن دو می گفتند: شما چه دیدید و او چه خواهد دید؟ پیامبر

ص: ۳۲

۱- القدر، آیه ۳

۲- محمد بن علی بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص: ۱۵۸

۳- خلیفه اول و دوم

روی خاک برای آن ها نقش می کرد «تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ» (۱)

سپس پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمود: پس از فرموده خدای (عز و جل): «هر امری» آیا چیزی بر جا می ماند؟ آن دو می گفتند: نه، پیامبر می فرمود: آیا می دانید بر چه کسی «هر امری» را نازل می کنند؟ می گفتند: یا رسول الله بر شما، می فرمود: آری درست است. سپس می فرمود: ولی آیا شب قدر، بعد از من نیز هست؟ آن دو می گفتند: آری، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمود: آیا این امر در آن شب نازل می شود؟ می گفتند: آری، می فرمود: بر چه کسی؟ می گفتند: ما نمی دانیم.

سپس پیامبر سر مرا در آغوش گرفته و می فرمود: اگر نمی دانید، بدانید: آن کس، بعد از من، این مرد است.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: به راستی که آن دو نفر بعد از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) این شب را از روی شدت هراسی که در آن شب به دلشان می افتاد، می شناختند. (۲)

اقناع اندیشه

یکی از موقعیت هایی که خداوند متعال برای توبه و بازگشت بندگانش قرار داده، شب قدر است. خداوند در شب قدر، غفران خویش را نصیب بندگانش می نماید و این غفران به قدری

ص: ۳۳

۱-القدر، آیه ۴

۲- محمد بن یعقوب الکلینی، الکافی (ط - الإسلامیه)، ج ۱، ص: ۲۴۹

گسترده است که اگر شامل کسی نشود، به معنای خارج شدن از دایره وسیع رحمت خداوند است. چنانکه پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

مَنْ أَدْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ فَلَمْ يُعْفِرْ لَهُ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ. (۱)

کسی که شب قدر را درک کند، ولی بخشیده نشود [و مورد رحمت بی پایان الهی واقع نشود] پس خدا او را [از رحمت خویش] دور ساخته.

اما برای اینکه بفهمیم، چرا غفران و مغفرت این قدر اهمیت داشته و مشمول غفران خداوند شدن چه اثری در شب قدر دارد، می باید ابتدا معنای غفران را متوجه شویم.

غفران در لغت به معنای پوشاندن و پنهان کردن (۲) و در اصطلاح به معنای پوشاندن خطای شخصیت که تحت قدرت فردی قادر قرار گرفته، آنهم به توسط این فردِ قادر. (۳)

یکی از دعا‌های بندگان خدا در اوقات دعا به خصوص در شب قدر این است که شخص، مورد مغفرت خداوند قرار بگیرد چرا که در شب قدر تمام برنامه های سال آینده انسان ها رقم خورده و تقدیر آن ها قطعی می گردد؛ چنانچه امام رضا (علیه السلام) فرمود:

لَيْلَةُ الْقَدْرِ يُقَدِّرُ اللَّهُ (عَزَّ وَ جَلَّ) فِيهَا مَا يَكُونُ مِنَ السَّنَةِ إِلَى السَّنَةِ

ص: ۳۴

۱- محمد بن علی بن بابویه، فضائل الأشهر الثلاثة، ص: ۵۴

۲- أحمد بن محمد فيومي، المصباح المنير في غريب الشرح الكبير، ج ۲، ص ۴۴۹

۳- سيد عليخان بن احمد كبير مدني، رياض السالكين في شرح صحيفه سيد الساجدين، ج ۲، ص: ۴۰۳

مِنْ حَيَاةٍ أَوْ مَوْتٍ أَوْ خَيْرٍ أَوْ شَرٍّ أَوْ رِزْقٍ فَمَا قَدَرَهُ مِنْ تِلْكَ اللَّيْلَةِ فَهُوَ مِنَ الْمُحْتَموم. (۱)

خدای (عز و جل) آنچه را که از اول سال تا آخر سال می باشد از زندگی یا مردن یا خوبی یا بدی یا روزی، در شب قدر تقدیر می کند، پس آنچه خدا در آن شب مقدر کرده باشد از امور حتمی است که آن را محکم و واجب نموده و به آن حکم فرموده است.

لذا اگر فرد بخواهد تأثیر طبیعی خطاهای گذشته ی او در سال آینده گریانش را نگیرد، چاره ای جز جلب مغفرت خداوند متعال ندارد، تا در سال آینده خداوند گناهان و خطاهای سال گذشته اش را تأثیر نداده و سالی همراه با تکامل و رشد را در پیش رویش قرار دهد، نه همراه با سقوط؛ و این خداوند است که می تواند چنین کاری را انجام دهد، چنانکه در روایت آمده است:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ إِذَا كَانَتْ لَيْلَةُ الْقَدْرِ نَزَلَتِ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ وَالْكَتَبَةُ إِلَى سَمَاءِ الدُّنْيَا فَيَكْتُبُونَ مَا يَكُونُ مِنْ قَضَاءِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِي تِلْكَ السَّنَةِ فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يُقَدِّمَ أَوْ يُؤَخَّرَ أَوْ يَنْقُصَ شَيْئًا أَوْ يَزِيدَهُ أَمَرَ اللَّهُ أَنْ يَمْحُوَ مَا يَشَاءُ ثُمَّ أَثْبَتَ الَّذِي أَرَادَ. (۲)

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: زمانی که شب قدر شود، ملائکه و روح و فرشتگان کاتب به آسمان دنیا می آیند و قضاء خداوند (تبارک و تعالی) در آن سال را می نویسند؛ پس زمانی که خداوند

ص: ۳۵

۱- محمد بن علی بن بابویه، التوحید، ص: ۴۴۴

۲- علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، ج ۱، ص: ۳۶۶

متعال اراده کرد تا چیزی را مقدم یا مؤخر کند یا چیزی را کم یا زیاد نماید، امر به محو هر چه که بخواهد نموده و سپس امر به ثبت هر چه که بخواهد می نماید.

البته اعمال نیز در شب قدر ارزش مضاعف پیدا می کنند، چنانکه نقل شده است:

از امام صادق (علیه السلام) سوال شد: چگونه شب قدر از هزار ماه بهتر است؟

حضرت فرمودند: کار نیک در آن شب از کار در هزار ماه که در آن ماه ها شب قدر نباشد بهتر است. (۱)

فلذا مؤمنین در این شب عزیز، هم از خداوند طلب مغفرت نموده و هم به عبادت و انجام اعمال خیر همت می گمارند، چرا که عبادت در این شب هم باعث آینده ای بهتر می گردد و هم رشد و تکامل فعلی شخص را ارتقاء می دهد؛ فلذا همت برای شب زنده داری در این شب ها از اهمیت ویژه ای برخوردار است، چرا که زندگی مادی و معنوی یک سال ما را تحت تأثیر قرار می دهد.

البته نکته ی قابل توجه آن است که فرد باید تلاش خود را برای احیاء نگه داشتن هر سه شب قدر انجام دهد، چرا که در روایت وارد شده است:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) التَّقْدِيرُ فِي لَيْلِهِ تِسْعَةَ عَشَرَ وَ الْإِبْرَامُ فِي لَيْلِهِ

ص: ۳۶

۱- محمد بن علی بن بابویه، من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص: ۱۵۸

إِخْدَى وَ عِشْرِينَ وَ الْإِمْرَاءُ فِي لَيْلِهِ ثَلَاثٍ وَ عِشْرِينَ (۱)

امام صادق (علیه السلام) فرمود: بر آورد اعمال در شب نوزدهم انجام می گیرد و تصویب آن در شب بیست و یکم و تنفیذ آن در شب بیست و سوم.

لذا انسان مؤمنی که قلبش با حدود بیست روز روزه داری و دوری از شهوات، تصفیه گردیده است، در این شب با معنویتی که از ماه رجب تا شب های قدر کسب نموده، به درگاه خداوند متعال می رود و هر آنچه که از قاضی الحاجات بخواهد می گیرد.

رفتار سازی

حضرت موسی (علیه السلام) فرمود:

خداوندا! می خواهم به تو نزدیک شوم، خداوند فرمود: قرب من از آن کسی است که شب قدر بیدار شود.

حضرت موسی (علیه السلام) عرضه داشت: خداوندا! رحمتت را می خواهم، خداوند فرمود: رحمتم از آن کسی است که در شب قدر به مسکینان رحم کند.

گفت: خداوندا! جواز گذشتن از صراط را از تو می خواهم. خداوند فرمود: آن، از آن کسی است که در شب قدر صدقه ای بدهد.

گفت: خداوندا! از درختان بهشت و از میوه هایش خواهم. فرمود: آن ها از آن کسی است که در شب قدر تسیحش را انجام دهد.

حضرت موسی (علیه السلام) فرمود: خداوندا! رهایی از جهنم را

ص: ۳۷

می خواهم، خداوند فرمود: آن، از آن کسی است که در شب قدر استغفار کند.

حضرت موسی (علیه السلام) گفت: خداوندا خشنودی تو را می خواهم، خداوند فرمود: خشنودی من از آن کسی است که در شب قدر دو رکعت نماز بگذارد. (۱)

آری! شب قدر دارای این همه برکات و خیرات است، اما این مسئله نیز فراموش نشود که انسان ها بر طبق تلاش و معرفتشان می توانند از این ایام بهره ببرند. در همین زمینه از امام باقر (علیه السلام) نقل شده که ایشان فرموده است:

هر کس شب بیست و سوم رمضان را شب زنده داری کند و صد رکعت نماز در آن بگذارد، خداوند روزی او را در دنیا فراخ می فرماید و شرّ کسانی را که با او ستیزه کنند از او کفایت می فرماید و او را از سوختن در دنیا و زیر آوار ماندن و شر دزدان و جانوران درنده محفوظ می دارد و بیم نکیر و منکر را از او برطرف می فرماید و هنگامی که از گور خود بیرون آید، پرتو چهره اش برای همه مردم محشر درخشان است و نامه عملش به دست راست او داده می شود و برای او آزادی از دوزخ و عبور از پل صراط و امان از عذاب مقرر می شود و بدون حساب وارد بهشت می شود و در آن از هم نشینان پیامبران و صدیقان و شهیدان و نیکوکاران خواهد بود که چه نیکو رفیقانی هستند. (۲)

ص: ۳۸

۱- علی بن موسی بن طاووس، إقبال الأعمال (ط - القدیمه)، ج ۱، ص: ۱۸۶

۲- محمد بن احمد فتال نیشابوری، روضه الواعظین و بصیره المتعظین (ط - القدیمه)، ج ۲، ص: ۳۴۹

تا به حال برخی سخنان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت عصمت (علیهم السلام) در مورد شب قدر را مرور نمودیم. در اینجا مناسب است که سخنان مقام معظم رهبری را به عنوان فقیه زمان شناس و نائب حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) درباره شب قدر ذکر نماییم:

«امروز (بیست و یکم ماه رمضان) بنابر احتمال فراوان، هم روز قدر است، هم روز شهادت امیرالمؤمنین (علیه السلام) است. دیشب یکی از سه شب ممتاز در دوران سال بود؛ شب هایی که محتمل است شب قدر باشند. تنزل ملائکه ی الهی و تنزل روح در مثل دیشب یا یکی از دو شب دیگر اتفاق افتاده است یا می افتند. خوشا به حال کسانی که با فرود فرشتگان الهی توانستند روح خود را فرشته گون کنند. حضور ملائکه ی الهی در روی زمین و در میان ما مردم که فرمود: «تنزل الملائکه والروح فیها باذن ربهم من کل امر»^(۱)

باید بتواند ما را به نزدیک شدن به خلق و خوی فرشته گون کمک کند. یقیناً در میان بندگان خدا کسانی بوده اند که دیشب را شب خوبی گذرانده اند و چشم حقیقت بین و روح حقیقت یاب آن ها حقایق شب قدر را ادراک کرده است. شاید کسانی فرشته ها را به چشم دیده باشند. شما مردم عزیز هم در همه جا شب نوزدهم و شب بیست و یکم و ان شاءالله شب بیست و سوم را ساعات خوبی گذرانید و می گذرانید. می بینیم که مردم ما، جوان های ما، زن و مرد ما با این شب ها حقیقتاً

ص: ۳۹

قصد پالایش خود را دارند؛ دل ها نرم می شود، چشم ها اشکبار می شود، روح ها لطیف می شود؛ روزه هم کمک کرده است. ما باید امیدوار باشیم، دعا کنیم و بکوشیم از این شب ها برای عروج معنوی خود استفاده کنیم؛ چون نماز معراج و وسیله ی عروج مؤمن است. دعا هم معراج مؤمن است، شب قدر هم معراج مؤمن است. کاری کنیم عروج کنیم و از مزبله ی مادی که بسیاری از انسان ها در سراسر دنیا اسیر و

دچار آن هستند، هرچه می توانیم، خود را دور کنیم. دلبستگی ها، بدخلقی ها، خلیقات غیرانسانی، ضدانسانی، روحیات تجاوزگرانه، افزون خواهانه و فساد و فحشا و ظلم، مزبله های روح انسانی است. این شب ها باید بتواند ما را هرچه بیشتر از این ها دور و جدا کند.»^(۱)

روضه

این شب ها مؤمنین داغدارند، زیرا نه تنها امیر و مولای خویش را از دست داده اند، بلکه بالاتر از آن، پدری مهربان را از دست داده اند، چنانکه پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ»^(۲) «من و علی پدران این امت هستیم.» و این علی (علیه السلام) است که همچون پدری مهربان، غمخوار امت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) شده و در سختی ها پناه مسلمین است. و این علی (علیه السلام) است که

ص: ۴۰

۱- بیانات مقام معظم رهبری در خطبه های نماز جمعه مورخ ۱۵/۸/۸۳

۲- امام حسن عسکری (علیه السلام)، التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری علیه السلام، ص: ۳۳۰

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) برای او می‌گریه و علت گریه خویش را می‌فرماید:

يَا عَلِيُّ أَبُوكِ لِمَا يُسْتَحَلُّ مِنْكَ فِي هَذَا الشَّهْرِ كَأَنِّي بِكَ وَ أَنْتَ تُصَلِّي لِرَبِّكَ وَ قَدْ اتَّبَعْتَ أَشَقَى الْأَوْلِيَيْنِ وَ الْأَخْرَيْنَ شَقِيقُ عَاقِرِ نَاقِهِ
ثُمُودَ فَضْرَبَكَ ضَرْبَهُ عَلَى قَرْنِكَ فَخَضَبَ مِنْهَا لِحْيَتَكَ. (۱)

ای علی! برای آنچه در این ماه از تو حلال شمارند گریه می‌کنم. گویا تو را می‌نگرم که نماز برای پروردگارت می‌خوانی و شقی‌ترین از اولین و آخرین که مانند پی‌کننده شتر ثمود است، برانگیخته شود و ضربتی بر فرقت زند و محاسنت را خضاب کند.

و علی (علیه السلام) را پس از ضربت خوردن به خانه آوردند. خانه‌ای که همیشه یاور اهل آن بوده و دلسوز و غمخوار دنیا و آخرت ایشان است؛ و این مظلوم عالم است که همچنان غمخوار فرزندان خویش است و تاب دیدن اشک فرزندان خویش را ندارد چنانچه در تاریخ این طور ثبت شده:

محمد بن حنفیه می‌گوید امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمود: مرا بردارید و به خانه ببرید، پس حضرت را در نهایت ضعف برداشتم و به خانه بردیم و مردم بر دور آن حضرت گریه و زاری می‌کردند تا حدی که نزدیک بود خود را هلاک کنند. پس امام حسن (علیه السلام) در عین گریه و زاری و ناله و بی‌قراری با پدر بزرگوار خود گفت: ای پدر! بعد از تو برای ما که خواهد بود؟ مصیبت تو بر ما امروز مثل مصیبت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) است. گویا گریه را از

ص: ۴۱

برای مصیبت تو آموخته ایم.

پس امیر المؤمنین (علیه السلام) آن حضرت را به نزدیک خود طلبید. چون نظر کرد دیده های آن امام مظلوم را، دید که از شدتِ گریه مجروح گردیده است. به دست مبارک خود اشک از دیده های نور دیده ی خود پاک کرد و دست بر سینه مبارکش گذاشت گفت:

ای فرزند! خداوند عالمیان دل تو را به صبر ساکن گرداند. مزد تو و برادران تو را در مصیبت من عظیم گرداند و اضطراب تو را و جریان آب دیده تو را ساکن سازد. به درستی که حق تعالی تو را اجر داد به قدر مصیبت تو.

پس آن حضرت را داخل حجره گردانیدند و در نزدیک محراب خوابانیدند. زینب و امّ کلثوم (علیهما السلام) آمدند در پیش علی (علیه السلام) نشستند. نوحه و زاری برای آن حضرت می کردند و می گفتند که: بعد از تو کودکان اهل بیت تو را که تربیت خواهد کرد؟ بزرگان ایشان را که محافظت خواهد نمود؟ ای پدر بزرگوار، اندوه ما بر تو دور و دراز است و آب دیده ی ما هرگز ساکن نخواهد گردید. پس صدای مردم از بیرون حجره بلند شد به ناله و آب از دیده های مبارک علی (علیه السلام) جاری شد. نظر حسرت به سوی فرزندان خود افکند. حسن و حسین (علیهما السلام) را نزدیک خود طلبید و ایشان را در بر کشید و روی های ایشان را می بوسید. (۱)

زینب کنار لاله ی پرپر صبور باش

در داغ بال های کبوتر صبور باش

ص: ۴۲

من می روم شبانه، غریبانه دخترم

بر سوز این غریبی حیدر صبور باش

اینجا هنوز اول راه است دخترم

زینب کنار تشت برادر صبور باش

ص: ۴۳

انگیزه سازی

در بسیاری از آیات قرآن کریم، خداوند متعال دشمنان مؤمنین را معرفی کرده و انسان های مؤمن را از آنها بر حذر داشته است. اهمیت این موضوع زمانی بیشتر روشن می شود که بدانیم اولین ضربه ای که به انسان وارد شد، همانا بیرون رانده شدن از بهشت بود که در اثر ضعف دشمن شناسی در حضرت آدم (علیه السلام) و باور فریب ها و قسم های شیطان، این دشمن قسم خورده بود.

قرآن کریم، برای تأکید بر اهمیت این داستان، در چند مورد به آن اشاره کرده است. به عنوان نمونه، در سوره مبارکه اعراف پس از نقل ماجرای خلقت آدم و دستور سجده بر ایشان و عدم

اطاعت شیطان از این دستور و رانده شدن از درگاه خداوند، آمده است:

«قَالَ فَبِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ ... إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ» (۱)

گفت: «اکنون که مرا گمراه ساختی، من بر سر راه مستقیم تو، در برابر آنها کمین می‌کنم! * سپس از پیش رو و از پشت سر، و از طرف راست و از طرف چپ آنها، به سراغشان می‌روم و بیشتر آنها را شکرگزار نخواهی یافت!»

(خداوند) فرمود: «از آن (مقام)، با ننگ و عار و خواری، بیرون رو! و سوگند یاد می‌کنم که هر کس از آنها از تو پیروی کند، جهنم را از شما همگی پُر می‌کنم! * و ای آدم! تو و همسرت در بهشت ساکن شوید! و از هر جا که خواستید، بخورید! اما به این درخت نزدیک نشوید، که از ستمکاران خواهید بود!»

سپس شیطان آن دو را وسوسه کرد، تا آنچه را از اندامشان پنهان بود، آشکار سازد و گفت: «پروردگارتان شما را از این درخت نهی نکرده مگر بخاطر اینکه (اگر از آن بخورید)، فرشته خواهید شد، یا جاودانه (در بهشت) خواهید ماند!» * و برای آنها سوگند یاد کرد که من برای شما از خیرخواهانم.

و به این ترتیب، آنها را با فریب (از مقامشان) فرود آورد. و هنگامی که از آن درخت چشیدند، اندامشان بر آنها آشکار شد و شروع کردند به قرار دادن برگ‌های (درختان) بهشتی بر خود،

ص: ۴۶

تا آن را بپوشانند. و پروردگارشان آنها را نداد داد که: «آیا شما را از آن درخت نهی نکردم؟! و نگفتم که شیطان برای شما دشمن آشکاری است؟!»

بنابراین از نگاه قرآن و آموزه های معصومین (علیهم السلام)، یکی از مهمترین و ضروری ترین آگاهی های مورد نیاز برای جامعه ی اسلامی، شناخت دقیق و درست از دشمنان دین و دنیا می باشد تا از ناحیه ی دشمنان، بیش از این دچار آسیب های جدی نگردیم.

برای رسیدن به این هدف، لازم است تا دشمنان معرفی شده در آیات و احادیث را بهتر شناخته و شیوه های دشمنی از ناحیه ی آنها و همچنین شیوه های مقابله با آنان را دریابیم. اما به علت محدود بودن مجال سخن، صحبت از شیطان و نفس را که دشمنانی غیبی هستند به بعد موکول کرده و تنها بر روی کفار و منافقین تمرکز می نماییم.

مقام معظم رهبری نیز در تذکر نسبت به لزوم هوشیاری دائم در برابر دشمن و وظیفه ی دشمن شناسی برای همه ی مردم می فرماید:

«ملت ایران به همان نسبت که دشمن، روش های خود را در توطئه علیه ایران اسلامی پیچیده تر می کند، باید بر هوشیاری و آگاهی خود بیفزایند و با آمادگی معنوی، فکری، سیاسی و حفظ وحدت و اتصال و ارتباط با یکدیگر، چهره دشمن را در هر

اقناع اندیشه

اشاره

در قرآن کریم به سه دسته از دشمنان اصلی اشاره شده که در ادامه آنها را نام خواهیم برد.

۱- کفار و مشرکین:

در قرآن کریم، از کفار به عنوان دشمنان آشکار مسلمانان یاد شده است. «إِنَّ الْكٰفِرِيْنَ كٰنُوْا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِيْنًا(۲)؛ همانا کافران برای شما دشمن آشکاری هستند.»

کفار و مشرکین، دائماً سد راه پیامبران الهی بوده و با ابراز تردید در مورد سخنان انبیاء، مردم را از پیروی آنان باز می داشته اند. برخی ویژگی های ذکر شده برای کفار، به این شرح است:

الف) تکذیب معجزات و نشانه های الهی: «وَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا وَ كَذَّبُوْا بِآيٰتِنَا(۳)؛ کسانی که کفر ورزیده و نشانه های ما را تکذیب نمودند»

ب) افراد با ایمان را مسخره می کنند: «زِيْنٍ لِّلَّذِيْنَ كَفَرُوْا الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا وَ يَسْحٰرُوْنَ مِنَ الَّذِيْنَ ءٰمَنُوْا(۴)؛ زندگی دنیا برای کافران زینت داده شده و آنها بعضی از مؤمنین را مسخره می کنند.»

ج) برای ایجاد حکومتی طاغوتی مبارزه می کنند: «وَ الَّذِيْنَ

ص: ۴۸

۱- بیانات به مناسبت سالروز تشکیل بسیج، ۵/۹/۱۳۷۶

۲- سوره نساء، آیه ۱۰۱

۳- سوره بقره، آیه ۳۹

۴- سوره بقره، آیه ۲۱۲

كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ (۱)؛ و آنها که کافرند، در راه طاغوت پیکار می کنند.»

(د) افرادی بی منطق و هوچی گر هستند: «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَمَا تَشْتَمِعُوا لَهُذَا الْقُرْآنِ وَالْعَوَاءِ فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ (۲)؛ و کافران گفتند: به این قرآن گوش فراندهید و به هنگام تلاوت آن جنجال کنید، شاید پیروز شوید!»

۲- منافقین:

از مضرترین دشمنان جامعه ی اسلامی، گروه منافقان بوده اند که همواره با کارشکنی های خویش، در صفوف مؤمنین ایجاد اختلاف نموده و از به ثمر رسیدن تلاش های انبیاء و معصومین جلوگیری می نموده اند. قرآن کریم در بیان دشمنی آنان می فرماید:

«أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَّا هُمْ مِنْكُمْ وَلَا مِنْهُمْ وَيَخْلِفُونَ عَلَى الْكَذِبِ وَهُمْ يَعْلَمُونَ * ... إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ فِي الْأَذَلِّينَ.» (۳)

آیا ندیدی کسانی را که طرح دوستی با گروهی که مورد غضب خدا بودند ریختند؟! آنها نه از شما هستند و نه از آنان! سوگند دروغ یاد می کنند (که از شما هستند) در حالی که خودشان می دانند (دروغ می گویند)! * ... کسانی که با خدا و رسولش

ص: ۴۹

۱- سوره نساء، آیه ۷۶

۲- سوره فصلت، آیه ۲۶

۳- سوره مجادله، آیات ۱۴ و ۲۰

دشمنی می کنند، آنها در زُمره ذلیل ترین افرادند.

به فرموده ی خداوند متعال، قلب منافقین دچار مرض شده و حق را درک نمی کند؛ خداوند نیز بخاطر نفاقشان بر این مریضی می افزاید. (۱) از دیگر ویژگی های ذکر شده برای منافقین، می توان این موارد را ذکر نمود:

الف) اهل خدعه بوده و در انجام عبادات، سستی و ریا می نمایند: «إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَاءُونَ النَّاسَ (۲)؛ منافقان می خواهند خدا را فریب دهند در حالی که او آنها را فریب می دهد و هنگامی که به نماز برمی خیزند، با کسالت برمی خیزند و در برابر مردم ریا می کنند.»

ب) اهل ارتباط با دشمنان اسلام و مرعوب شدن از آنها می باشند: «فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَخْشَى أَنْ تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ (۳)؛ کسانی را که در دل هایشان بیماری است می بینی که در (دوستی با دشمنان)، بر یکدیگر پیشی می گیرند، و می گویند: می ترسیم حادثه ای برای ما اتفاق بیفتد (و نیاز به کمک آنها داشته باشیم!)»

ج) امر به منکر و نهی از معروف کرده و در راه خدا انفاق نمی کنند: «الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُم مِّنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ

ص: ۵۰

۱- سوره بقره، آیه ۱۰

۲- سوره نساء، آیه ۱۴۲

۳- سوره مائده، آیه ۵۲

بِالْمُنْكَرِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَ يَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ (۱)؛ مردان منافق و زنان منافق، همه از یک گروهند! آنها امر به منکر، و نهی از معروف می کنند و دست هایشان را (از انفاق و بخشش) می بندند.»

نکته قابل توجه آن است که نفاق، صفتی مذموم می باشد که در اثر تردید در کلام خدا و رسول ایجاد شده و به مانند آفتی ویرانگر، تمام ایمان فرد را زائل می کند. رگه هایی از این صفت در بسیاری از قلوب مؤمنین وجود دارد و باید با رعایت تقوا و ارتباط دائم با خداوند از طریق عبادات و دعا و قرائت قرآن، آن را در خود ریشه کن نماییم تا مبادا به مرحله ای برسیم که خداوند بر قلب ما مهر زده (۲) و ما را نسبت به حقایق، کر و کور کند. (۳)

همچنین باید با دقت در رفتار و گفتار مسئولین و اطرافیان خود، مراقب باشیم تا مبادا رگه هایی از بی اعتمادی به وعده ها و کلام خداوند، یا تمایل و اعتماد به دشمنان، در میان مردم مسلمان رواج یابد و از این طریق شرایط را برای حضور منافقین در عرصه های مختلف سیاسی و اجتماعی و فرهنگی کشور، فراهم کرده و رهبر انقلاب را عملاً تنها بگذاریم، زیرا اگر خدای ناکرده چنین اتفاقی بیفتد، طولی نخواهد کشید که نعمت

ص: ۵۱

۱- سوره توبه، آیه ۶۷

۲- خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ (سوره بقره، آیه ۷)

۳- صُمُّ بِكُمْ عُمِّي فَهَمْ لَا يَرْجِعُونَ (سوره بقره، آیه ۱۸)

حکومت الهی و امنیت و استقلال از ما گرفته شده و در زیر چکمه های دشمنان به خود آمده و متوجه خطایمان خواهیم شد. (۱)

۳- یهود:

اشاره

خداوند متعال، یهودیان را در کنار مشرکین به عنوان کسانی معرفی می کند که بیشترین دشمنی با مؤمنان را در دل می پروراند.

«لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا» (۲)؛ بطور مسلم، دشمن ترین مردم نسبت به مؤمنان را، یهود و مشرکان خواهی یافت.»

البته واضح است که در اینجا مقصود از یهود، آن عده از یهودیان که اهل پرستش حقیقی خداوند و تبعیت از دستورات او هستند نمی باشد، بلکه اکثریت یهود را در آن زمان و حتی زمان حاضر مورد اشاره قرار می دهد که به دلیل علاقه وافر به دنیا و مظاهر ثروت و قدرت، از راه حق فاصله ی بسیار گرفته و به دشمنی شدید با پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و امت اسلامی همت گمارده اند. از جمله ویژگی های این گروه که در قرآن به آن اشاره شده، می توان موارد زیر را نام برد:

ص: ۵۲

۱- امیر المؤمنین علیه السلام می فرماید: «مَنْ نَامَ عَنْ نُصَيْرِهِ وَلَيْتَهُ اتَّبَعَهُ بِوَطْأِهِ عَيْدُوهُ ؛ هر کس به هنگام یاری رهبرش خواب باشد، زیر لگد دشمنش بیدار خواهد شد.» (غرر الحکم، ص ۴۲۲، حکمت ۹۶۸۱)

۲- سوره مائده، آیه ۸۲

الف) اهل سد کردن راه خداوند هستند: «فَبَطَّلُوا مَنَ الدِّينَ هَادُوا حَرَمْنَا عَلَيْهِم طَيِّبَاتٍ أَحَلَّتْ لَهُمْ وَبِصَدِّهِمْ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا(۱)؛ بخاطر ظلمی که از یهود صادر شد، و (نیز) بخاطر جلوگیری بسیار آنها از راه خدا، بخشی از چیزهای پاکیزه را که بر آنها حلال بود، حرام کردیم.»

ب) برای خداوند در این دنیا قدرتی قائل نبوده و سعی در جنگ افروزی و فساد دارند: «وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ... كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَ يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ(۲)؛ و یهود گفتند: «دست خدا بسته است.»... هر زمان آتش جنگی افروختند، خداوند آن را خاموش ساخت و برای فساد در زمین، تلاش می کند و خداوند، مفسدان را دوست ندارد.»

ج) تکذیب کننده و قاتل انبیاء هستند: «كُلَّمَا جَاءَهُمْ رَسُولٌ بِمَاءٍ لَا تَهْوَى أَنفُسُهُمْ فَرِيقًا كَذَّبُوا وَ فَرِيقًا يَقْتُلُونَ(۳)؛ هر زمان پیامبری، حکمی بر خلاف هوس ها و دلخواه آنها (بنی اسرائیل) می آورد، عده ای را تکذیب کرده و عده ای را می کشتند.» پس از آشنایی با این دسته از دشمنان، لازم است تا با شیوه های دشمنی و آسیب رساندن به مؤمنین از طرف آنها اشاره کنیم.

ص: ۵۳

۱- سوره نساء، آیه ۱۶۰

۲- سوره مائده، آیه ۶۴

۳- سوره مائده، آیه ۷۰

۱- ایجاد اختلاف و دو دستگی در میان مؤمنان:

از جمله ابزارهای بسیار قدیمی در دست دشمنان خدا، استفاده از حربه ی اختلاف در میان عموم مردم بوده است. چنانچه قرآن کریم می فرماید: «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا (۱)؛ همانا فرعون در زمین (مصر) تکبر و گردنکشی آغاز کرد و میان اهل آن سرزمین تفرقه و اختلاف افکند.»

این سیاست در دوران معاصر نیز توسط دولت های استعمارگر و خصوصاً دولت خبیث انگلیس در دنیای اسلام و کشور ما اجرا شده و حکومت ایران را تا قبل از انقلاب اسلامی، عملاً به بازیچه ای در دستان کفار تبدیل کرده بود. رهبر معظم انقلاب، امام خامنه ای نیز دائماً نسبت به این مطلب هشدار داده و سران کشورهای اسلامی را به اتحاد و پرهیز از اختلافات بیهوده دعوت نموده اند. ایشان در جایی می فرمایند:

«استکبار تلاش می کند تک تک دولت ها و حکومت های اسلامی را با چیزهای جزئی و با وعده ای واهی از بدنه ی دنیای اسلام جدا کند و وضع همین چیزی می شود که هم اینک در جهان اسلام وجود دارد.» (۲)

در فتنه ی سال ۸۸ نیز دشمن تلاش کرد تا با ایجاد اختلاف و خشونت در میان مردم، حکومت اسلامی را سرنگون کند که اگر عنایت الهی و بصیرت مردم نبود، به همین هدف نیز می رسید.

ص: ۵۴

۱- سوره قصص، آیه ۴

۲- بیانات در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیئت دولت، ۵/۶/۱۳۸۰

امام خامنه ای در همین زمینه می فرماید:

«البته در سال ۸۸ بعضی خطای بزرگی را مرتکب شدند، کشور را در لبه ی یک چنین پرتگاهی قرار دادند، یک مشکل اینچینی را برای کشور تدارک دیدند؛ اما بحمدالله خدای متعال کمک کرد، ملت توانست از این مشکل عبور کند.»

۲- استفاده از شعارها و بهانه های عامه پسند:

در طول تاریخ، بارها شاهد آن بوده ایم که دشمن با استفاده از شعارهایی که در ظاهر حرف هایی خوب و قابل قبول بوده اند، عموم مؤمنین را دچار خطا و فریب کرده است. از جمله می توان به ماجرای جنگ صفین و استفاده از شعار «لا حُکْمَ إِلَّا لِلَّهِ» اشاره نمود. در آن ماجرا، عده ی زیادی از مبارزین در صف امیر المؤمنین (علیه السلام)، فریب این حرف را خورده و با امام زمان خویش به مقابله پرداختند.

در جنگ جمل نیز از بهانه ای عوام فریبانه استفاده شد که همان خونخواهی عثمان بود. طلحه و زبیر با استفاده از پیراهن خونین عثمان، مردم را تهییج کرده و نسبت به علی (علیه السلام) شوراندند، در حالی که به فرموده ی امام علی (علیه السلام)، خود طلحه و زبیر از سخت ترین تحریک کنندگان مردم بر علیه عثمان بوده و آب و غذا را بر او بسته بودند.

«وَإِنَّهُمْ لَيَطْلُبُونَ حَقًّا هُمْ تَرَكَوهُ وَ دَمًا هُمْ سَفَكُوهُ» (۱)

ص: ۵۵

و هر آینه آنها حقی را طلب می کنند که خودشان زیر پا گذاشته بودند و انتقام خونی را می طلبند که خود آن را ریخته اند.

امروزه نیز، دشمنان خارجی سعی دارند تا با استفاده از شعارهایی عوام فریب، همچون حمایت از حقوق بشر و مبارزه با تروریسم، ملت مسلمان ایران و انقلاب اسلامی را در چشمان جهانیان، وارونه جلوه دهند، که **إِنْ شَاءَ اللَّهُ** موفق نخواهد شد.

۳- مکر و حيله و پيمان شکنی:

یکی دیگر از شگردهای پرکاربرد، فریب مسلمانان و سپس پیمان شکنی به بهانه های مختلف می باشد. نمونه ی این ماجرا را می توان در ماجرای عمرو عاص و ابوموسی اشعری یافت که پس از پیمان مخفی میان آن دو مبنی بر عزل امیرالمؤمنین و معاویه، عمرو عاص پیمان را شکسته و معاویه را به خلافت منصوب کرد.

در ماجرای صلح امام حسن (علیه السلام) نیز همین ماجرا به نحوی دیگر تکرار شده و معاویه با فریفتن اطرافیان امام، ایشان را مجبور به صلح کرد، اما هنوز مدتی طولانی نگذشته بود که صلح نامه با امام را پاره کرده و نقض عهد کرد.

خداوند متعال نیز در این باره می فرماید: «كَيْفَ وَ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَیْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِیْكُمْ إِلَّا - وَ لَا ذِمَّةَ يُرْضُونَكُمْ بِأَفْوَهِهِمْ وَ تَأْبَى قُلُوبُهُمْ وَ أَكْثَرُهُمْ فَاسِقُونَ (۱)؛ چگونه (پیمان مشرکان ارزش دارد) در حالی

ص: ۵۶

که اگر بر شما غالب شوند، نه ملاحظه خویشاوندی با شما را می کنند، و نه پیمان را؟! شما را با زبان خود خشنود می کنند، ولی دل هایشان ابا دارد و بیشتر آنها فاسق و نابکارند.»

۴- ایجاد شبهه های اعتقادی:

این شیوه در زمان پیامبران نیز رواج داشته است، آنگونه که در قرآن کریم آمده:

«وَصَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَ نَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَ هِيَ رَمِيمٌ * قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ هُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ (۱)»

و برای ما مثالی زد و آفرینش خود را فراموش کرد و گفت: «چه کسی این استخوان ها را زنده می کند در حالی که پوسیده است؟!» * بگو: «همان کسی آن را زنده می کند که نخستین بار آن را آفرید و او به هر مخلوقی داناست!»

در زمان معاصر نیز دشمنان اسلام تلاش زیادی در جهت ایجاد شبهات دینی و إلقاء تردید در ذهن مردم و خصوصاً جوانان انجام داده اند، به طوری که در رسانه هایی از قبیل ماهواره و اینترنت، هر روزه شاهد بحث هایی با محوریت تردید در اعتقادات اصیل اسلامی می باشیم.

۵- استفاده ابزاری از مقدسات و یا چهره های مقبول در جامعه:

دشمنان اسلام اگر چه هیچ اعتقادی به مقدسات اسلامی

ص: ۵۷

ندارند، اما هر کجا که بتوانند، با تمسک به مقدسات و چهره های مقبول، سعی در گمراه نمودن مردم و ایجاد تشویش و هرج و مرج دارند، همانگونه که معاویه با استفاده ی ابزارى از قرآن در جنگ صفین، برخی سپاهیان امیر المؤمنین (علیه السلام) را دچار تردید نمود، و حال آنکه معاویه هیچ علاقه ای به حکم قرآن نداشت.

امام علی (علیه السلام) در نامه ای به معاویه اینچنین می نویسد: «تَمَّ إِنَّكَ قَدْ دَعَوْتَنِي إِلَى حُكْمِ الْقُرْآنِ وَ لَقَدْ عَلِمْتَ أَنَّكَ كُنتَ مِنْ أَهْلِ الْقُرْآنِ وَ كُنتَ تُرِيدُ» (۱)

سپس تو مرا به سوی حکم قرآن دعوت نمودی، و حال آنکه خودت می دانی که اهل عمل به قرآن نبوده و خواهان حکمش نمی باشی.

در دوران معاصر نیز مشاهده می کنیم که بسیاری از منافقین و حتی برخی عوامل آمریکایی و انگلیسی، در سال ۸۸ سعی نمودند تا با استفاده از نام و عنوان امام خمینی (رحمه الله علیه) در میان مردم تردید و اختلاف ایجاد نمایند، که بحمدالله خیلی زود رسوا شدند.

گرچه شیوه های دشمنی از جانب کفار و منافقین در این موارد محدود نمی گردد، اما برای رعایت اختصار، به همین مقدار اکتفا می کنیم.

ص: ۵۸

در مقابل فتنه گری ها و دشمنی ها، مؤمنین بصیر و هوشیار، همواره خود را آماده نگه می دارند تا از ایمان و شرف و استقلال خویش دفاع نموده و با استعانت از خدای متعال، نقشه های دشمن را نقش بر آب نمایند. از جمله شیوه های اصلی برای مقابله با دشمن، می توان موارد زیر را برشمرد.

۱- تجهیز به قدرت ایمان:

مهمترین عامل دفع فتنه های دشمن، تقویت باورهای درونی و توکل به خداوند و صبر در برابر سختی ها و اعتماد به وعده های حق از جانب او می باشد. زیرا انسانی که خود را عبد خالق بی نیاز بداند، از دشمنان خدا بیزار است و با توکل بر او، گره های ایجاد شده در پیش رویش را باز می کند، چرا که قدرت از آن خداوند است و شرط پیروزی آن است که در صف مؤمنان باشیم و با استفاده از یاد خدا، صبر و استقامت، پرهیزگاری، توکل و یقین به وعده های الهی خود را به این منشأ قدرت لایزال متصل کنیم.

قرآن نیز در این باره می فرماید: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُبَيِّتْ أَقْدَامَكُمْ (۱)»؛

ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر (آیین) خدا را یاری کنید، شما را یاری می کند و گام هایتان را استوار می دارد.»

ص: ۵۹

و در جای دیگری می فرماید: «إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئاً (۱)»؛

اگر (در برابر آنها) استقامت و پرهیزگاری پیشه کنید، نقشه های آنها به شما زیانی نمی رساند.»

۲- ممنوعیت دوستی با دشمنان خدا:

به فرموده ی قرآن کریم، دوستی و تکیه کردن بر دشمنان خدا شدیداً ممنوع می باشد. همچنین گره زدن سرنوشت جامعه دینی در قالب مسائل مهم سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی با خواست و وعده های دشمنان نیز ممنوع است، چرا که باعث ایجاد سلطه از ناحیه ی کفار بر مسلمانان می شود. (۲)

به عبارت دیگر، سطح روابط نباید در حد ائتلاف و اتحاد با آنان باشد؛ بلکه نهایتاً می توان پیمان ترک جنگ و عدم تعرض به منافع یکدیگر را با آنان برقرار نمود. به این ترتیب، جلوی بسیاری از فتنه گری ها و دشمنی های پنهان از ناحیه ی آنها گرفته می شود.

خداوند متعال می فرماید: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُوراً وَ لَعِباً مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَ الْكُفَّارَ أَوْلِيَاءَ (۳)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، افرادی که آئین شما را به باد استهزاء و بازی می گیرند، از اهل کتاب و مشرکان، دوست و تکیه گاه خود انتخاب نکنید.»

ص: ۶۰

۱- سوره آل عمران، آیه ۱۲۰

۲- «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً؛ و خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است.» (سوره نساء، آیه ۱۴۱)

۳- سوره مائده، آیه ۵۷

گرچه اسلام اهل جنگ طلبی نمی باشد، اما نسبت به واقعیات جامعه نیز چشم خود را نبسته است. در شرایطی که دشمنان خدا جز به نابودی کامل اسلام و مسلمانان راضی نخواهند شد(۱)،

خداوند نیز در مقابل به مؤمنان دستور می دهد تا خود را از لحاظ نظامی تجهیز و تقویت نموده و همواره در حال آماده باش به سر برند.

«وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ (۲)؛

هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها [دشمنان]، آماده سازید! و (همچنین) اسب های ورزیده (برای میدان نبرد)، تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید.»

و حتی در مواردی که دشمن، با پیمان شکنی و تعرض به جان و مال مسلمین، عملاً با آنها وارد جنگ شد، در مبارزه و نبرد با آنها ذره ای تردید نکرده و با تمام قدرت در مقابلشان دفاع کنید، چرا که خداوند متعال می فرماید:

«وَ إِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَ طَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أَيْمَةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ (۳)؛ و اگر پیمان های خود را پس از عهد خویش بشکنند، و آیین شما را مورد طعن قرار

ص: ۶۱

۱- وَ لَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَ لَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ (سوره بقره، آیه ۱۲۰)

۲- سوره انفال، آیه ۶۰

۳- سوره توبه، آیه ۱۲

دهند، با پیشوایان کفر پیکار کنید چرا که آنها پیمانی ندارند، شاید (با شدت عمل) دست بردارند.»

پرورش احساس

در حکمت های منسوب به امیر المؤمنین (علیه السلام) آمده است:

«كُنْ لِلْعَدُوِّ الْمُكَاتِمِ أَشَدَّ حِدْرًا مِنْكَ لِلْعَدُوِّ الْمُبَارِزِ» (۱)

از دشمنی که در ظاهر دشمنی اش را مخفی می دارد، بیشتر بر حذر باش تا آن دشمنی که علناً با تو مبارزه می کند.

در سال های اخیر و پس از روی کار آمدن رئیس جمهور جدید آمریکا، دوران جدیدی از پنهان نمودن دشمنی و استفاده از لبخندهای عوام فریبانه از سوی مسئولین دولت های ستمگر، خصوصاً مسئولین آمریکایی آغاز شد. مقام معظم رهبری نیز از همان ابتدا نسبت به این پیام های دوستی، ابراز تردید و بدبینی کرده و مردم را از این فریب و توطئه آگاهانیده بودند. ایشان در بخش هایی از کلامشان می فرمایند:

«در مقابل اظهاراتی که رئیس جمهور جدید ایالات متحده ی آمریکا می کند و می گوید ما دست دوستی را دراز می کنیم، با نگاه تیزبین مسئله را دنبال خواهیم کرد. ما نگاه می کنیم ببینیم آیا واقعاً دست دوستی است؟ آیا واقعاً نیت، نیت دوستانه است یا نیت خصمانه در قالب الفاظ فریبگر؟ این برای ما خیلی مهم است. پارسال گفتم اگر در زیر دستکش مخملی، دست چدنی و

ص: ۶۲

۱- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۳۱۱

پنجه ی چدنی باشد، ما دستمان را دراز نمی کنیم؛ دوستی را قبول نمی کنیم. اگر با لبخندی که زده می شود، خنجری در پشت پنهان شده باشد، ما حواسمان جمع است. متأسفانه آنچه که اتفاق افتاد، همان چیزی بود که حدس زده می شد. دولت آمریکا و همین تشکیلات جدید و رئیس جمهور جدید، با همه ی ادعای علاقه مندی به روابط عادلانه و صحیح، که نامه هم نوشتند و پیغام هم دادند و در بلندگوها هم گفتند و در مجالس خصوصی هم تکرار کردند که ما می‌خواهیم با جمهوری اسلامی روابطمان را عادی کنیم، متأسفانه در عمل، عکس این عمل کردند.»^(۱)

بنابراین لازم است تا در این مقطع حساس و تاریخی، بیش از پیش مراقب رفتار و گفتار دشمنان بوده و لحظه ای از آنان چشم برنداشته و ذره ای نسبت به آنان متمایل نشویم، بلکه با پایداری و ایستادگی و پافشاری بر عقاید و حقوق مردم مسلمان ایران و جهان، و استعانت از خداوند متعال و ائمه اطهار (علیهم السلام)، راهی را در پیش بگیریم که سبب ایجاد و حفظ این انقلاب تاکنون شده است، تا به این وسیله بخشی از دین خود نسبت به شهدا را ادا کرده باشیم.

به امید آنکه به زودی شاهد ظهور منجی عالم و پیروزی نهایی دولت حق در برابر مستکبرین باشیم. إن شاء الله.

ص: ۶۳

انگیزه سازی

شاید بسیاری افراد، این روزها اخبار کشتار شیعیان در پاکستان، حمله به شیعیان در عراق، حمله به حسینیه ها و مراکز شیعی در سوریه، محدودیت ها علیه شیعیان در مصر و عربستان و ... را شنیده باشیم، اما در چرایی این تفرقه افکنی ها و اخلال در وحدت مسلمین چه مقدار اندیشه و تفکر شده است؟

این حکایت مشترک بین فرهنگ های مختلف جهان تکراری است، اما یادآوری آن بی فایده نیست. داستان آن پیرمردی که می خواست به فرزندان خود درس اتحاد و یکی بودن را بیاموزد و به هریک چوبی داد و گفت بشکنید و آنها شکستند و سپس دو چوب داد و گفت بشکنید، شکستند و این

ماجرا تا جایی پیش رفت و چوب ها به تعدادی رسید که برای هیچ یک از فرزندان، شکستن چوب ها امکان پذیر نبود.

درسی که پدر می خواست به آنها بدهد، درس وحدت و با هم بودن بود؛ اینکه اگر پشتیبان یکدیگر باشید، هیچ قدرتی نمی تواند بر شما غلبه کند؛ این روایت با وجود اینکه در بیشتر فرهنگ ها آمده، اما کمتر به اهمیت آن توجه شده است.

در فرهنگ اسلامی، بر وحدت مسلمانان تأکید بسیار شده و در روایات و آیات متعدد وحدت بین مسلمین به صورت آشکار و تلویحی مورد توصیه قرار گرفته است.

عَنْ مَعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ قَالَ قُلْتُ لَهُ كَيْفَ يَتَّبِعِي لَنَا أَنْ نَضِيْعَ فِيمَا بَيْنَنَا وَ بَيْنَ قَوْمِنَا وَ بَيْنَ خُلَطَائِنَا مِنَ النَّاسِ مِمَّنْ لَيْسُوا عَلَيَّ أَمْرًا قَالَ تَنْظُرُونَ إِلَيَّ إِلَى أُمَّتِكُمُ الَّذِينَ تَقْتَدُونَ بِهِمْ فَتَضِيْعُونَ مِمَّا يَضِيْعُونَ فَوَاللَّهِ إِنَّهُمْ لَيَعْوِدُونَ مَرَضَهُمْ وَ يَشْهَدُونَ جَنَائِزَهُمْ وَ يُقِيمُونَ الشَّهَادَةَ لَهُمْ وَ عَلَيْهِمْ وَ يُؤَدُّونَ الْأَمَانَ إِلَيْهِمْ. (۱)

«یکی از اصحاب امام صادق (علیه السلام) از ایشان می پرسد: هنگامی که با مردمی که شیعه نیستند معاشرت می کنیم، چه روشی برای ما بهتر است؟ امام (علیه السلام) فرمودند: به امامان خود نگاه کنید که چگونه رفتار می کنند، پس همانند آنها باشید. بخدا سوگند امامان شما همواره از مریض های آنان (غیر شیعیان) عیادت می کنند و در تشییع جنازه ها حاضر می شوند و هر جا لازم باشد به نفع آنها یا علیه آنها شهادت می دهند و اگر امانتی در

ص: ۶۶

دستشان باشد به آنها تحویل داده و خیانت نمی کنند.»

همچنین در احکام اسلامی، مناسکی وجود دارد که بخشی از ثمره ی آن، نمایش وحدت به شکلی نمادین می باشد. قبله ی واحد، مراسم حج، قرائت و تکریم قرآن کریم، روزه و امر به معروف و نهی از منکر را می توان در زمره این مناسک اسلامی قرار داد که با وجود اختلاف های فقهی، در میان مذاهب مختلف اسلامی مشترک است.

امام خامنه ای نیز یکی از پرچم داران وحدت اسلامی می باشند و از جمله مواردی که ایشان، ریشه ها و آسیب های خطر تفرقه را بیان نمودند، بیانات ایشان در جمع مردم کردستان است که به حکم شرعی آن هم اشاره فرموده و حجت را بر همگان تمام کردند:

«شما نگاه کنید ببینید آن کسانی که می خواهند وحدت ملت ایران را به هم بزنند، چه کسانی هستند؟ آن کسی که ندای تفرقه ی بین شیعه و سنی را سر می دهد و به بهانه ی مذهب، می خواهد وحدت ملی را بهم بزند، چه شیعه باشد و چه سنی، مزدور دشمن است؛ چه بداند، چه نداند. ... من عرض می کنم، رفتار هر دو گروه حرام شرعی است و خلاف قانونی است.»^(۱)

اقناع اندیشه

نگاه به مسأله وحدت در آینه قرآن و حدیث، بسیار کمک

ص: ۶۷

۱- بیانات مقام معظم رهبری در جمع مردم استان کردستان در میدان آزادی سنندج، ۲۲/۲/۱۳۸۸

کننده است.

بی شک مسأله وحدتِ اسلامی و ضرورت حفظ آن، از نظر عقل و عقلاء بر هر انسان منصفی پوشیده نیست. ضمن اینکه خداوند متعال نیز در قرآن کریم به این مسأله اشاره نموده است که در اینجا چند مورد را بیان می‌کنیم:

وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِيحُكُمْ. (۱)

و (فرمان) خدا و پیامبرش را اطاعت نمایید! و نزاع (و کشمکش) نکنید، تا سست نشوید، و قدرت (و شوکت) شما از میان نرود.

وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا. (۲)

و همگی به ریسمان الهی چنگ بزنید و متفرق نشوید.

وَ إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ. (۳)

و همانا خداوند، پروردگار من و شماست، پس او را پرستید که بندگی او راه مستقیم و استوار است.

مَلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ. (۴)

همگی از ملت پدرتان ابراهیم هستید و او شما را مسلمان نامید.

امام خامنه ای (مد ظله العالی) نیز در مورد توجه و تمسک به قرآن برای ایجاد وحدت می‌فرمایند:

ص: ۶۸

۱- سوره انفال، آیه ۴۶

۲- سوره آل عمران، آیه ۱۰۳

۳- سوره مریم، آیه ۳۶

۴- سوره حج، آیه ۷۸

«بعضی از مفاهیم قرآنی وجود دارد که دست استعمار سعی کرده است ماها را از آنها دور نگه بدارد. ما را از جهاد دور نگهداشتند. ما را از این که کفار نباید بر مسلمین مسلط باشند، دور نگهداشتند. ما را از آیاتی که وحدت مسلمین در آنها هست، دور نگهداشتند.»^(۱)

اهل بیت (علیهم السلام) نیز علاوه بر اینکه خودشان عملاً ملتزم به رعایت این مهم بوده اند، در بیاناتی نورانی، خطاب به ما شیعیان تأکید کردند که موضوع وحدت و پرهیز از تفرقه را رعایت نموده و از آن غافل نباشیم. چند مورد از این احادیث خدمتان تقدیم می گردد:

امام صادق (علیه السلام) می فرمایند:

خَطَبَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) بِمِنَى إِلَى أَنْ قَالَ: الْمُسْلِمُونَ إِخْوَةٌ تَتَكَافَأُ دِمَاؤُهُمْ وَيَسْعَى بِدِمَتِهِمْ أَذْنَاهُمْ هُمْ يَدُّ عَلَى مَنْ سِوَاهُمْ.^(۲)

پیامبر اکرم (صلى الله عليه وآله وسلم) در منا برای مردم خطبه خوانده و در ضمن آن فرمودند: مسلمانان برادر همدیگرند، و خونشان برابر است و اگر کوچک ترین آنها به کسی امان داد، همگی آن را مراعات می کنند. آنها در برابر دیگران (دشمنان غیر مسلمان) همدست و کمک یکدیگرند.

۱- امام علی (علیه السلام) در وصیت به امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) می فرمایند:

ص: ۶۹

۱- بیانات در دیدار جمعی از قاریان، ۱۶/۳/۱۳۷۰

۲- محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، الأمالی (للصدوق)، ص ۳۵۱

وَعَلَيْكُمْ يَا بَيْنِي بِالتَّوَّاصِلِ وَالتَّبَاذُلِ وَالتَّبَارُّ وَإِيَّاكُمْ وَالتَّقَاتِعَ وَالتَّدَابُرَ وَالتَّفَرُّقَ. (۱)

و بر شما باد ای فرزندانم به ارتباط و بذل و بخشش، و بر حذر باشید از جدائی و پشت کردن به یکدیگر و تفرقه.

۲- امام باقر (علیه السلام) می فرماید: «يَا مَعْشَرَ الْمُؤْمِنِينَ تَأَلَّفُوا وَتَعَاطَفُوا.» (۲)

هان ای گروه مؤمنان، مانوس و متحد باشید و به هم مهربانی کنید.

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «صَدَقَهُ يُجِبُّهَا اللَّهُ إِصْلَاحَ بَيْنِ النَّاسِ إِذَا تَفَاسَدُوا وَتَقَارُبُ بَيْنِهِمْ إِذَا تَبَاعَدُوا.» (۳)

ایجاد وحدت به هنگام پیدایش اختلاف و تباهی میان امت و نزدیک کردن آنها در هنگام جدائی، صدقه ایست که خداوند آن را دوست دارد.

۳- امیر المؤمنین علی (علیه السلام) می فرماید: «وَإِلَهُهُمْ وَاحِدٌ وَنَبِيُّهُمْ وَاحِدٌ وَكِتَابُهُمْ وَاحِدٌ فَأَمَرَهُمُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ بِالْاِخْتِلَافِ فَأَطَاعُوهُ أَمْ نَهَاَهُمْ عَنْهُ فَعَصَوْهُ؟» (۴)

خدایشان یکی، پیامبرشان یکی، و کتابشان یکی است. آیا خداوند آنها را به اختلاف و دو دستگی فرمان داده و او را اطاعت می کنند؟ یا آنها را از اختلاف نهی کرده و فرمانش را سرپیچی می نمایند؟

ص: ۷۰

۱- سید رضی، نهج البلاغه، نامه ۴۷

۲- محمد بن یعقوب (کلینی)، الکافی، جلد ۲، ص ۳۴۵

۳- محمد بن یعقوب (کلینی)، الکافی، جلد ۲، ص ۲۰۹

۴- سید رضی، نهج البلاغه (للصباحی صالحی)، خطبه ۱۸، ص ۶۰ - ۶۱

همچنین رهبر انقلاب با استفاده از روایات می فرمایند:

«امروز اتحاد و اتفاق بین مسلمانان، یک فریضه ی فوری است. ... امروز هر حنجره ای که به وحدت دنیای اسلام دعوت کند، حنجره ی الهی است، ناطق من الله است. «مَنْ أَصَغَى إِلَى نَاطِقٍ فَقَدْ عَبَدَهُ فَإِنْ كَانَ النَّاطِقُ يُؤَدِّي عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَقَدْ عَبَدَ اللَّهَ وَ إِنْ كَانَ النَّاطِقُ يُؤَدِّي عَنِ الشَّيْطَانِ فَقَدْ عَبَدَ الشَّيْطَانَ.»^(۱) آنهایی که از زبان ابلیس حرف می زنند، خودشان و مستمعین خودشان را به طرف جهنم می برند؛ خودشان را هم دچار هلاکت می کنند.»^(۲)

رفتارسازی

در جامعه اسلامی، هر فردی در هر جایگاهی که قرار دارد، چه به عنوان حاکم اسلامی و یا کارگزار، دانشمند، عالم، امام جماعت و یا فردی عادی که حتی در محیط اطراف خود ارتباطی با مذاهب دیگر اسلامی ندارد، در بحث وحدت دارای وظایفی می باشد

که در رسیدن به این هدف والا مؤثر است. لذا می بینیم که اهل بیت (علیهم السلام) در رفتارهای اجتماعی، همواره به شیعیان سفارش می نمودند که در تشییع جنازه آنها شرکت کنید و به عیادت آنها بروید و در مشکلات و سختی ها در کنارشان باشید و به امور مسلمین اهتمام بورزید و بالاتر از آن فرموده اند

ص: ۷۱

۱- محمد بن یعقوب (کلینی)، الکافی، ج ۶، ص ۴۳۴

۲- بیانات در دیدار شرکت کنندگان در مسابقات بین المللی قرآن کریم، ۱۸/۳/۱۳۹۲

که در نماز جماعت آنها نیز شرکت کنید و آنقدر با آنها مدارا کنید که اگر یکی از ایشان شما را دید، از دیدن شما خوشحال شود. (۱)

آنچه در اینجا لازم است دانسته شود، کیفیت و چگونگی ایجاد و یا تقویت وحدت بین شیعه و سنی می باشد. با جستاری در بیانات امام خامنه ای، می توان به مواردی دست یافت که به عنوان دستورات و توصیه های عملی ایشان در موضوع وحدت، خطاب به جامعه محسوب می شوند:

۱. تشکیل یک نهضت علمی و منطقی فراگیر از سوی همه ی علمای مذاهب اسلامی برای ریشه کن کردن جریان تکفیری. (۲)

۲. روشننگری نسبت به نقش سیاست های استکباری آمریکا و انگلیس. باید روشننگری کرد؛ باید در دنیای اسلام همه بدانند که نقش سیاست های آمریکا در این میان چیست. (۳)

۳. اهتمام به قضیه ی فلسطین. نگذارید قضیه ی فلسطین و قدس شریف و مسئله ی مسجدالاقصی به دست فراموشی سپرده بشود؛ آنها این را می خواهند. آنها می خواهند دنیای اسلام از قضیه ی فلسطین غفلت کند. (۴)

۴. جلوی بدبینی را باید بگیریم. هم شیعه مراقب باشد، هم سنی مراقب باشد. نگذارند که این وحدتی که امروز در بین کشور هست [از بین برود]؛ برجسته کردن خصوصیات قومی

ص: ۷۲

۱- محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۸۲

۲- بیانات در تاریخ ۴/۹/۱۳۹۳

۳- همان

۴- همان

و دمیدن در آتش قوم گرایی، کارهای خطرناکی است، بازی با آتش است؛ به این هم باید توجه بکنند. (۱)

۵. اجتماع حول محور پیامبر اکرم (صلی الله علیه

آله و سلم)، زیرا وجود مقدس نبی مکرم و رسول اعظم اسلام، مهمترین نقطه ی ایجاد وحدت است. اینجا، جایی است که عواطف همه ی مسلمان ها در آنجا متمرکز می شود؛ این، کانون عشق و محبت و دنیای اسلام است. (۲)

۶- به اسلام مطلوب واشنگتن و لندن و پاریس بدبین باشید؛ چه از نوع لائیک و غربگرا، و چه از نوع متحجر و خشن آن. به اسلامی که رژیم صهیونیستی را تحمل می کند، ولی با مذاهب اسلامی دیگر بی رحمانه مواجه می شود، دست آشتی به سوی آمریکا و ناتو دراز می کند، ولی در داخل به جنگ های قبیله ای و مذهبی دامن می زند و اشدّاء با مؤمنین و رحماء با کفار است، اعتماد نکنید. به اسلام آمریکائی و انگلیسی بدبین باشید، که شما را به دام سرمایه داری غرب و مصرف زدگی و انحطاط اخلاقی می کشانند. (۳)

به گواهی اسناد، می توان به جرأت گفت که امام خامنه ای جزو اولین کسانی است که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و در زمان تبعید به منطقه سنی نشین ایرانشهر، عملاً بنیان وحدت

ص: ۷۳

۱- بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۵/۱۲/۱۳۹۳

۲- بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۲۷/۱/۱۳۸۵

۳- خطبه های نماز جمعه تهران، ۱۴/۱۱/۱۳۹۰

اسلامی میان شیعه و سنی را در ایران بنا نهادند.

در گیرودار این فعالیت ها و در نقطه ی اوج گیری انقلاب اسلامی در سال ۵۶، رژیم ستمگر با نهایتِ خشونت، ایشان را دستگیر می کند و پس از چند شب زندان، ایشان را به «ایران شهر» تبعید می نماید. اما تبعید و آب و هوای گرم و شرجی ایران شهر نیز روح تلاش و مبارزه را در ایشان آرام نمی سازند. بلکه آن جا نیز از فرصت استفاده کرده، و در راه ایجاد وحدت و همبستگی میان نیروهای مبارز در آن سامان و نیز وحدت بین برادران شیعه و سنی کوشیده و موفقیت زیادی به دست می آورند، و با تماس با مردم و تبلیغ و برطرف ساختن مشکلات و محرومیت های این استانِ ستم زده، نقش مهمی در توجه مردم به امام خمینی، روحانیت، اسلام و انقلاب ایفا می کنند.

از جمله اینکه در آن سال، در ایران شهر سیلی می آید که منجر به بی خانمان شدن و آسیب رسیدن به عده زیادی از مردم می شود.

آیت الله العظمی خامنه ای، یک گروه از روحانیون و طلاب را بسیج می کنند و گروه امداد روحانیت را تشکیل می دهند. این گروه، به قدری در کار امداد، تبلیغ، تحریک و تشجیع مردم موفق می شود که ساواک وحشت می کند. ایشان را احضار می کنند و رئیس ساواک به معظم له می گوید: دیشب در کمیسیون امنیتِ شهربانی به ساواک گفتم، شما چقدر بی عرضه هستید که هیچ کاری نکردید. یک تبعیدی ببینید این جا چه اوضاعی درست کرده است. (۱)

ص: ۷۴

متأسفانه امروزه عده ای از پیروان اهل بیت فکر می کنند از آنجایی که خودشان در شهرهایی زندگی می کنند که در ظاهر اهل سنتی در آنجا نیست، اجازه هر رفتاری را دارند. در حالی که کثرت وسایل ارتباطی و جاسوسی و تلاش فراوان استکبار برای برهم زدن وحدت میان مسلمانان با هر وسیله ممکن، باید ما را هوشیار کند تا حتی از رفتارهایی که در آن احتمال سوء استفاده وجود دارد، دوری کنیم.

یکی از ایامی که هر ساله به این مسأله آسیب می زند، ایامی است که به عید الزهراء (سلام الله علیها) شهرت یافته است، اما مجالس وهن آمیزی که به اسم تشیع در خانه ها و حتی دانشگاه ها و حوزه های علمیه برگزار می شود، باعث می گردند تا برگزار کننده ی همین مجالس ساده و به ظاهر مخفیانه!! خسارت بزرگی به مکتب راستین اهل بیت (علیهم السلام) وارد کرده و خواسته یا ناخواسته، مسئولیت خون هزاران شیعه ی مظلوم زاهدانی، پاکستانی، عراقی، لبنانی و ... را به گردن بگیرد.

از سویی دیگر، تجربه نشان داده که هیچگاه دشنام گفتن به مقدسات دیگران، موجب هدایت گمراهان نمی شود، بلکه برعکس، آنان را به لجاجت و مقابله به مثل وادار می کند. از این رو اهل بیت (علیهم السلام) به شیعیان یادآور می شدند که خداوند از دشنام گفتن حتی نسبت به بت های مشرکان نهی فرموده است.

خداوند می فرماید: (به معبود کسانى که غیر خدا را مى خوانند دشنام ندهید، مبادا آنها (نیز) از روی (ظلم و) جهل، خدا را دشنام دهند.) (۱)

بنابراین پرهیز از دشنام، یک اصل قرآنى و اسلامى مى باشد.

به امید روزى که امت اسلامى دوباره با یکدیگر متحد شده و با خروج از تحت نفوذ و سیطره کفار، اقتدار و عزت را برای تمام مسلمانان جهان به ارمغان آورند. انشاء الله.

مناجات

از عطا و رحمت بی حدّ تو آکنده ام

ای خدای مهربان، از لطف تو شرمنده ام

گشته آلوده ز عُصیان، یا رب از پا تا سرم

از منِ عاصی خطا و از تو خوبی و کرم

گرچه من خیلی بدم اما تو خوبی ای خدا

واقعاً شرمنده ام، إغفر ذنوبی ای خدا

ص: ۷۶

انگیزه سازی

از امام صادق (علیه السلام) منقول است که ایشان فرموده اند:

أَحَبُّ إِخْوَانِي إِلَيَّ مَنْ أَهْدَى إِلَيَّ عُيُوبِي. (۱) (محبوب ترین برادرانم در نزد من، کسی است که عیوب مرا به من هدیه دهد.)

و همچنین از مولا امیر المؤمنین علی (علیه السلام) اینچنین نقل شده:

مَنْ أَبَانَ لَكَ عَيْبَكَ فَهُوَ وَدُودُكَ. (۲) (هر کس عیب تو را برایت آشکار سازد، همو دوستدار توست.)

فرهنگ نقد و انتقاد منطقی و سازنده و از آن سو، نقدپذیری

ص: ۷۷

۱- محمد بن یعقوب (شیخ کلینی)، الکافی (ط - اسلامیة)، ج ۲، ص ۶۳۹

۲- عبد الواحد بن محمد تمیمی، غرر الحکم و درر الکلم، ح ۸۲۱۰

و پاسخ‌گویی، سرمایه‌ای بسیار گران‌بها برای هر جامعه می‌باشد، چرا که یکی از عوامل اصلی در کمال و اصلاح روزافزون جامعه و بهبود کارکرد تک‌تک افراد مسئول در آن جامعه، همین فرهنگ‌والا می‌باشد. زیرا شناخت نواقص و کاستی‌ها و تلاش در جهت رفع آنها، گامی مقدس در مسیر فلاح‌مؤمنین و جامعه‌ی اسلامی است.

از سوی دیگر، اگر در جامعه‌ای به جای فرهنگ‌نقد منطقی، فرهنگ‌تخریب و عیب‌جویی حاکم گردد و مسئولین نیز به جای پاسخ‌گویی، خود را به نادانی زده و با انکار و پرده‌پوشی ضعف‌ها و ایرادات و مشکلات، سعی در حفظ آبروی خود و روش‌های خود داشته باشند، نه تنها دردی از جامعه درمان نمی‌گردد، بلکه همدلی و حسن اعتماد در میان دو طبقه‌ی اصلی جامعه که همان مردم و مسئولین هستند، به مرور از بین می‌رود.

اما عقل‌دینی حکم می‌کند تا با مدیریتی مبتنی بر دیانت و خرد و حاکم نمودن ارزش‌های والای انسانی و الهی، همواره در پی آن باشیم که در مسیر تکاملی خود، آفت‌ها و آسیب‌ها را شناخته و آنها را از سر راه برداریم. اگر فرهنگ‌نقد و انتقاد پذیری رایج گشته و آداب و مرزهای انتقاد صحیح و منطقی تبیین شده و ویژگی‌های منتقدین روشن شود، بسیاری از تنش‌ها و کشمکش‌ها فروکش کرده و بسیاری از ضعف‌ها، نقص‌ها و کاستی‌ها، زمینه‌ی ظهور نمی‌یابند. به خصوص اگر

عموم مردم و علی‌الخصوص مسئولین از هرگونه غرور و اتکای بی‌جا به نفس خود عاری گشته و دائماً این نکته را آویزه‌ی گوش داشته باشند که تمام انسان‌ها در معرض خطایند، و اگر عنایت الهی برای لحظه‌ای از آنها برداشته شود، در گرداب اشتباهات و خطاهای خود غرق خواهند شد.

همین نگاه باعث می‌گردد تا بنیان‌گذار کبیر انقلاب اسلامی، دائماً از این جهت مراقب رفتار اطرافیان خویش باشند، تا مبادا عده‌ای به تملق‌گویی و تمجیدهای فوق‌العاده از ایشان روی آورند. ماجرای دیدار ایشان با اعضای اولین دوره مجلس شورای اسلامی شنیدنی است:

آقای فخرالدین حجازی، نماینده اول مردم تهران در اولین دوره مجلس شورای اسلامی، در دیدار با امام خمینی (رحمه الله علیه)، سخنرانی خود را با جمله «بأبی أنتَ و أمّی» آغاز کرده و بقیه محتوای سخنرانی نیز در تجلیل از مقام والای امام بود که البته ایشان از بیان این مطالب، قصد و نیتی خیر داشتند، اما امام خمینی (رحمه الله علیه) در واکنش به این سخنان فرمودند:

«من خوف این را دارم که مطالبی که آقای حجازی فرمودند درباره من، باورم بیاید. من خوف این را دارم که با این فرمایشات ایشان و امثال ایشان برای من یک غرور و انحطاطی پیش بیاید. من به خدای تبارک و تعالی پناه می‌برم از غرور. من اگر خودم را برای خودم نسبت به سایر انسان‌ها یک مرتبتی قائل باشم، این انحطاط فکری است و انحطاط

روحی. من در عین حال که از آقای حجازی تقدیر می‌کنم که ناطق برومندی است و متعهد، لکن گله می‌کنم که در حضور من مسائلی که ممکن است من باورم بیاید فرمودند.»^(۱)

و همین نگاه است که باعث می‌گردد، برترین و برگزیده‌ترین بنده‌ی خداوند متعال، یعنی شخص پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در نیمه‌های شب با چشمانی گریان دست به سوی آستانِ معبود دراز کرده و با عجز و لابه بگوید: «اللَّهُمَّ وَ لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا»^(۲)؛ خدایا، هرگز مرا حتی برای لحظه‌ای به حال خودم وامگذار.»

و همین فرهنگ است که باعث می‌گردد تا حتی امام علی (علیه السلام) با آن مقام عصمت، از مردم بخواهند تا از ابراز سخن حق و خیرخواهی نسبت به روش حکومت ایشان خودداری نمایند.^(۳) و همچنین در جایی دیگر می‌فرمایند: «لَا خَيْرَ فِي قَوْمٍ لَيْسُوا بِنَاصِحِينَ وَ لَا يُحِبُّونَ النَّاصِحِينَ»^(۴)؛ مردمی که خیرخواه و نصیحت‌کننده‌ی یکدیگر نیستند و از خیرخواهان نیز استقبال نمی‌کنند، هیچ خیری در آنها نیست.»

اما برای آشنایی بهتر با نقد منطقی، سازنده و مورد تأیید اسلام، لازم است تا نگاهی دقیق‌تر به ویژگی‌ها و آداب نقد داشته باشیم.

ص: ۸۰

-
- ۱- صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۳۴۳، بیانات در تاریخ ۴ خرداد ۱۳۵۹
 - ۲- علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۷۵
 - ۳- نهج البلاغه (للصباحی صالح)، ص ۳۳۴، خطبه ۲۱۶
 - ۴- عبد الواحد بن محمد تمیمی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۷۹۱، ح ۹۸۱۳

ظاهراً واژه «انتقاد» و «نقاد» اولین بار در زمانی مورد استفاده قرار گرفت که در سکه های طلا و نقره، تقلب صورت گرفته و سرب را با آن می آمیخته اند، از این رو عده ای خُبره وظیفه یافتند تا سکه های ناسره و قلابی را از میان سکه های رایج در بازار پیدا کرده و جدا کنند. (۱)

بعدها همین کلمات در مورد کسانی به کار رفت که در میان افکار و یا اشعار به کنکاش پرداخته و موارد نادرست را مورد تذکر قرار می دادند. امروزه نیز مفهوم انتقاد، به معنای دقت در رفتار و گفتار افراد، برای تعیین و تشخیص امور ناصواب و سعی در اصلاح آنها می باشد.

اما همانطور که گفتیم، نقدی صحیح و منطقی می باشد که از ضوابط و آداب معینی پیروی کند، و در این مقال به بررسی بعضی از آن آداب می پردازیم:

۱- انتقاد عالمانه:

در منابع اسلامی از جمله شرایط امر به معروف و نهی از منکر، چنین ذکر شده: «عَالِمٌ بِمَا يَأْمُرُ وَ عَالِمٌ بِمَا يَنْهَى عَادِلٌ فِيمَا يَأْمُرُ وَ عَادِلٌ فِيمَا يَنْهَى» (۲)؛

به آنچه فرمان می دهد و از آنچه باز می دارد، آگاهی داشته باشد و در هر دو مورد، عدل و داد را نگه دارد.»

طبیعتاً فردی که در مقام نقد و ایراد بر می آید، باید در آن

ص: ۸۱

۱- لغتنامه ی دهخدا و فرهنگ معین، ذیل واژه «انتقاد» و «نقاد»

۲- ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۳۵۸

زمینه، اهل علم و آگاهی بوده و خُبره محسوب شود، در غیر این صورت به جای انتقاد، مرتکبِ اتهام شده و مشمول آیات و روایاتی می‌گردد که از بدبینی و اتهام نسبت به مؤمنین نهی کرده اند.

رهبر معظم انقلاب نیز در تذکراتشان به مسئولین، بارها تأکید نموده اند که انتقادِ عالمانه باید پذیرفته شود. ایشان در جمع اساتید دانشگاه می‌فرمایند:

«لازم است جلسات نقد و پرسش و پاسخ میان مسئولین و دانشگاهیان تشکیل شود... مسئولان حضور را در میان مجامع دانشگاهی بپذیرند، انتقاد دلسوزانه را بپذیرند. انسان واقعاً از این نظرات استفاده می‌کند. مسئولان از این کار اِبا نداشته باشند؛ انتقاد عالمانه را، انتقاد سازنده را بپذیرند.»^(۱)

۲- انتقاد، نه انتقام:

از دیگر عوامل مهم در سلامت انتقاد، دخالت نداشتن انگیزه‌های نفسانی و شخصی منتقد، در امر انتقاد است. زیرا هرگاه فرد از روی حسادت، لجاجت، بدبینی و یا حزب‌گرایی دست به انتقاد از فردی بزند، نه تنها برای برادر مؤمنش خیرخواهی نکرده، بلکه کلامش نیز منصفانه و اصلاح‌گرانه نخواهد بود.

در حدیثی شریف از امام صادق (علیه السلام) آمده است: «النَّصِيحَةُ مِنَ الْحَاسِدِ مُحَالٌ.»^(۲) (نصیحت و خیرخواهی از ناحیه ی فرد حسود

ص: ۸۲

۱- بیانات در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه، ۲/۶/۱۳۹۰

۲- محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۵۸

انتقاد، متفاوت از انتقام جویی می باشد. اگر دیو کینه توزی به جای مهرورزی و مهربانی بنشیند، پرده ای تار در پیش چشم آدمی می کشد که بین او و واقعیت، فاصله ای طولانی ایجاد می کند و در نتیجه، نگاه او نگاهی دشمنانه و رفتارش نیز رفتاری مخرب خواهد بود. اگر نقد و انتقاد به درگیری و دشمنی و مچ گیری و رو کم کنی منجر شود، نه تنها مشکلی گشوده نخواهد شد، بلکه بر مشکلات افزوده می شود.

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «إِيَّاكُمْ وَالْمِرَاءَ وَالْخُصُومَةَ فَإِنَّهُمَا يُمْرِضَانِ الْقُلُوبَ عَلَى الْإِخْوَانِ وَ يَنْبُتُ عَلَيْهِمَا النِّفَاقُ؛(۱)»

از بگو مگوهای بی حاصل و دشمنی ها پرهیزید! زیرا این دو مایه بیماری دل های برادران دینی بوده و زمینه ساز نفاق در میان مؤمنان است.»

رهبر انقلاب نیز در دورانی که حجم زیادی از نقدهای مخرب داخلی و خارجی متوجه مسئولین دولتی شده بود، فرمودند: «برخی از این افراد (منتقد) مغرض نیستند، بلکه کم اطلاع یا بی اطلاع هستند. برخی هم غرض های شخصی و سطحی دارند، اما بعضی یا از اول امام را قبول نداشته اند و یا در وسط راه با انقلاب دچار مشکل شده اند، به همین علت با غرض های عمقی و کینه ی امام، به تخریب دولت نهم مشغول اند.»(۲)

ص: ۸۳

۱- محمد بن یعقوب (شیخ کلینی)، الکافی (ط - اسلامیة)، ج ۲، ص ۳۰۰

۲- بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت، ۲/۶/۱۳۸۷

۳- پرهیز از سیاه‌نمایی و تخریب چهره‌ی افراد:

اگر انسان بتواند عیب و کاستی کسی را به گونه‌ای مطرح کند که جایگاه اجتماعی و حیثیت حقوقی و حقیقی او خدشه‌دار نشود، باید چنین کند و هرگز افشاگری و در بوق و کرنا دمیدن، پسندیده نیست. گِره‌ی که به آرامی و نرمی و با دست گشوده می‌شود، چرا با سر و صدا و با دندان بگشائیم!

در بیانات امیر المؤمنین (علیه السلام) آمده است: «هر که به مسلمانی سخنی بگوید و مقصودش بردن آبروی وی باشد، خداوند او را در لجن زاری از دوزخ زندانی کند تا از آنچه گفته، عذری آورد.»^(۱)

و همچنین در حکمت‌های منسوب به آن حضرت آمده: «الْضُّحُ بَيْنَ الْمَلَأِ تَقْرِيعٌ»^(۲)؛

نصیحت آشکارا و علنی، نوعی سرزنش و سرکوب به شمار می‌رود.»

امام خمینی (رحمه الله علیه) نیز با الهام از این آموزه‌ها، همواره سفارش می‌کردند: «در انتقادات مواظب باشید با حیثیت و آبروی کسی بازی نکنید و کسی را از موقعیت و مسئولیتی که دارد؛ فرو نیفکنید. انتقاد آزاد است، به اندازه‌ای که نخواهند کسی را خفیف کنند یا یک گروهی را خفیف کنند و از صحنه خارج کنند. انتقادات برای اصلاح امور لازم است.»^(۳)

امام خامنه‌ای نیز در دوران انتخابات، خطاب به نامزها

ص: ۸۴

۱- محمد باقر بن محمد تقی (علامه مجلسی)، بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۱۱۰

۲- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۳۴۱

۳- صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۳۶۶

می فرمایند: «نامزدهای محترم در این برنامه های عمومی، خب زبان به نقد و انتقاد باز می کنند؛ این حق آنها است؛ می توانند از هر چیزی که مورد انتقاد آنها است، انتقاد کنند؛ منتها توجه کنند که انتقاد باید به معنی عزم و نیت برای پیمودن آینده ی پرتلاش و افتخارآمیز باشد، نه به معنای سیاه نمائی و منفی بافی و بی انصافی.»^(۱)

۴- بیان ویژگی های مثبت در کنار نکات منفی:

یکی از عوامل مهمی که باعث منصفانه بودن و دوری از تخریب چهره ی افراد در جریان نقد می شود، بیان نکات و نقاط قوت افراد در کنار اشکالات و ایرادات است. در این صورت، فرد انتقاد شونده با آرامش بهتری به ایرادات گوش فراداده و به اصطلاح حالت تدافعی و گارد ذهنی به خود نمی گیرد.

امام خامنه ای در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، با اشاره به همین مطلب می فرمایند:

«انتقاد دو گونه است. علامت دلسوزانه بودن انتقاد این است که وقتی انسان انتقاد را بیان می کند، نقطه قوت را هم در کنار او بیان کند تا معلوم شود که بنای نظر شخصی، بنای انتقام گیری و بنای اذیت کردن ندارد و إلا اگر ما یک مجموعه ای داشته باشیم که نقاط قوت و نقاط ضعفی هم دارد، آن وقت در بیان انتقاد، نقاط قوتش را اصلاً در نظر نگیریم

ص: ۸۵

۱- بیانات در مراسم بیست و چهارمین سالگرد رحلت امام خمینی، ۱۴/۳/۱۳۹۲

و به زبان نیاوریم، بعد یک یا دو یا ده مورد از نقاط ضعف را همین طور بیان کنیم، معلوم است که تضعیف خواهد شد. علامت این که نمی خواهیم تضعیف کنیم، این است که نقاط قوت را هم بیان کنیم. حالا اگر یک وقت در موردی انتقادی هم داریم، بگوییم اشکالی ندارد و کسی با آن مخالفتی ندارد.»^(۱)

۵- نقد، نه نفی:

اشاره

متأسفانه گاهی موارد، به هنگام نقد برخی رفتارها و یا اندیشه های فرد مقابل، تمام شخصیت و عملکرد او زیر سؤال می رود و حتی گاهی برچسب هایی اغراق آمیز به فرد انتقاد شونده زده می شود؛ تعبیری چون، بی عرضه، منافق، خائن، دزد و امثال آن که متأسفانه در ادبیات انتقادهای امروزی رواج دارند، اما قطعاً این روش درست نبوده و مصداق اتهام پراکنی و هتک آبروی مؤمن می باشد.

بنابراین شیوه ی صحیح در نقد آن است که با دقت در تعبیر و الفاظ به کار رفته در هنگام نقد، از لطمه زدن به شخصیت و حیثیت افراد پرهیز کرده و فقط رفتارهای نادرست و غیر قابل قبول او را متذکر شویم، تا مبادا در پرونده ی اعمالمان به جای نصیحت و خیرخواهی نسبت به برادر مؤمن، تهمت و افترا به مؤمنین ثبت شود.

امام خامنه ای نیز در رهنمودی به جوانان می فرماید: «از

ص: ۸۶

۱- بیانات در دیدار نمایندگان هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۸/۳/۱۳۸۶

جوان چه انتظاری وجود دارد؟ ما از جوان می خواهیم راه را گم نکند. نقد، اشکالی ندارد؛ اما نفی، بزرگترین ظلم به این ملت است. بعضی کسان به زبان نقد، نظام اسلامی را نفی می کنند. بعضی کسان انتقادی که بر فلان مدیر و مسؤول وارد است، انتقاد به نظام می دانند. این غیرمنصفانه است.» (۱)

موارد دیگری نیز در سازنده بودن نقد دخیل می باشند که برای رعایت اختصار، تنها به عنوان آنها اشاره می کنیم.

۱- آن عیوبی که نسبت به دیگران تذکر می دهیم، در خود ما نباشد.

أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي وَاللَّهِ مَا أَحْتُكُمْ عَلَى طَاعِهِ إِلَّا وَ أَسْبِقُكُمْ إِلَيْهَا وَ لَا أَنهَاكُمْ عَنْ مَعْصِيَةِ إِلَّا وَ أَتَنَاهَى قَبْلَكُمْ عَنْهَا. (۲)

امیر المؤمنین علی (علیه السلام) می فرمایند: ای مردم، به خدا سوگند، شما را بر هیچ طاعتی تشویق ننمودم، مگر آنکه خودم زودتر از شما به آن سبقت گرفتم، و شما را از معصیتی باز نداشتم، مگر آنکه زودتر از شما از آن پرهیز نمودم.

۲- لحن انتقاد، مشفقانه باشد.

لَيْكُنْ أَحَبُّ النَّاسِ إِلَيْكَ الْمُشْفِقَ النَّاصِحَ. (۳)

امام علی (علیه السلام) می فرمایند: می باید محبوب ترین مردم در نزد تو، فرد خیرخواه مشفق باشد.

ص: ۸۷

۱- بیانات در دیدار جوانان استان اصفهان، ۱۲/۸/۱۳۸۰

۲- سید رضی، نهج البلاغه (للصبحی صالحی)، ص ۲۵۰، خطبه ۱۷۵

۳- عبدالواحد تمیمی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۵۴۹

قَالَ (عليه السلام) مَنْ وَعَظَ أَخَاهُ سِرًّا فَقَدْ زَانَهُ وَمَنْ وَعَظَهُ عَلَانِيَةً فَقَدْ شَانَهُ. (۱)

امام حسن عسکری (علیه السلام) می فرمایند: هر آن کس که برادر (ایمانی خود) را در نهان موعظه کند، او را زینت داده و هر کس او را آشکارا پند دهد، سرافکننده اش نموده.

طبیعتاً نکات دیگری نیز می توانند در بهینه سازی نقد و بالا بردن احتمال تأثیر آن در انتقاد شونده، تأثیرگذار باشند که با اندکی تأمل و دقت، قابل فهم و کشف هستند.

رفتارسازی

روی دیگر سکه ی انتقاد، روحیه ی نقدپذیری و ترتیب اثر دادن به نقدهای منطقی و دلسوزانه است. حتی بالاتر از این حالت، روحیه ی پذیرش و تأمل در نقدهای توهین آلود و مخرب، برای یافتن ایرادات حقیقی خودمان در میان سیل اتهامات و انتقادات است، زیرا مؤمن بر خلاف منافق، دائماً به دنبال کشف عیوب خویش بوده و مشغله ی ذهنی اش در مورد نقایص خویش است. آنگونه که مولا امیر المؤمنین علی (علیه السلام) می فرمایند: «طُوبَى لِمَنْ شَغَلَهُ عَيْبُهُ عَنْ عَيْبِ النَّاسِ». (۲) (خوشا به حال کسی که توجه به عیوب خویش، او را از توجه به

ص: ۸۸

۱- ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۴۸۹

۲- علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۷۰

عیوب دیگران بازداشته). بنابراین حالت ایده آل در برابر انتقاد، تحمل و سکوت نمی باشد، بلکه استقبال از هر نقدی، و لو با لحن گزنده و سرزنش گر، بهترین و مناسب ترین برخورد با هرگونه نقد است.

از باب نمونه، چند مورد از نکات ضروری در مقام انتقادپذیری که از بیانات امام خامنه ای برگرفته شده را خدمتتان عرض می نمایم.

در مواردی که می دانیم و یا گمان اصلی ما بر آن است که فرد منتقد، از روی دلسوزی و خیرخواهی انتقاد نموده، حتماً انتقاد او را با دل و جان پذیرفته و با دقت گوش دهیم و حداقل بر روی سخنانش تأمل نماییم؛ نه آنکه او را فردی مخالف با اصل حکومت و یا اندیشه ی اسلامی خطاب کرده و تحقیر کنیم.^(۱)

۱- از انتقاد نترسیده و در مقابل نقد شدن، دچار وا همه و سراسیمگی نشویم. زیرا واکنش مناسب در برابر انتقاد، استقبال از آن و سپس دقت در کلام و نکات مد نظر منتقد است، نه آنکه از ترس نقد شدن، دست از کار و انجام مسئولیت های مَحْوَله برداریم و به گنج انزوا بخزیم.^(۲)

۲- در صورت حرکت بر مسیر ایمان و تقوا، انتقادهای دشمنان و انتقادهای تخریبی، هیچ آسیبی به چهره ی انتقاد شونده وارد نمی کنند؛ گرچه انتقاد کسانی که سلیقه ای متفاوت دارند اما دشمنی آنها ثابت نشده، باید مورد دقت و توجه قرار

ص: ۸۹

۱- بیانات در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه ها، ۲/۶/۱۳۹۰

۲- بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت به مناسبت هفته دولت، ۴/۶/۱۳۸۱

گیرد، چه بسا که نکاتی مفید در آن حرف‌ها یافت می‌شود. (۱)

پرورش احساس

یکی از نکات حساس در بحث نقد، آن است که امروزه نقد به عنوان ابزاری در دست دشمنان قسم‌خورده‌ی نظام و انقلاب اسلامی قرار گرفته و آنان با فریب و دورویی، اینگونه وانمود می‌نمایند که خیرخواه مردم ایران و اهل انصاف و بیان واقعیت‌ها هستند. شبکه‌های ماهواره‌ای که با ادعای بیان واقعیت‌ها، زبان به انتقاد از زوایای مختلف حکومت اسلامی ایران گشوده و در پس‌پرده، هدفی جز از میان برداشتن حکومت اسلامی و خدشه‌دار نمودن اعتماد مردم به مسئولین ندارند و در این راه از هرگونه بی‌انصافی و دروغ‌گویی و اغراق‌گویی پرهیز نمی‌کنند.

در چنین شرایطی، بسیار مهم و ضروری به نظر می‌رسد که به هیچ‌عنوان در بیان انتقادات، با دشمنان اسلام هم‌زبان نشده و از این طریق همکار و همراه با آنها نگردیم. چه بسا نقاط ضعف و ایراداتی در ساختار حکومتی کشور وجود دارد که مورد توجه ویژه و تمرکز رسانه‌های بیگانه قرار گرفته است، ولی مؤمنین بصیر و هوشیار باید بدانند که در چنین مواردی صلاح بر آن است که از درون کشور هیچ صدای انتقادی نسبت به آن موضوع خاص بلند نشود و بلکه حتی به دفاع از آن دستگاه و ارگان پردازیم و اگر مصلحت مهمی در حال از دست رفتن

ص: ۹۰

است، با نقد مخفیانه و خصوصی، نسبت به برطرف کردن آن اشکالات همت گماریم.

رهبر انقلاب نیز در این خصوص بارها به نشریات و منتقدین داخلی هشدار داده اند.

«بعضی (انتقاد) ها به قصد اصلاح نیست، بلکه به قصد تخریب است، هم از مجموعه ی مطبوعات خودمان، هم پشتوانه آنها ده ها رادیو و تلویزیون بیگانه و رسانه عمومی و بین المللی در اختیار حرف ها و افکاری است که بنایش بر تخریب است. یعنی هیچ بنای اصلاح ندارند. آنچه که نقل می کنند برای تخریب است. لذا واقعیت و غیر واقعیت و خلاف واقع و ضد واقع، همه چیز در

آن است. گاهی یک چیز کوچک را بزرگ می کنند، گاهی یک چیزی که نبوده، به عنوان یک حقیقت مسلم جلوه می دهند. اینها البته هست. این، تخریب است.»^(۱)

به امید آنکه با رعایت اخلاق انتقاد از سوی مردم و وجود روحیه ی انتقاد پذیری در مسئولین، کشور عزیزمان روز به روز در مسیر پیشرفت و اقتدار حرکت کرده و ملت و دولت با کمک به یکدیگر، نقشه های دشمنان را نقش بر آب کنند. إن شاء الله.

مناجات

با کوه عصیان آمدم

با چشم گریان آمدم

ص: ۹۱

عُمرم شده صرف گناه

اَما پشیمان آمدم

بیچاره ی درمانده را

در محضرت راهش بده

در وادی عُبودیت

سوزش بده آهش بده

با این نفس اماره و

درد جهالت چه کنم

گر ببخشی من را بگو

با این خجالت چه کنم

ص: ۹۲

انگیزه سازی

با تشکیل نظام مقدس جمهوری اسلامی در کشورمان، انتظاراتی در افکار جامعه ی مسلمان ایران ایجاد شد. آنان توقع داشتند که مسئولین پس از انقلاب، افرادی با تقوا و به دور از خواسته و منفعت طلبی های شخصی باشند و از موقعیت حکومت، تنها برای خدمت به مردم استفاده نمایند.

در همین راستا، امام خمینی (رحمه الله علیه) و امام خامنه ای (مد ظله العالی) هر یک به سهم خویش، تذکرات و توصیه هایی به مسئولین رده های مختلف در کشور داشته اند تا مبادا افرادی که در پست های مختلف حکومتی به قدرت می رسند، از مسیر صحیح خدمتگذاری خارج شده و در منجلاب دنیاپرستی و

البته با نگاهی به سیره ی معصومین، درمی یابیم که آن بزرگواران نیز در مواردی که در رأس حکومت قرار گرفته اند، با حساسیتی فراوان نسبت به این مهم رفتار کرده اند. از باب نمونه، بخش هایی از توصیه های امیر المؤمنین علی (علیه السلام) به مالک اشتر در هنگام اعطای ولایت مصر، خدمتتان تقدیم می گردد.

«مهربانی و محبت و لطف به رعیت را شعار قلب خود قرار ده، بر رعیت همچون حیوان درنده مباش که خوردن آنان را غنیمت دانی، که رعیت بر دو گروهند: یا برادر دینی تواند، یا انسان هایی مانند تو، پس اگر گناهی از آنان سر می زند یا مشکلاتی بر آنان عارض می گردد، یا خواسته و ناخواسته، اشتباهی مرتکب می شوند، آنان را ببخشای و بر آنها آسان گیر، آن گونه که دوست داری خدا تو را ببخشاید و بر تو آسان گیرد؛ چرا که تو از نظر قدرت برتر از آنانی، و آن که بر تو ولایت دارد بالاتر از تو می باشد، و خداوند برتر از آن کسی که تو را والی مصر نموده. خداوند کفایت امور رعیت را از تو خواسته، و به خاطر آنان تو را در عرصه آزمایش قرار داده.

خود را در موقف جنگ با خدا قرار مده، که تو را تحمّل کیفر او نیست، و از عفو و رحمتش بی نیاز نمی باشی. از گذشتی که از مردم کرده ای پشیمان مشو، و بر کیفری که داده ای شاد مباش،

ص: ۹۴

و به خشمی که راه بیرون رفتن از آن وجود دارد شتاب مکن، و فریاد مزن که من بر شما گمارده شده ام، فرمان می دهم باید اطاعت شوم؛ که این وضع موجب فساد دل، و کاهش و ضعف دین، و باعث نزدیک شدن زوال قدرت است.

.... خدا و مردم را از جانب خود و خواص از خاندانت و کسانی از رعیت که به او علاقه داری انصاف ده، که اگر انصاف ندهی ستم کرده ای، و هر که به بندگان خدا ستم کند خداوند به جای بندگان ستمدیده خصم او می باشد، و هر که خداوند خصم او باشد عذرش را باطل کند، و شخص ستمکار محارب با خداست تا وقتی که از آن منصب عدل شود و یا توبه کند.

چیزی در تغییر نعمت خدا، و سرعت دادن به عقوبت او، قوی تر از ستمکاری نیست، که خداوند شنوای دعای ستمدگان، و در کمین ستمکاران است.

باید محبوبترین امور نزد تو میانه ترینش در حق، و همگانی ترینش در عدالت، و جامع ترینش در خشنودی رعیت باشد، چرا که خشم عموم، خشنودی خواص را بی نتیجه می کند، و خشم خواص در برابر خشنودی عموم، قابل عفو است.»^(۱)

اقناع اندیشه

اشاره

در تفکر اسلامی، ریاست بر مردم به عنوان یک مسئولیت سنگین و خطیر محسوب می شود، بر خلاف فرهنگ غیر دینی،

ص: ۹۵

۱- سید رضی، نهج البلاغه (للصباحی صالحی)، نامه ۵۳، ص ۴۲۷ - ۴۲۹

که ریاست را فرصتی برای سریع تر رسیدن به هواهای نفسانی و بهره مندی هرچه بیشتر از قدرت و ثروت می دانند. پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز در کلامی شیوا، این نکته را بیان فرموده اند که: «سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ» (۱) (رئیس و آقای هر قوم، خدمتگزار آن ها می باشد).

گفته می شود که سه رکن اصلی در هر حکومت، ایدئولوژی ساختاری، مسئولین و مردم هستند و طبیعتاً مسئولین و کارگزاران در هر حکومت، اجرا کننده ی قوانین بوده و رابطه ی میان مردم با ایدئولوژی های ساختاری و اصلی در آن حکومت می باشند، بنابراین در کشور ما که حکومتی بر اساس ایدئولوژی اسلامی تشکیل شده، مسئولین نیز واسطه ای میان توده مردم با اندیشه حکومت اسلامی شده اند و در مقام عمل آن را به اجرا در می آورند، پس در صورت موفقیت آنها، اسلام در نظر مردم بزرگ جلوه کرده و در صورت شکست و یا ضعف جدی در آنان، چهره ی اسلام دچار ضعف و نقص خواهد شد.

با نگاهی به آیات و احادیث تفصیلی در این زمینه و بهره بردن از شیوه ی عملی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و امیر المؤمنین علی (علیه السلام)، به نکات و وظایف متعددی برای مسئولین در حکومت اسلامی نسبت به مردم دست می یابیم که بررسی تمام آنها در این مجال نمی گنجد، از این رو تنها به ذکر برخی وظایف مهم تر و حساس تر اکتفا می کنیم.

ص: ۹۶

۱- محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۷۸

یکی از صفات ناپسند اخلاقی، که در مورد مسئولین و کارگزاران حکومتی به صورت ویژه و خاص، ناشایست می باشد، تکبر و غرور است. در کلامی مشهور از امیر المؤمنین (علیه السلام) آمده: «آفَةُ الرَّئِيسَةِ الْفَخْرُ» (۱) (آفت ریاست، فخر است).

در نگاه عموم مردم، مسئولین در هر حکومت، قشری فرهیخته و الگو برای جامعه بوده و افرادی والا اندیش هستند. بدیهی می باشد که چنین انسان هایی نباید اهل تکبر باشند، بلکه می بایست همواره شکوه و بزرگی خداوند را در نظر داشته و خود را در محضر او ببینند و سیره پیشوایان معصوم (علیهم السلام) را سرلوحه کار خویش قرار دهند.

نامه امام علی (علیه السلام) به مالک اشتر، یکی از الگوهای بسیار آموزنده در این زمینه می باشد. حضرت در بخشی از این نامه می فرماید: «إِيَّاكَ وَ مُسَامَاةَ اللَّهِ فِي عَظَمَتِهِ وَ التَّشَبُّهَ بِهِ فِي جَبْرُوتِهِ فَإِنَّ اللَّهَ يُدِلُّ كُلَّ جَبَّارٍ وَ يُهِينُ كُلَّ مُخْتَالٍ» (۲)

مضمون توصیه ایشان آن است که اگر قدرتی که از آن برخوردار، نخوتی در تو پدید آورد و خود را بزرگ بشمری، بزرگی حکومت پروردگار را که برتر از توست بنگر، و قدرتی را که بر تو دارد بنگر و حال آنکه تو چنین قدرتی را بر خود نداری؛ که چنین نگرستن، سرکشی تو را می خواباند و تیزی تو را فرو می نشاند و خرد رفته ات را به جای باز می گرداند.

ص: ۹۷

۱- عبدالواحد بن محمد تمیمی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۷۹

۲- ابن شعبه حرانی، تحف العقول، النص، ص ۱۲۷

امیر المؤمنین (علیه السلام) در توصیه ای خطاب به محمد بن ابی بکر، والی ایشان در مصر می فرماید:

«فَاخْفِضْ لَهُمْ جَنَاحَكَ وَ أَلِنْ لَهُمْ جَانِبَكَ وَ ابْسُطْ لَهُمْ وَجْهَكَ» (۱)

در برخورد با مردم، رفتاری از روی فروتنی، نرمخویی و مهربانی داشته، و با آنان گشاده رو و خندان باش.

گشاده رویی از جمله عواملی است که می تواند مانع از دگرگونی حال مدیر و مسئول، بعد از به قدرت رسیدن باشد و اینکه قدرت و مسئولیت های جدید، او را از حالت قبلی که با مردم نشست و برخاست می کرد و با آنها نزدیک بود، خارج نکند. مدیر و حاکم باید مراقب باشد تا به گونه ای رفتار کند که پس از به قدرت رسیدن، حتی به مردم نزدیک تر شود.

مولای متقیان علی (علیه السلام) در همین زمینه می فرماید: «فَإِنَّ حَقًّا عَلَى الْوَالِي أَلَّا يُعَيِّرَهُ عَلَى رِعِيَّتِهِ فَضْلٌ نَالَهُ وَ لَا طَوْلٌ خُصَّ بِهِ وَ أَنْ يَزِيدَهُ مَا قَسَمَ اللَّهُ لَهُ مِنْ نِعْمِهِ دُنُوًّا مِنْ عِبَادِهِ وَ عَطْفًا عَلَى إِخْوَانِهِ» (۲)

یکی از وظایف والی آن است که مقام و نعمت مخصوصی که به او رسیده، حال وی را نسبت به مردم تغییر ندهد، بلکه نعمت الهی، او را به بندگان خداوند نزدیک تر و نسبت به برادران (دینی اش) مهربان تر کند.

در بخشی از نامه ی امیرالمؤمنین (علیه السلام) به مالک اشتر که در

ص: ۹۸

۱- ابن شعبه حرانی، تحف العقول، النص، ص ۱۷۷

۲- سید رضی، نهج البلاغه (للصباحی صالحی)، ص ۴۲۴

ابتدای مطالب نیز نقل شد، در توصیه به مدارا با مردم و تحمل خطاهای آنان چنین آمده: «وَلَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِيًا تَغْتَنِمُ أَكْلَهُمْ فَإِنَّهُمْ صَنَفَانِ إِمَّا أَخَ لَكَ فِي الدِّينِ وَإِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ يَفْرُطُ مِنْهُمْ الزَّلْلُ وَتَعْرِضُ لَهُمُ الْعِلْلُ وَ يُؤْتِي عَلَى أَيْدِيهِمْ فِي الْعَمْدِ وَالْخَطَا فَأَعْطِهِمْ مِنْ عَفْوِكَ وَ صَفْحِكَ مِثْلَ الَّذِي تُحِبُّ وَ تَرْضَى أَنْ يُعْطِيَكَ اللَّهُ مِنْ عَفْوِهِ وَ صَفْحِهِ» (۱)

رفتارت با مردم، هرگز چونان حیوانی وحشی و شکاری نباشد که خوردن آنها را غنیمت بشماری، چرا که مردم دو دسته اند، یا برادران دینی تو هستند و یا در خلقت شبیه تو می باشند. پس اگر گناهی از آنان سر می زند یا مشکلاتی بر آنان عارض می گردد، یا خواسته و ناخواسته، اشتباهی مرتکب می شوند، آنان را ببخشای و بر آنها آسان گیر، آن گونه که دوست داری خدا تو را ببخشاید و بر تو آسان گیرد.

۳- انتقاد پذیری و پرهیز از ایجاد جو آراب:

در نگاه معصومین (علیهم السلام)، مقدمات تحقق عدالت اجتماعی زمانی فراهم می گردد که مردم و مسئولین به حقوق و وظایف متقابل خود آشنا باشند و بر همین اساس نسبت به یکدیگر خیرخواهی و نصیحت را فراموش نمایند. بر همین اساس، نقد دینی و پذیرش آن، از ارکان حکومت های الهی برشمرده می شود. اما حکومت های غیر دینی، اگرچه که استبداد خود

ص: ۹۹

۱- سید رضی، نهج البلاغه (للسبحة صالحي)، نامه ۵۳، ص ۴۲۷ - ۴۲۸

را در زیر نقاب دموکراسی پنهان می نمایند، اما در واقع حقوق و وظایف مردم و مسئولین را به صورت یکطرفه و به نفع قدرتمندان و ثروتمندان تعریف می نمایند.

امیر المؤمنین (علیه السلام) در این زمینه نیز توصیه می فرماید: «وَاجْعَلْ لِدَوِي الْحَاجَاتِ مِنْكَ قِسْمًا تُفَرِّغُ لَهُمْ فِيهِ شَخْصَكَ وَتَجْلِسُ لَهُمْ مَجْلِسًا عَامًا فَتَتَوَاضِعَ فِيهِ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَكَ وَتُقْعَدُ عَنْهُمْ جُنْدَكَ وَ أَعْوَانَكَ مِنْ أَحْرَاسِكَ وَ شُرَطِكَ حَتَّى يُكَلِّمَكَ مُتَكَلِّمُهُمْ غَيْرَ مُتَّعِنٍ» (۱).

پاره ای از وقت خویش را برای آنان که با تو سخنی دارند، قرار بده و در یک مجلس عمومی، به حرف های آنان گوش فرا ده. سپس در آن مجلس برای (رضای) خداوندی که تو را خلق کرده، فروتن باش و لشکریان و نیروهای نظامی و انتظامی و محافظان شخصی ات را از آنان دور کن تا آنان که با تو سخنی دارند، بدون هیچ ترس و نگرانی و لکنت زبان، با تو سخن بگویند.

۴- تربیت اخلاقی و آموزش قرآن و احکام دین:

از مهم ترین وظایف مسئولین در قبال مردم، اهتمام جدی به امور فرهنگی جامعه و آموزش مسائل دینی به جوانان و عموم مسلمانان می باشد تا زمینه ی رشد فکری و اخلاقی در میان مردم هر چه بیشتر فراهم گردد. چه بسا می توان گفت که این وظیفه در دولت های اسلامی، مهم تر و والاتر از رسیدگی به امور

ص: ۱۰۰

۱- سید رضی، نهج البلاغه (للصباحی صالحی)، نامه ۵۳، ص ۴۳۹

معیشتی مردم است و حتی در بسیاری از موارد، بازار اسلامی، از ربا و دروغ و فریب عاری نخواهد شد، مگر پس از آموزش کامل و مناسب احکام و اعتقادات اسلامی در این زمینه.

امام علی (علیه السلام) در توصیه ای به قثم بن عباس، نماینده ی ایشان در شهر مکه می فرماید: «وَ اجْلِسْ لَهُمُ الْعَصْرَيْنِ فَأُفَّتِ الْمُشْتَفَّتِي وَ عِلْمُ الْجَاهِلِ وَ ذَاكِرِ الْعَالَمِ وَ لَا يَكُنْ لَكَ إِلَى النَّاسِ سَفِيرٌ إِلَّا لِسَانُكَ وَ لَا حَاجِبٌ إِلَّا وَجْهُكَ.» (۱)

و پس از نماز ظهر و عصر در میان آنها نشسته و پاسخ کسانی را که از احکام دینی پرسش دارند، بده و به جاهلان تعلیم بفرما و عالمان را مورد تذکر و یادآوری قرار بده و نباید به جز زبانت، هیچ واسطه ای میان تو و مردم وجود داشته باشد و می باید چهره ات را مستقیماً ببینند.

ایشان همچنین در خطبه ۳۴ نهج البلاغه، در خطاب به مردم شام، یکی از وظایف حاکم اسلامی را همین موضوع بیان کرده و می فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا وَ لَكُمْ عَلَيَّ حَقٌّ فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَيَّ ... تَعْلِيمُكُمْ كَيْلًا تَجْهَلُوا وَ تَأْدِيبُكُمْ كَيْمًا تَعْلَمُوا.» (۲)

ای مردم، مرا بر شما و شما را بر من حقی واجب شده است. حق شما بر من، آن است که ... شما را آموزش دهم تا بی سواد و نادان نباشید، و شما را تربیت کنم تا راه و رسم زندگی را بدانید.»

و در کلامی دیگر می فرماید: «عَلَى الْإِمَامِ أَنْ يُعَلِّمَ أَهْلَ وَوَلَايَتِهِ

ص: ۱۰۱

۱- سید رضی، نهج البلاغه (للصبحی صالحی)، نامه ۶۷، ص ۴۵۷

۲- سید رضی، نهج البلاغه (للصبحی صالحی)، خطبه ۳۴، ص ۷۹

امام و حاکم اسلامی موظف است معارف اسلامی و ایمانی را به افراد تحت حکومتش آموزش دهد.

پرورش احساس

یکی از مهم ترین وظایف مسئولین در قبال مردم، توجه ویژه به قشر محروم و مستضعف می باشد که خداوند در مورد حق آنها توصیه و سختگیری فراوان نموده است. مولای متقیان علی (علیه السلام) در کلامی شورانگیز، نسبت به حقوق این گروه این گونه توصیه می فرماید:

«سپس خدا را خدا را در خصوص طبقات پایین و محروم جامعه، که هیچ چاره ای ندارند، [و عبارتند] از زمین گیران، نیازمندان، گرفتاران و دردمندان. همانا در این طبقه ی محروم، گروهی خویشان داری کرده، و گروهی به گدایی دست نیاز برمی دارند، پس برای رضای خدا، پاسدار حقی باش که خداوند برای این طبقه معین فرموده است: بخشی از بیت المال، و بخشی از غله های زمین های غنیمتی اسلام را در هر شهری به طبقات پایین اختصاص ده، زیرا برای دورترین مسلمانان همانند نزدیک ترین آنان سهمی مساوی وجود دارد و تو مسئول رعایت آن می باشی. مبادا سر مستی حکومت تو را از رسیدگی به آنان باز دارد، که هرگز انجام کارهای فراوان و

ص: ۱۰۲

مهم، عذری برای ترک مسئولیت های کوچک تر نخواهد بود. همواره در فکر مشکلات آنان باش، و از آنان روی بر مگردان، به ویژه امور کسانی را از آنان بیشتر رسیدگی کن که از روی کوچکی به چشم نمی آیند و دیگران آنان را کوچک می شمارند و کمتر به تو دسترسی دارند. برای این گروه، از افراد مورد اطمینان خود که خداترس و فروتنند، فردی را انتخاب کن تا پیرامونشان تحقیق کرده و مسائل آنان را به تو گزارش کنند. سپس در رفع مشکلاتشان به گونه ای عمل کن که در پیشگاه خدا عذری داشته باشی، زیرا این گروه در میان رعیت، بیشتر از دیگران به عدالت نیازمندند، و حق آنان را به گونه ای بپرداز که در نزد خدا معذور باشی. از یتیمان خردسال، و پیران سالخورده که راه چاره ای ندارند و دست نیاز بر نمی دارند، پیوسته دلجویی کن که مسئولیتی سنگین بر دوش زمامداران است، اگر چه حق، تمامش سنگین است، اما خدا آن را بر مردمی آسان می کند که آخرت می طلبند، نفس را به شکیبایی وا می دارند، و به وعده های پروردگار اطمینان دارند. پس بخشی از وقت خود را به کسانی اختصاص ده که به تو نیاز دارند، تا شخصاً به امور آنان رسیدگی کنی،... من از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بارها شنیدم که می فرمود: ملّتی که حق ناتوانان را از زورمندان، بی اضطراب و بهانه ای باز نستاند، رستگار نخواهد شد.»(۱)

ص: ۱۰۳

در نهایت، آنچه می تواند به عنوان شاخص اصلی و وظیفه ی کلیدی مسئولین حکومت اسلامی در قبال مردم محسوب شود، برقراری عدالت می باشد.

در همین زمینه، مقام معظم رهبری با استدلال به آیات قرآن و سیره ی رسول خدا و امیر المؤمنین (علیهما السلام) می فرمایند:

«امیر المؤمنین (علیه الصّلاه و السّلام)، در همان چند سالی که به خلافت و حکومت رسیدند، نشان دادند که اولویّت در نظر آن بزرگوار، استقرار عدل الهی و اسلامی است. یعنی عدالت، یعنی تأمین کردنِ هدفی که قرآن برای ارسال رسل و انزال کتب و شرایع آسمانی، بیان فرموده است: «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»^(۱).

اقامه قسط الهی. قسط و عدل با دستوری که اسلام معین کرده، بهترین تضمین و تأمین کننده عدالت است. این، در نظر امیر المؤمنین (علیه الصّلاه و السّلام)، اولویّت درجه اوّل بود. جامعه اسلامی، با عدل و قسط است که قوام پیدا می کند و می تواند به عنوان شاهد و مبشّر و هدایتگر و الگو و نمونه، برای ملت های عالم مطرح شود. بدون عدل، ممکن نیست. ولو همه ارزش های مادی و ظاهری و دنیایی هم فراهم شود، اگر عدالت نباشد، در حقیقت هیچ کاری انجام نشده است. این، آن برجسته ترین مسأله در زندگی حکومتی امیر المؤمنین (علیه الصّلاه و السّلام) بود. پیغمبر اکرم (صلوات الله و سلامه علیه) که چنین عنصری را به حکومت و ولایت مسلمین

ص: ۱۰۴

منصوب می کردند، در حقیقت اهمیت عدل را بیان فرمودند. پیغمبر می دانستند امیرالمؤمنین (علیه الصّلاه و السّلام)، در چه جهتی فکر می کنند و حرکت خواهند کرد. آن حضرت دست پرورده پیغمبرند؛ شاگرد پیغمبرند؛ مطیع و عمل کننده به فرمان و درس پیغمبرند. پیغمبر با منصوب کردن امیرالمؤمنین (علیه الصّلاه و السّلام)، در حقیقت عدل را در جامعه اسلامی اهمیت بخشیدند و امیرالمؤمنین (علیه الصّلاه و السّلام)، در طول همان چهار سال و نه ماه یا ده ماه حکومت ظاهری که داشتند، بیشترین اهتمامشان بر استقرار عدل در جامعه بود. آن حضرت، عدالت را مایه حیات اسلام و در حقیقت روح مسلمانی و جامعه اسلامی می دانستند. و این، آن چیزی است که ملت ها به آن نیاز دارند و جوامع بشری در دوره های مختلف، از آن محروم بوده اند. در آن زمان هم محروم بودند؛ قبل از آن زمان هم محروم بودند؛ امروز هم اگر به صحنه عالم و کاری که ابرقدرت ها می کنند و روش حکومتی که حکام مادی در دنیا عمل می کنند نگاه کنید، باز هم می بینید مشکل همین است. مشکل بشریت، در حقیقت فقدان عدالت و اسلام و حکومت علوی و روش و منهج امیرالمؤمنین (علیه الصّلاه و السّلام) است.»(۱)

مناجات

مرا به خلوت و ذکر شبانه راهی نیست

چرا که سهمیه ام غیر روسیاهی نیست

ص: ۱۰۵

همیشه غیر تو را کرده ام طلب از تو

ببخش! نیت و مقصود من الهی نیست

مرا به سوی خودش می کشد چنان نفسم

که یک دو گام دگر تا خود تباهی نیست

فقط تو مشتری دست خالی ام هستی

اگرچه پیش تو دل گاه هست و گاهی نیست

ص: ۱۰۶

انگیزه سازی

مردم نسبت به حکومت اسلامی چه نقشی بر عهده دارند؟ آیا حاکم اسلامی حقی بر گردن مردم دارد؟ یا فقط این مردم هستند که بر گردن حاکم حق دارند؟ محدوده وظایف مردم چیست؟ آیا مربوط به تشکیل حکومت است و یا بعد از آن نیز وظایفی متوجه آن هاست؟

حقیقت آن است که تجربه های مختلف تاریخی نشان می دهد که مردم نقشی اساسی در این راستا دارند و این مطلب نیاز چندانی به اثبات ندارد، بلکه امری بدیهی و قابل وجدان

ص: ۱۰۷

است. لذا بیش از هر چیز باید بر روی شرح و محدوده‌ی وظایفی که مردم نسبت به آن مسئولیت دارند بیندیشیم و تحقیق کنیم.

در طول تاریخ، هر کجا حکومتی برقرار شده، نقش مردم در تشکیل و استمرار آن و یا در شکست و سقوط آن کاملاً مشهود و واضح است.

اما نسبت به حکومت اسلامی، این مسأله به قابلیت‌ها و ظرفیت‌های نظام و حکومت اسلامی مربوط می‌شود که اهمیت حرکت در راستای ایجاد و سپس استمرار و حفظ آن و همچنین کمک به رشد و ارتقای کمی و کیفی اجرای احکام و دستورات اسلامی را به عنوان یک مسئولیت مهم بر دوش مردم مسلمان قرار داده است.

همچنین توجه به حرکت‌های سیاسی و اجتماعی انبیاء و اولیاء الهی که در جای جای قرآن کریم و تاریخ انبیاء و مخصوصاً تاریخ اسلام ذکر شده است، اهمیت جایگاه و مسئولیت مردم را در ایجاد و تعالی حکومت‌های الهی، بیشتر واضح می‌نماید.

یکی از داستان‌های قرآنی که در این زمینه می‌توان به آن اشاره کرد، بخشی از داستان حضرت موسی (علیه السلام) است.

وقتی بنی اسرائیل بعد از سال‌ها حقارت و سختی و انتظار موفق شدند به خاطر تبعیت و همراهی با رهبر الهی در عصر خود، از چنگال حکومت فرعون گریخته و به آزادی برسند، می‌بینیم که عدم استمرار این حمایت و همراهی، آنها را گرفتار

مصیبت های مختلفی کرد. بنی اسرائیل مورد خشم و غضب الهی قرار گرفتند و این مطلب برای ما در این زمان نیز درس آموز می باشد.

قصه از آنجا شروع شد که پس از آزادی بنی اسرائیل از فرعون، و زمانی که به سمت سرزمین موعودشان در حرکت بودند، به ایشان فرمان رسید که باید با گروهی از ظالمین مستقر در آن سرزمین بجنگند و خداوند نیز به آنها وعده نصرت و پیروزی داده بود، اما زمانی که فرمان جهاد را شنیدند، از اطاعت و فرمان بری سر باز زدند. لذا می بینیم در اثر این بی اعتنایی به دستور خداوند، بنی اسرائیل دچار دو آفت و خطر مهمی می شوند که حضرت علی (علیه السلام) در خطبه شقشقیه به آن اشاره کرده اند، یعنی سرپیچی از تبعیت کامل و مستمر از حاکم اسلامی و توجه به دنیا و راحت طلبی. (۱) همین امر سبب می شود تا بنی اسرائیل سال ها دچار خفت و سختی شوند. این داستان در آیات بیست تا بیست و شش سوره مائده ذکر شده است.

از سوی دیگر، درک اهمیت این مسئولیت، علاوه بر ادله و جهات قرآنی و تاریخی، از لحاظ تکوینی نیز قابل توجه است.

چرا که خداوند، انسان را موجودی مختار قرار داده و در انتخاب نوع زندگی، از مسایل جزئی روزمره گرفته تا انتخاب دین و حتی انتخاب حاکم و سرپرست، ضمن اینکه راه صواب را به انسان معرفی کرده و او را از راه ناصواب برحذر داشته،

ص: ۱۰۹

۱- سید رضی، نهج البلاغه، خطبه ۳ (معروف به شقشقیه)

اما هرگز او را مجبور به امری نکرده است. لذا در قرآن کریم می فرماید:

«لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» (۱)

هیچ اجباری در انتخاب دین اسلام نیست و به تحقیق راه رشد و راه صحیح، از راه بد و گمراهی بیان و جدا شده است.

و در ادامه، انسان ها را از قبول سرپرستی طاغوت نهی کرده و به سمت خود دعوت می کند. و به طور خاص به قبول سرپرستی خداوند و حکومت الهی، متوجه می نماید.

پس نقش اساسی، چه در شکل گیری حکومت الهی و چه در استمرار و بقای آن، به انتخاب و اختیار انسان ها برمی گردد. و تا زمانی که مردم حرکتی در این جهت نکنند، هیچ اتفاقی نمی افتد و کوتاهی آنان در این امر، باعث می شود تا بیشتر احکام اسلامی عملاً اجرا نشده و بر زمین باقی بمانند.

اقناع اندیشه

اشاره

همانطور که گذشت میزان مسئولیت مردم، بر اساس میزان اهدافی است که اسلام برای حکومت بیان کرده است. بر همین اساس، نگاهی خواهیم داشت به سه محور مهم. ۱- ایجاد و تأسیس ۲- حفظ و استمرار ۳- ارتقاء و رشد دولت اسلامی.

۱- اصل تشکیل حکومت اسلامی:

رسیدن به هدف بعثت در سطح جامعه، که به فرموده پیامبر

ص: ۱۱۰

اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) همانا شیوع کرامت اخلاق در جامعه انسانی می باشد،^(۱) نیاز به آماده شدن مقدماتی دارد که از جمله ی آنها، تحقق عدالت اجتماعی بوده و در قرآن به آن تصریح شده است.

اما نکته ای که در این میان قابل توجه می باشد، آن است که تا زمانی که دولتی اسلامی بر اساس احکام و دستورات قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) بر پا نشود، هیچ تضمینی برای اجرایی شدن احکام اسلامی و مخصوصاً ایجاد عدالت اجتماعی نیست. و هیچ گاه در پناه حکومت طاغوت نمی توان چنین هدفی را تحقق بخشید. بالاتر اینکه، بر سر این راه، طاغوت همیشه یک مانع اصلی می باشد. نمونه ای از یارکشی های حاکمیت طاغوت در برابر جبهه حق را می توان در آیات پایانی سوره غافر مشاهده کرد.

بر همین اساس، خداوند متعال در سوره حدید تحقق این موضوع را بر عهده مردم قرار می دهد.

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيُقِيمَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ.^(۲)

ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند و آهن را نازل کردیم که

ص: ۱۱۱

۱- إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ. (مجموعه ورام، ج ۱، ص ۸۹)

۲- سوره حدید، آیه ۲۵

در آن نیروی شدید و منافعی برای مردم است، تا خداوند بداند چه کسی او و رسولانش را یاری می کند بی آنکه او را ببیند، خداوند قوی و شکست ناپذیر است.

نکته اول این است که خداوند می فرماید ما کتاب و میزان را فرستادیم، اما برپایی قسط و عدالت اجتماعی تنها وظیفه ما نیست، بلکه نیازمند یاری و نصرت مردم است و خودشان نیز باید بخواهند.

نکته دوم بحث قیام است که باید مردم حرکت کنند و این امر را مطالبه کنند و رسل الهی را یاری کنند.

اما اینکه چرا قسط را به معنای عدل تفسیر نکردیم و از آن به عدالت اجتماعی تعبیر شد، با توجه به این کلام مقام معظم رهبری فهمیده می شود:

«در قلمرو حیات اجتماعی، چیزی که به عنوان هدف معین شده، عدالت اجتماعی است. «لیقوم الناس بالقسط». «قسط» با «عدل» فرق می کند. عدل یک معنای عام است. عدل همان معنای والا و برجسته ای است که در زندگی شخصی و عمومی و جسم و جان و سنگ و چوب و همه ی حوادث دنیا وجود دارد. یعنی یک موازنه ی صحیح. عدل این است. یعنی رفتار صحیح؛ موازنه ی صحیح؛ معتدل بودن و به سمت عیب و خروج از حد نرفتن. این، معنای عدل است. لکن قسط، آن طور که انسان می فهمد، همین عدل در مناسبات اجتماعی است. یعنی آن چیزی که ما امروز از آن به «عدالت اجتماعی» تعبیر

می کنیم. این، غیر از آن عدل به معنای کلی است. انبیا اگرچه حرکت کلی شان به سمت آن عدالت به معنای کلی است... اما آن چیزی که فعلاً

برای بشر مسئله است و او تشنه ی آن است و با کمتر از آن نمی تواند زندگی کند، قسط است. قسط یعنی اینکه عدل، خُرد شود و به شکل عدالت اجتماعی در آید. «لیقوم الناس بالقسط.» انبیا برای این آمدند.»(۱)

لذا این مردم هستند که با نصرت انبیا و اولیای الهی می توانند در قدم اول با تشکیل حکومت و دولت اسلامی به سمت تحقق این هدف حرکت کنند.

آنچه در این قسمت بیان شد اولین قدم و اولین وظیفه مردم در برابر دولت اسلامی است و به معنای پایان وظیفه آنها نیست.

۲- حفظ و استمرار دولت اسلامی:

در طول تاریخ موارد بسیاری مشاهده می شود که مردم ابتدا با شور و حرکتی بر محور حق، عدالت را طلب کرده اند، اما از ادامه راه باز مانده و نتوانستند دولت اسلامی تازه تأسیس را در تمام سختی ها همراهی کنند و همین کوتاهی و یا بی تفاوتی، سبب شکست آن حرکت و حکومت گردیده است. برای نمونه می توان به تنها ماندن امیرالمؤمنین (علیه السلام) و امام حسن مجتبی (علیه السلام) و به مسلخ رفتن حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام)

ص: ۱۱۳

۱- بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، به مناسبت عید مبعث سال ۱۳۷۱

لذا دومین وظیفه مردم، حفظ و استمرار حرکت اولیه است. این وظیفه به نوعی بالاتر از وظیفه ی قبل می باشد، زیرا همیشه طاغوت ها در اشکال مختلف در برابر جبهه حق مبارزه می کنند و سعی در براندازی آن دارند.

طبق بیان قرآن، جریان حق موظف است تا در سه جبهه ی سیاست، فرهنگ و اقتصاد با طاغوت مبارزه کند.

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَ سُلْطَانٍ مُّبِينٍ * إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ قَارُونَ فَقَالُوا سَاحِرٌ كَذَّابٌ. (۱)

ما موسی را با آیات خود و دلیل روشن فرستادیم * به سوی فرعون و هامان و قارون ولی آنها گفتند: «او ساحری بسیار دروغگو است!»

در این آیه، به سه فرد که نمادی از سه جبهه ی باطل می باشند، اشاره شده است. فرعون نمادی از جبهه ی طاغوت سیاسی؛ هامان نمادی از جبهه ی فرهنگی و مبارزه با فریب و تزویر، و قارون به عنوان نمادی از جبهه ی مبارزه ی اقتصادی با دنیاپرستان و صاحبان زر می باشد.

مرحله اول، مبارزه با طاغوت سیاسی است که با تشکیل حکومت اسلامی، انجام می شود، اما دو گروه دیگر که به نوعی پشتوانه طاغوت سیاسی و عامل بقای آن محسوب می شوند، سعی می کنند تا به روش های مختلف، با یکدیگر متحد شده

و دولت اسلامی را به زمین زده و به مطامع خود دست یابند. ساخت مسجد ضرار در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و شکل گیری مارقین و ناکثین و قاسطین در زمان امیر المؤمنین (علیه السلام) نمونه هایی از همین امر می باشد.

در این مرحله، باز هم مردمنده که اولاً با آگاهی و بصیرت و ثانیاً با همراهی کردن حاکم اسلامی، خدعه ها را در اشکال گوناگون آن، از بین برده و در میان انبوه فتنه ها، با پشتیبانی از دولت و حاکم اسلامی، کشتی نجات دولت اسلامی را از هر گونه تلاطم و یا غرق شدن نجات می دهند.

امام المتقین، حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در مورد همین مرحله، که حرکت به سمت نابودی فرعون های فرهنگی، اعتقادی و اقتصادی بوده و هنگامه ی کامل شدن و استقرار حقیقی دولت اسلامی است، وظیفه مردم را به این صورت بیان می کنند:

أَمَّا حَقِّي عَلَيْكُمْ فَأَلْفَوْا بِلَبِيْعِهِ وَ النَّصِيْحَةُ فِي الْمَشْهَدِ وَ الْمَغِيْبِ وَ الْإِجَابَةُ حِيْنَ أَدْعُوكُمْ وَ الطَّاعَةُ حِيْنَ أَمْرُكُمْ. (۱)

و اما حق من بر شما این است که به بیعت با من وفادار باشید، و در آشکار و نهان برایم خیر خواهی کنید، هر گاه شما را فرا خواندم اجابت نمایید و هر گاه فرمان دادم اطاعت کنید.

وظیفه مردم در نظام جمهوری اسلامی، در این مرحله، از زبان امام خامنه ای (مد ظله العالی) بدین صورت بیان شده است:

ص: ۱۱۵

«اگر آگاهی شما ملت نبود، کارها سخت می شد، لیکن آگاهی شماست که جلوی دشمن را گرفته است.

در کنار صبر و وفا و استقامت شما، و با کسب کمک ها و امدادهای الهی، همه ی ما هرجا هستیم، دو وظیفه ی سنگین را بر عهده داریم که باید آن ها را به بهترین وجه انجام دهیم.

وظیفه ی اول این است که صلابت و ابهت و عزت انقلاب را حفظ کنیم و راه امام را با قاطعیت ادامه دهیم و تسلیم باج خواهی های دشمنان اسلام و انقلاب نشویم. شرق و غرب عالم، این انقلاب را شناخته اند و زورگوهای دنیا هم توقعشان را از جمهوری اسلامی کم کرده اند. قدرت های استکباری باید بدانند که انقلاب ما مانند صخره است و نمی توان به او ضربه زد و چیزی از او کاست. ما باید این اقتدار و ابهت را حفظ کنیم. امید ملت های مسلمان به انقلاب و جمهوری اسلامی، به خاطر همین صلابت است.»^(۱)

۳- ارتقاء و رشد دولت اسلامی:

مستحکم تر شدن پایه های دولت اسلامی و بالاتر رفتن توان آن در جهت ایجاد عدالت اجتماعی در سراسر دنیا، به عنوان رسالت جهانی اسلام، نیازمند حرکت سومی است که در ادامه دو وظیفه قبلی متوجه می شود و مردم مؤمن و انقلابی نباید

ص: ۱۱۶

۱- بیانات در مراسم بیعت گروهی از رزمندگان سپاه پاسداران و روحانیون شهرهای خمین، دامغان و گناباد، ۳/۴/۱۳۶۸

از نقش خود در این زمینه نیز غافل باشند. در غیر این صورت همیشه باید درگیر مشکلاتی باشیم که عوامل بیگانه برای ما ایجاد می کنند و طمع آنها هیچ گاه قطع نمی شود.

قرآن کریم حرف اول و آخر را در این آیه فرموده است:

وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُزْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ آخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ
(۱).

و آماده کنید برای (کار زار با) ایشان هر چه را می توانید از نیرو و از اسبان بسته شده که بترسانید با آن دشمن خدا و دشمن خود را و دیگران را از غیر ایشان که شما آنان را نمی شناسید و خدا می شناسد.

یکی از تلاش های مستمر رهبر انقلاب از ابتدای دوران رهبری، توجه دادن مردم به این امر و ایجاد روح امید و نشاط در میان آن ها و برای حرکت در این زمینه و رسیدن به آینده روشن است.

ایشان در ادامه بیانات قبلی می فرمایند:

«... وظیفه ی دوم، توجه به سازندگی و آبادانی کشور است. اگر ما نتوانیم کشور خود را بسازیم، ملت های مسلمان از ما مأیوس می شوند و دشمنان نیز نسبت به ما جری خواهند شد. بدگوها خواهند گفت این ها نتوانستند کشورشان را بسازند و آباد کنند. ما وظیفه داریم برای آبادانی کشور تلاش کنیم و سازندگی را در همه ی ابعاد طبیعت و شهرها و روستاها و اقتصاد

ص: ۱۱۷

و صنعت و کشاورزی و اشتغال و غیره محقق سازیم. همچنین وظیفه داریم فقر و محرومیت را در کشور از بین ببریم و به زندگی این قشر بیشتر رسیدگی کنیم. این، وظیفه ی ما و وصیت امام (رحمه الله علیه) است.

سازندگی باید در تمام ابعاد مادی و معنوی آن صورت گیرد. هم باید چرخ های اقتصاد به حرکت درآید، و هم باید روحیه ی معنوی و اخلاق و رابطه ی با خدا در ما تقویت شود. همه ی ما در قبال این وظیفه ی بزرگ مسئولیم. از من که به عنوان یک طلبه در نظام جمهوری اسلامی مسئولیتی دارم، تا علما و دانشگاهیان و کارگران و کشاورزان و شهری و روستایی و کارمند و بازاری و هرکس که می تواند در راه این سازندگی بزرگ کوشش کند، باید نهایت تلاش خود را انجام دهیم. خوشبختانه مسئولان کشور مشغولند. کمک و حمایت مردم هم بایستی دائماً پشتوانه ی کار آن ها باشد.»^(۱)

رفتار سازی

در عصر کنونی، بعد از قیام مردم ایران و ظهور انقلاب اسلامی، یک بار دیگر بعد از حکومت رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) و أمير المومنین (علیه السلام) در کشور ایران پرچم دولت اسلامی بر پایه کلام خداوند متعال و دستورات اهل بیت عصمت و طهارت، برافراشته شد و مردم

ص: ۱۱۸

۱- بیانات در مراسم بیعت گروهی از رزمندگان سپاه پاسداران و روحانیون شهرهای خمین، دامغان و گناباد، ۳/۴/۱۳۶۸

نقش خود را در مرحله اول به خوبی انجام دادند و در مرحله دوم در طول این سی و چند سال نیز در راه استمرار این حرکت کوششی فراوان نموده و از این به بعد نیز به امید خدا تلاششان ادامه خواهد داشت.

آنچه به عنوان وظیفه‌ی امروز مردم بیشتر خودنمایی می‌کند، تقویت مرحله سوم وظایف مردم در برابر حکومت اسلامی می‌باشد تا کشورمان بتواند به استقلال حقیقی در همه‌ی جنبه‌های سیاسی، اقتصادی و علمی دست یابد.

آنچه امروزه رهبر انقلاب در قالب اقتصاد مقاومتی و تقویت توان تولید داخلی و خرید محصول ایرانی و حمایت از کارگر ایرانی بیان می‌کنند، یکی از همین وظایف است که در کنار تقویت رشد علمی و نظامی و غیره، باید مورد توجه جدی مردم قرار بگیرد.

امام خامنه‌ای (مد ظله العالی) می‌فرمایند:

«وظیفه‌ی ما این است که حفاظت و سلامت انقلاب و رشد روزافزون نظام جمهوری اسلامی و ریشه دواندن هرچه بیشتر این نظام را، با کار مخلصانه و وحدت کلمه و داشتن ارتباط و پیوند قلبی با خدا و اتکای به نفس تضمین کنیم. با این روش، ما تا ده‌ها سال دیگر، به فضل پروردگار خواهیم توانست انقلاب را به پیش ببریم.»^(۱)

خداوند متعال می‌فرماید:

ص: ۱۱۹

۱- بیانات در مراسم بیعت هزاران نفر از نمایندگان کارگران سراسر کشور، ۵/۴/۱۳۶۸

إِنْ يَنْصُرْكُمْ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ. (۱)

اگر خدا شما را یاری کند، محال است کسی بر شما غالب آید و اگر به خواری واگذارد، آن کیست که بتواند بعد از آن شما را یاری کند؟ و اهل ایمان تنها به خدا (و قدرت و رحمت او) باید اعتماد کنند.

بی شک نصرت و یاری الهی، در صورتی شامل ما خواهد شد که در این مرحله نیز با یاری نظام اسلامی که همان یاری جبهه حق و یاری خداوند متعال و اولیای اوست، عزم راسخ خود را اعلام کنیم. و از سوی دیگر، همانطور که در آیه مبارک آمده است، کوتاهی های ما نتیجه ای جز خذلان و خواری را به همراه نخواهد داشت. لذا خداوند در سوره ی محمد، یاری از ناحیه ی ربوبی خویش را مشروط به حرکت اولیه ی مردم در یاری خدا می نماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ. (۲)

ای کسانی که ایمان آورده اید، اگر دین خدا را یاری کنید، خداوند شما را یاری کرده، و قدم هایتان را ثابت می کند.

و امروزه شکی نیست که سرنوشت حکومت اسلامی ایران، ارتباط تنگاتنگی با آبرو و عزت اسلام و مسلمین و مخصوصاً شیعیان امیرالمومنین (علیه السلام) پیدا کرده است، که همین امر

ص: ۱۲۰

۱- سوره آل عمران، آیه ۱۶۰

۲- سوره محمد، آیه ۷

وظیفه و مسئولیت مردم را در تبعیت از حاکم اسلامی و رهبری معظم انقلاب سنگین تر می کند، تا خدای ناکرده به سرنوشت کوفیان دچار نشویم و در میانه راه، امام خویش را تنها نگذاریم.

امیرالمومنین علی (علیه السلام) در خطبه معروف به شششقیه، درباره تنها ماندن خود در نیمه راه می فرماید:

«روز بیعت، فراوانی مردم چون یال های پُریشت گفتار بود، از هر طرف مرا احاطه کردند، تا آن که نزدیک بود حسن و حسین (علیهما السلام) لگد مال گردند، و ردای من از دو طرف پاره شد. مردم چون گله های انبوه گوسفند مرا در میان گرفتند. اما آنگاه که به پاخاستم و حکومت را به دست گرفتم، جمعی پیمان شکستند و گروهی از اطاعت من سرباز زده و از دین خارج شدند، و برخی از اطاعت حق سر بر تافتند، گویا نشنیده بودند سخن خدای سبحان را که می فرماید: «سرای آخرت را برای کسانی برگزیدیم که خواهان سرکشی و فساد در زمین نباشند و آینده از آن پرهیزکاران است.» آری! به خدا آن را خوب شنیده و حفظ کرده بودند، اما دنیا در دیده ی آنها زیبا نمود، و زیور آن چشم هایشان را خیره کرد.»^(۱)

پرورش احساس

از کلام امیرالمؤمنین (علیه السلام) برمی آید که علت این تنهایی، دلبسته شدن مردم به دنیا و زیورهای آن و غفلت از وظیفه ی

ص: ۱۲۱

خود در برابر دولت اسلامی بوده است. قرآن نیز در همین راستا با نهی بسیار شدید، انسان ها را از این روحیه و رفتار برحذر داشته و می فرماید:

قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ. (۱)

بگو اگر پدران و فرزندان و برادران و همسران و قوم و خویش شما و اموالی که بدست آورده اید و تجارتی که از کساد آن می هراسید و مسکن هایی که بدان علاقمندید در نظر شما محبوب تر است از خدا و رسول او و جهاد در راه او، پس منتظر باشید تا خدا فرمان خود را بیاورد، و خدا مردم تبه کار را هدایت نمی کند.

آری! امروز هر نوع کوتاهی مردم در برابر ولی امرشان و نسبت به دولت اسلامی می تواند، خاطرات تلخ دوران امیرالمومنین (علیه السلام) و فرزندانش را زنده کند.

امروز دشمنان ما کاملاً هوشیارند و چشم همه ی آنها در انتظار غفلت های ماست.

به فرمایش مقام معظم رهبری: «وَمَنْ نَامَ لَمْ يُنَمَّ عَنْهُ»؛ اگر تو خوابت برد، بدان دشمنت بیدار است. (۲)

همانطور که یاری رساندن به حاکم اسلام و دولت اسلامی

ص: ۱۲۲

۱- سوره توبه، آیه ۲۴

۲- بیانات در مراسم بیعت هزاران نفر از نمایندگان کارگران سراسر کشور، ۵/۴/۱۳۶۸

ثمرات زیبای مدینه النبی و دوران کوتاه اوایل حکومت امیرالمومنین (علیه السلام) را به نمایش گذاشت، در مقابل می بینیم نتیجه کوتاهی های مردم نیز از همان ابتدای دوران پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آشکار شده و به فساد علنی در حکومت عثمان و معاویه و تبدیل هویت حکومت اسلامی به نظام موروثی خاندانی و شاهنشاهی منتهی شد و همین نقص سبب گردید تا امیر المؤمنین (علیه السلام) از خداوند خلاصی از دست کوفیان را طلب کند.^(۱)

و امام حسن (علیه السلام) تن به صلح دهد. و ثمره اش این شد که پس از آن مجبور شدند بیست سال تحت ظلم شدید معاویه زندگی کنند و ثمره ی تنها گذاشتن حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) فاجعه حرّه و آتش سوزی کعبه شد که همه این ها مستقیماً مربوط به غفلت، دنیاطلبی و ضعف مردم در انجام وظایفشان در برابر حکومت اسلامی، در جنبه های مختلف بود.

مناجات

همه رفتند، گدا باز گدا مانده هنوز

شب عید است و خدا عیدی ما مانده هنوز

دهه ی آخر ماه، اول راه سحر است

بعد از این زود نخواهیم، دعا مانده هنوز

عیب چشم است اگر اشک ندارد، ورنه

سر این سفره ی تو حال و هوا مانده هنوز

ص: ۱۲۳

کار ما نیست به معراج تقرّب برسیم

یا علیّ دگری تا به خدا مانده هنوز

ص: ۱۲۴

انگیزه سازی

با این که مدینه شهری مساعد برای کشاورزی بود، لیکن وضع زراعت مردم در آن، پیش از هجرت چندان خوب نبود و محصولاتشان آنان را کفایت نمی کرد، به طوری که مجبور بودند بقیه نیازمندی های خود را از مناطق دیگری مانند شام وارد کنند. بهترین و پربارترین زمین ها بیشتر در دست یهودی ها قرار داشت. (۱) به این جهت ثروتمندان، و به ویژه ثروتمندان یهود، از این وضع سوء استفاده کرده و به فقیران

ص: ۱۲۵

۱- یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۱، ص ۴۴۶

و صاحبان زمین های اندک، قرض می دادند و در مقابل رهن می گرفتند و آنان مجبور می شدند خرما و انگور خود را روی درخت و محصول جو و گندمشان را قبل از رسیدن بفروشند. بنابراین فاصله فقیر و غنی زیادتر شده و گاهی صاحب زمین کم مجبور می شد در مقابل بدهی خود از زمینش دست بردارد و آن را به طلبکارش واگذار نماید. این مسائل باعث حقد و کینه میان مردم می شد و گاهی به درگیری و قطع درختان و خراب کردن مزرعه ها منجر شده و سرانجام سبب می شد که ضربه اقتصادی به مدینه وارد شود. بدین جهت هنگامی که مهاجرین به مدینه آمدند و در خانه های انصار سکنی گزیدند و مخارجشان بر آنان تحمیل شد، انصار در فشار شدید قرار گرفتند، در حالی که تعداد مهاجران از صد خانوار تجاوز نمی کرد. (۱)

این وضع به سبب منازعاتی بود که سالیان متمادی در میان انصار وجود داشته و امنیت و آسایش را از آن ها ربوده و از پرداختن به زراعت بازداشته بود و تنها در داخل شهر در کنار خانه های خود کشاورزی می کردند و مایل به زراعت در خارج از شهر نبودند. ولی یهودی ها از موقعیت ها خوب استفاده کرده، ثروتمند شده بودند و با بهره ی بالا به انصار قرض می دادند. پس از هجرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) کشاورزی در مدینه رونق گرفت و به خاطر وجود آب، مزارع و باغ ها وسعت پیدا کرده و در اطراف شهر باغ های زیادی ایجاد شد، به طوری که شهر در محاصره

ص: ۱۲۶

باغ‌ها و درختان قرار گرفت (۱) و وادی‌های آن آباد شدند. بعضی از مهاجران نیز به کشاورزی روی آورده و چاه‌هایی برای خود کردند و باغ‌ها به وجود آوردند و بر اطراف آن دیوار ساختند و محصولات قابل ملاحظه‌ای برداشت می‌نمودند. اگر فتوحات اسلامی نبود که باعث شد تا مسلمانان به ممالک فتح شده جلب شوند، یثرب یک پارچه باغ و بوستان و مزرعه می‌گشت و حتی می‌توانست نیاز غذایی مناطق دیگر را نیز تأمین کند.

اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در بیرون از مدینه به کشاورزی و زراعت پرداختند؛ به ویژه در وادی عقیق که مکانی پُر آب و سرسبز بود. در این محل، اصحاب چاه‌های زیادی کردند و باغ‌ها و نخلستان‌ها به وجود آوردند. قسمت زیادی از این وادی در

دست علی (علیه السلام) بوده و در آن چاه‌هایی حفر نموده بودند که در جای مسجد شجره کنونی قرار داشته و معروف به «مسجد آبیاری» یا «آبار علی» بوده است. (۲)

در منطقه «جرف» و همچنین در قسمت شرقی شهر مدینه نیز مزارعی به دست صحابه ایجاد شده بود. همچنین طلحه بن عبید در وادی قنات، مزرعه‌ی گندم به وجود آورده بود و با بیست شتر، از آب چاه آن را آبیاری می‌کرد. (۳)

ص: ۱۲۷

۱- همان منبع، ص ۳۱۴

۲- سمهودی، وفاء والوفا باخبار دار المصطفی، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، ج ۳، ص ۱۳۰۷ و ۱۰۶۸

۳- ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۲۲۲

هر کس زمینی از زمین های موات را آباد می کرد از آن او می شد. از طرفی دیگر، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) زمین های موات و زمین های فتح شده و مناطقی را که انصار به آن حضرت می بخشیدند به صورت اقطاع^(۱) در اختیار مهاجران قرار می داد تا آنجا را آباد کنند؛ غالباً زمین هایی را که پیامبر اقطاع می داد، زمین های موات بودند.^(۲)

بعد از کوچ دادن بنی نضیر، زمین ها و باغات آنجا چون بدون جنگ فتح شده بود، ملک شخصی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) گردید و آن حضرت نیز آن را میان مهاجران و دو نفر از انصار تقسیم کرد. مهاجران در مناطقی چون «غابه» نیز دارای زمین شدند و درختان آن را قطع کرده و زمینش را اصلاح نمودند و نخل و گندم کاشتند.^(۳)

و به این گونه، مسلمانان در صدر اسلام با پیروی از حاکم عادل خویش، یعنی رسول مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) دارای اقتصادی مقاوم و بی نیاز از مشرکین و یهودیان شدند.

اقتناع اندیشه

اقتصاد مقاومتی یکی از ملزومات حکومت اسلامی است. برای درک بهتر لزوم اقتصاد مقاومتی ابتدا به قرآن کریم

ص: ۱۲۸

۱- این که حاکم قطعه ای از زمین را در اختیار شخصی بگذارد تا آن را آباد کند.

۲- دکتر نجمان یاسین، تطور الأوضاع الاقتصادية في عصر الرسالة والراشدین، ص ۱۴۵

۳- یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۴، ص ۱۸۲

مراجعه می نماییم. با مراجعه به کلام خداوند درمی یابیم که مسلمانان به هیچ وجه نباید خود را وابسته به غیر مسلمانان و کفار قرار دهند و در صورت فقدان راه جایگزین، باید احتیاج مسلمین به کفار به حداقل برسد زیرا خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید:

لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا. (۱)

خداوند هرگز بر [زیان] مؤمنان، برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است.

همچنین رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید:

الْإِسْلَامُ يَغْلُو وَ لَا يُغْلَى عَلَيْهِ. (۲)

اسلام همچنان به برتری می رود، و هیچ دینی بر آن برتر نمی شود.

فلذا وظیفه مسلمانان در جوامع اسلامی از جمله کشور ما، قطع نیاز از بیگانگان است و این قطع نیاز فقط با اقتصاد مقاومتی میسر می گردد.

برای قدم برداشتن در مسیر اقتصاد مقاومتی و ایجاد انسجام بین دولت و ملت در این مسیر، ابتدا باید تعریف مشخصی از این نوع اقتصاد داشته باشیم. رهبر معظم انقلاب (حفظه الله تعالی) این نوع اقتصاد را این گونه معرفی کردند و شرایط آن را بدین صورت تبیین فرمودند:

ص: ۱۲۹

۱- النساء، آیه ۱۴۱

۲- محمد بن علی بن بابویه، من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص: ۳۳۴

۱. دارای یک الگوی علمی متناسب با نیازهای کشور ما است، اما منحصر به کشور ما هم نیست.

۲. درون زا و برون گرا است اما درون گرا نیست.

۳. مردم بنیاد

۴. دانش بنیان

۵. عدالت محور

۶. همیشه بارور خواهد بود و به مردم کمک خواهد کرد. (۱)

بر طبق این الگوی اقتصادی، نیاز کشور اسلامی ما به کشورهای غیر مسلمان به حداقل رسیده و حتی در صورت نیاز به آن ها، باز هم دست برتری با کشور مسلمان ماست، چرا که نیاز آن ها به ما بیشتر از نیاز ما به آن ها خواهد بود. لذا این گونه دستور قرآن کریم مبنی بر قدرتمند بودن و عدم ضعف در مقابل کفار و ایجاد ترس در دل های آنان عملی می شود که فرمود: «وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ» (۲) و هر چه در توان دارید از نیرو و اسب های آماده، بسیج کنید، تا با این [تدارکات]، دشمن خدا و دشمن خودتان و [دشمنان] دیگری را جز ایشان - که شما نمی شناسیدشان و خدا آنان را می شناسد - بترسانید».

در این زمینه باید دقت نمود که یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی، تقویت و استفاده از تولیدات داخلی است و وظیفه

ص: ۱۳۰

۱- سخنرانی رهبر معظم انقلاب در حرم مطهر امام رضا (علیه السلام) مورخ ۱/۱/۱۳۹۳

۲- الأنفال، آیه ۶۰

دولت و ملت این است که با وحدت و انسجام از خرید کالاهای خارجی اجتناب نمایند. در این زمینه رهبر معظم انقلاب (حفظه الله تعالی) در بیان الزامات اقتصاد مقاومتی می فرماید:

۱. مسئولان باید از تولید ملی حمایت کنند.

۲. صاحبان سرمایه و نیروی کار که تولیدگر هستند، باید به تولید ملی اهمیت بدهند.

۳. صاحبان سرمایه در کشور، فعالیت تولیدی را ترجیح بدهند بر فعالیت های دیگر.

۴. مردم در همه ی سطوح، تولید ملی را ترویج کنند. (۱)

در روایات نیز به استفاده نکردن از تولیدات بیگانگان توصیه شده است. از امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در زمانی که مردم ایران هنوز به دین اسلام مشرف نشده بودند نقل شده است:

أَنَّ عَلِيًّا (عليه السلام) كَانَ لَا يُنْخَلُ لَهُ الدَّقِيقُ وَ كَانَ عَلِيٌّ (عليه السلام) يَقُولُ لَا تَزَالُ هَذِهِ الْأُمَّةُ بِخَيْرٍ مَا لَمْ يَلْبَسُوا لِبَاسَ الْعَجَمِ وَ يَطْعَمُوا أَطْعَمَةَ الْعَجَمِ فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ ضَرَبَهُمُ اللَّهُ بِالذُّلِّ.

برای علی (علیه السلام) آرد را الکی نمی کردند و علی (علیه السلام) می فرمود: «کار این امت به خیر است تا آن زمان که لباس عجم (اشراف غیر عرب) نپوشند و خوراک های عجم نخورند؛ و چون چنین کنند، خدا آنان را خوار می کند».

همچنین وارد شده است:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله و سلم) لَا تَلْبَسُوا لِبَاسَ أَعْدَائِي وَ لَا تَطْعَمُوا مَطَاعِمَ

ص: ۱۳۱

۱- سخنرانی رهبر معظم انقلاب در حرم مطهر امام رضا (علیه السلام) مورخ ۱/۱/۱۳۹۳

أَعْدَائِي وَلَا تَسْلُكُوا مَسَالِكَ أَعْدَائِي فَتَكُونُوا أَعْدَائِي كَمَا هُمْ أَعْدَائِي. (۱)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: لباس دشمنان مرا به تن نکنید، و طعام دشمنان مرا نخورید، و راه دشمنان مرا نپیمائید، زیرا که در این صورت جزء دشمنان من محسوب می شوید، چنان که آنان دشمنان منند.

فلذا به نظر می رسد استفاده از اجناس خارجی که ساخته ی دست دشمنان اسلام و مستکبرین عالم باشد، از نظر اسلام مردود است؛ خصوصاً اینکه دشمنان اسلام نه تنها با فروش اجناسشان به ما، منفعت اقتصادی می برند و قدرتشان در مقابله با اسلام بیشتر می شود بلکه زندگی ما را نیز شبیه زندگی خودشان می نمایند و با وارد کردن وسایلی با مدل های غیر اسلامی، سعی در نفوذ فرهنگی و استحاله فرهنگ اسلامی کشور ما را دارند و این مطلبی است که نه خداوند متعال آن را می پسندد و نه رسول او.

از طرف دیگر، وظیفه یک انسان مسلمان این است که همواره در فکر تقویت مسلمین باشد و برای حل مشکلات جامعه اسلامی و مسلمانان تلاش نماید. چنانکه نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید:

مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتُمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ وَ مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يَتَادَى يَا لِلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ.

هر که صبح کند و اهمتami به امور مسلمانان نداشته باشد،

ص: ۱۳۲

از مسلمانان نیست، و هر که بشنود مردی به مسلمانان استغاثه کند و از آن‌ها فریادرسی خواهد و او را پاسخ نگوید و به داد او نرسد، مسلمان نیست.

پس از مشخص شدن لزوم اجرای اقتصاد مقاومتی و تلاش برای تحقق الزامات آن، تذکر این نکته لازم است که اجرای این مسائل فقط با اتحاد دولت و ملت و شکل گرفتن بسیج عمومی برای تحقق این برنامه امکان پذیر است.

خداوند متعال نیز در قرآن کریم، مسلمین را از تفرقه نهی فرموده است و اعلام می کند: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (۱) «و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید، و پراکنده نشوید.»

البته در قرآن کریم آیات دیگری نیز درباره وحدت و انسجام جامعه اسلامی آمده است که از اهمیت این مطلب در پیشگاه خداوند متعال پرده برمی دارد، چنانچه قرآن کریم می فرماید: «وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ» (۲) «و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید و با هم نزاع نکنید که سست شوید و مهابت شما از بین برود.»

فلذا طبق این دستور قرآن کریم، در یک کشور اسلامی و در بین مردم مسلمان نباید اختلاف و تفرقه باشد؛ چرا که نتیجه اش سستی و از بین رفتن هیبت جامعه اسلامی در برابر

ص: ۱۳۳

۱- آل عمران، آیه ۱۰۳

۲- الأنفال، آیه ۴۶

بیگانگان و نیز عدم امکان اجرای سیاست های صحیح در جامعه خواهد بود.

با توجه به توضیحات فوق، دولت و ملت تنها با حرکتی عمومی و تلاشی مستمر است که می تواند الزامات اقتصاد مقاومتی را محقق نمایند و نیاز کشور اسلامی مان را به خارج از کشور قطع و یا به حداقل برسانند و هیبت و قدرت میهن اسلامی مان را در برابر مستکبرین و دشمنان خداوند حفظ نمایند.

رفتار سازی

یکی از الزامات اقتصاد مقاومتی، مدیریت مصرف و پرهیز از اسراف است. در این زمینه مقام معظم رهبری (حفظه الله تعالی) می فرمایند:

یک مسئله هم در اقتصاد مقاومتی، مدیریت مصرف است. اسراف و زیاده روی، قضیه مهمی در کشور است. خب، حالا چگونه باید جلوی اسراف را گرفت؟ فرهنگ سازی هم لازم است، اقدام عملی هم لازم است.»^(۱)

همچنین ایشان درباره مدیریت مصرف می فرمایند:

«مسئله مدیریت مصرف، یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی است؛ یعنی مصرف متعادل و پرهیز از اسراف و تبذیر. هم دستگاه های دولتی، هم دستگاه های غیر دولتی، هم آحاد مردم و خانواده ها باید به این مسئله توجه کنند؛ که این واقعاً جهاد است.»^(۲)

ص: ۱۳۴

۱- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیئت دولت ۲/۶/۹۱

۲- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران نظام ۳/۵/۹۱

فلذا پرهیز از اسراف و زیاده روی برای مسئولین و آحاد جامعه لازم و ضروری می باشد. قرآن کریم نیز درباره اسراف به شدت واکنش نشان داده و می فرماید: «إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا» (۱) «همانا اسراف کاران برادران شیطان هاینند، و شیطان همواره نسبت به پروردگارش ناسپاس بوده است.»

البته در تشخیص مصادیق اسراف نیز باید دقت نمود. از امام صادق (علیه السلام) درباره تشخیص مصادیق اسراف و نیز تشخیص اعتدال در مخارج حتی انفاق، این گونه نقل شده است:

امام صادق (علیه السلام) هنگامی که این آیه را تلاوت فرمود: «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» (۲)

«و آنان که چون انفاق می کنند زیاده روی نمی کنند و بخل هم نمی ورزند و میان این دو، حدّ وسط را نگه می دارند.» مشتی سنگریزه برداشت و آن را در مشتش نگه داشت و فرمود: «این همان سختی گری و خستتی است که خداوند (عزّوجلّ) در کتاب خود فرموده.» آن گاه مشتی دیگر برداشت و همه آن ها را ریخت و فرمود: «این اسراف است.» سپس مشتی دیگر برداشت و قسمتی از آن را ریخت و مقداری را نگه داشت و فرمود: «این حدّ وسط است.» (۳)

ص: ۱۳۵

۱- الإسراء، آیه ۲۷

۲- الفرقان، آیه ۶۷

۳- محمد بن یعقوب الكلینی، الکافی (ط - دارالحدیث)، ج ۷، ص: ۳۴۵

البته با توجه به اینکه درباره اسراف و تبذیر زیاد صحبت شده است، بیش از این در مذمت اسراف سخن نمی‌گوییم.

پرورش احساس

بزرگان این سرزمین، سال‌ها پیش از آنکه نامی از سال حمایت از تولید ملی و یا بحث اقتصاد مقاومتی باشد، ضرورت استفاده از کالاهای تولید داخل را دریافته بودند. آیت‌الله مرعشی نجفی (رحمه الله علیه) از نمونه همین مردان خدای‌گونه است که داستان نرفتیش به حج به خاطر عدم استطاعت مالی زبان زد خاص و عام ایرانیان و حتی غیرایرانیان شده است.

این روحانی بزرگوار، درباره لباسش می‌گفت: از روزی که من خود را شناختم، یک ذره لباس خارجی مصرف نکردم.

ایشان هر چه لباس می‌پوشید، ساخت داخل بود، روزی خیاطشان گفته بود: آقا دکمه‌ای که ما می‌گذاریم از خارج می‌آید، و ایشان در پاسخ تأکید کرده بود که اگر کالایی غیر ایرانی است استفاده نکنید، به جایش از همین قیتان‌هایی که ساخت ایران هست، دکمه درست کنید تا دکمه آن هم خارجی نباشد.

در حدود یک قرن پیش نیز جمعی از علمای اصفهان اعلامیه‌ای را منتشر کرده و اعلام کردند که فقط از محصولات داخلی استفاده می‌نمایند و بدین صورت از اقتصاد داخلی حمایت نمودند. متن اعلامیه ایشان چنین بود:

«بعد از تسیح و تحمید؛ این خدام شریعت مطهره با همراهی

جناب رکن الملک متعهد و ملتزم شرعی شده ایم که مهما ممکن (تا حد امکان) بعد ذلک تخلف ننمائیم، فعلاً پنج فقره است:

اولاً: قبالجات و احکام شرعی، از شنبه (۱۴ جمادی الاول) به بعد باید روی کاغذ ایرانی بدون آهار نوشته شد، اگر بر کاغذ های دیگر نویسند، مهر نموده و اعتراف نمی نویسیم. قباله و حکمی هم که روی کاغذ دیگر نوشته بیاورند و تاریخ آن بعد از این قرارداد باشد، امضاء نمی نماییم. حرام نیست کاغذ غیر ایرانی و کسی را مانع نمی شویم، لیکن ماها به این روش متعهدیم.

ثانیاً: کفن اموات، اگر غیر از کرباس و پارچه اردستانی یا پارچه دیگر ایرانی باشد، متعهد شده ایم، بر آن میت ماها نماز نخوانیم. دیگری را برای اقامه صلوه بر آن میت بخواهند، ماها را معاف دارند.

ثالثاً: ملبوس مردانه جدید که از این تاریخ به بعد دوخته و پوشیده می شود، قرار دادیم مهما ممکن هر چه بدلی آن در ایران یافت نمی کنیم و حرام نمی دانیم لباس های غیر ایرانی را، اما ماها ملتزم شده ایم، حتی المقدور بعد از این تاریخ ملبوس خود را از نسج ایرانی بنماییم، تابعین ماها نیز کذلک. و متخلف توقع احترام از ماها نداشته باشد، آنچه از سابق پوشیده داریم و دوخته، ممنوع نیست استعمال آن.

رابعاً: میهمانی ها بعد ذلک، ولو اعیانی باشد، چه عامه چه خاصه، باید مختصر باشد؛ یک پلو و یک چلو و یک خورش و

یک افشره، اگر زائد بر این کسی تکلف دهد، ما را به محضر خود وعده نگیرد، خودمان نیز به همین روش میهمانی می‌نمائیم، هر چه کمتر و مختصرتر از این تکلف کردند، موجب مزید امتنان ماها خواهد بود.

خامساً: وافوری و اهل وافور را احترام نمی‌کنیم و به منزل او نمی‌رویم. زیرا که آیات باهره (ان المبذرين كانوا اخوان الشياطين(۱))

- و لاتسرفوا ان الله لايحب المرفين(۲)

- و لاتلقوا بايديكم الى التهلكه(۳)

و حديث: (لا ضرر ولا ضرار(۴)).

ضرر مالی و جانی و عمری و نسلی و دینی و عرضی و شغلی آن محسوس و مسری است و خانواده‌ها و ممالک را به باد داده، بعد از این هر که را فهمیدیم وافوری است، به نظر توهین و خفت می‌نگیریم.

امضای آقایان کرام و علماء فخام کثرالله امثالهم:

۱- ثقه الاسلام آقای حاج آقا نورالله. ۲- حسین بن جعفر الفشارکی، ۳- حجه الاسلام آقاجفی، ۴- شیخ مرتضی اژه، ۵- آقا میرزا محمد تقی مدرس، ۶- حاجی سید محمد باقر بروجردی، ۷- آقا میرزا علی محمد، ۸- حاجی میرزا محمد مهدی جویباره، ۹- سید ابوالقاسم دهکردی، ۱۰- حاجی سید ابوالقاسم زنجانی، ۱۱- آقا محمد جواد قزوینی، ۱۲- سید محمد

ص: ۱۳۸

۱- [۱] الإسراء، آیه ۲۷

۲- الأنعام، آیه ۱۴۱

۳- البقره، آیه ۱۹۵

۴- محمد بن یعقوب الكلینی، الكافی (ط - الإسلامیه)، ج ۵، ص: ۲۹۳

رضا شهیر به آقا میرزای مسجدشاهی، ۱۳ - حاجی آقا حسین بیدآبادی. (۱)

ص: ۱۳۹

۱- به نقل از سایت تبیان

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) درباره همدلی میان دولت و ملت می فرمایند:

«آن گاه خداوند از حقوق خود، حقوقی را بر بعض مردم نسبت به بعض دیگر واجب گرداند و آن حقوق را در جهات و حالات با هم برابر قرار داد و بعضی را در برابر بعضی دیگر واجب نمود و بعضی واجب نگردد مگر به انجام حقی که در برابر آن است؛ و بزرگترین چیزی که از این حقوق واجب فرمود حق حاکم بر رعیت، و حق رعیت بر حاکم است.

ص: ۱۴۱

این فریضه ای است که خداوند برای هر یک نسبت به دیگری واجب نموده و این حقوق را موجب برقراری الفت و ارجمندی دینشان قرار داد. رعیت اصلاح نشود مگر به صلاح حاکمان، و حاکمان اصلاح نگردند مگر به استقامت رعیت. پس زمانی که رعیت حقّ والی را اداء کرد و والی هم حقّ رعیت را رعایت نمود، حق میان ایشان ارجمند گردد و راه های دین بر پا شود و نشانه های عدالت، اعتدال گیرد و سنّت ها در مجرای خود روان شود و زمان، آراسته و شایسته گردد و به دوام دولت، امید رود و مطامع دشمنان به یأس مبدّل گردد. ولی اگر رعیت بر والی غالب شود یا والی بر رعیت ستم کند، اختلاف کلمه پیدا شود و نشانه های ستم آشکار گردد و افساد و اختلال در دین زیاد شود و راه های روشن سنّت ها رها گردد و از روی هوای نفس عمل شود و اجرای احکام رو به تعطیلی رود و بیماری روان ها زیاد شود؛ در آن وقت مردم از تعطیل حقّ عظیم نترسند و بر انجام گرفتن باطل بزرگ وحشت نکنند. به آن هنگام است که نیکوکاران خوار، و بدکاران عزیز شوند و کیفر خداوند نزد بندگان بزرگ گردد.

پس بر شما باد به خیرخواهی در حقّ یکدیگر و کمکِ نیکوی یکدیگر بر این کار، زیرا اگر کسی، هر چند برای به دست آوردن رضای خدا حرصش شدید، و کوشش او در بندگی طولانی گردد، ولی باز هم قدرت نخواهد داشت تا حق طاعت خدا را چنان که هست ادا کند؛ لکن از جمله حقوق واجب خدا بر بندگان این

است که به اندازه طاقت خود به خیرخواهی یکدیگر برخیزند و در کمک به هم برای اقامه حق در بین خود اقدام کنند؛ و هر چند کسی، منزلتش در حق عظیم بوده و فضیلتش در دین بر دیگران پیشی داشته باشد، چنان نیست که در ادای حقی که خدا بر او واجب کرده محتاج به کمک نباشد و هر چند کسی را کوچک شمارند، و در دیده حقیر بینند، کمتر از آن نیست که در ادای حق به دیگران کمک کند و یا از سوی دیگران کمک شود. (۱)

اقناع اندیشه

یکی از کارهای مهمی که برای مقابله با دشمنان داخلی و خارجی باید انجام گیرد، حفظ وحدت و همدلی بین مردم و مسئولین است. قرآن کریم درباره حفظ وحدت و همدلی می فرماید:

وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ اِذْ كُنْتُمْ اَعْدَاءً فَاَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَاصْبِرْتُمْ بِنِعْمَةِ اِخْوَانًا وَ كُنْتُمْ عَلٰى شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَاَنْقَذَكُم مِّنْهَا. (۲)

نعمت خدا را بر خود یاد کنید آن گاه که [پیش از بعثت پیامبر و نزول قرآن] با یکدیگر دشمن بودید، پس میان دل های شما پیوند و اُلفت برقرار کرد، در نتیجه به رحمت و لطف او با هم برادر

ص: ۱۴۳

۱- محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغه (للصبحی صالح)، ص: ۳۳۳

۲- آل عمران، آیه ۱۰۳

شدید، و بر لب گودالی از آتش بودید، ولی شما را از آن نجات داد.

واضح است که مقابله با دشمنان اسلام، بدون همدلی و همکاری میان آحاد مردم و مسئولین امکان پذیر نیست و این همکاری نشانه ایمان و تدین افراد جامعه است، چنانچه امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می فرماید:

طَلَبُ التَّعَاوُنِ عَلَى إِقَامَةِ الْحَقِّ دِيَانَةٌ وَ أَمَانَةٌ. [۲]

درخواست همکاری برای برپا کردن حق، نشانه دیانت و امانت [داری] است.

و نیز خداوند متعال در قرآن کریم فرمان می دهد:

تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ. (۱)

یکدیگر را بر انجام کارهای خیر و پرهیزکاری یاری نمایید، و یکدیگر را بر گناه و تجاوز یاری ندهید و از خدا پروا کنید که خدا سخت کیفر است.

عمومیت این فرمان، همکاری در جهت تحقق اهداف اسلام و پرهیز از اختلاف را نیز شامل می شود.

همچنین امیرالمؤمنین (علیه السلام) در توصیه ای اکید نسبت به همدلی و همکاری فرمان داده و می فرمایند:

لَا تَحْتَانُوا وَلَا تُكْمُوا وَلَا تَعْشُوا هُدَاتِكُمْ وَ لَا تَجْهَلُوا أَيْمَتَكُمْ وَ لَا تَصَدَّعُوا عَنْ حَبْلِكُمْ فَتَفْسَلُوا وَ تَذْهَبَ رِيحُكُمْ (۲) وَ عَلَى هَذَا فَلْيُكُنْ

ص: ۱۴۴

۱- المائدة، آیه ۲

۲- الأنفال، آیه ۴۶

تَأْسِيسُ أُمُورِكُمْ وَ الزُّمُوهُ هَذِهِ الطَّرِيقَهُ فَإِنَّكُمْ لَوْ عَايَنْتُمْ مَا عَايَنَ مَنْ قَدْ مَاتَ مِنْكُمْ مِمَّنْ خَالَفَ مَا قَدْ تُدْعَوْنَ إِلَيْهِ لَبَدَرْتُمْ وَ خَرَجْتُمْ وَ لَسَمِعْتُمْ وَ لَكِنَّ مَحْجُوبٌ عَنْكُمْ مَا قَدْ عَايَنُوا وَ قَرِيباً مَا يُطْرَحُ الْحِجَابُ. (۱)

با والیان خود خیانت نورزید و با رهبران خود دغلی نکنید و پیشوایان خود را نادان نخوانید و از رشته پیوند خود (جماعت مسلمین) پراکنده مشوید که سست شوید و شوکت و دولت شما برود. پایه کارهای شما باید روی این مبنی باشد و ملازم این روش باشید، زیرا اگر شما مشاهده می کردید آنچه را مردگان از شما که مخالف دعوت شما بودند، مشاهده کرده اند، شما هم شتاب می کردید و بیرون می آمدید و فرمان می بردید (یعنی مردم پیش از شما را به جهاد و اطاعت دعوت کردند، ولی آنها مخالفت کردند و اکنون عذاب خدا را مشاهده می کنند، شما هم اگر آن عذاب را مشاهده کنید، به سوی جهاد می شتابید و فرمان می برید). ولی آنچه را آن ها مشاهده کردند، از شما پوشیده شده و به زودی پرده برداشته شود. (و شما هم عذاب را مشاهده کنید).

همچنین امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در ضمن توصیه به اتحاد و همدلی، نتیجه تفرقه را این گونه تبیین می نمایند:

الزُّمُوهُ السَّوَادُ الْأَعْظَمُ فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ [عَلَى] مَعَ الْجَمَاعَةِ وَ إِيَّاكُمْ وَ الْفُرْقَةُ فَإِنَّ الشَّاذَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ كَمَا أَنَّ الشَّاذَّ مِنَ الْغَنَمِ لِلذُّبِّ (۲).

ص: ۱۴۵

۱- محمد بن یعقوب الكلینی، الكافی (ط - الإسلامیه)، ج ۱، ص: ۴۰۵

۲- محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغه (للصبحی صالح)، ص: ۱۸۴

با اکثریت همراه شوید، که دست خدا بر سر جماعت است، و از تفرقه و جدایی بپرهیزید، که جدا افتاده از مردم، بهره‌ی شیطان است، چنان که گوسفندِ دور مانده از گله، نصیب گرگ است.

آری! بدون اتحاد و همکاری و همدلی، دشمنان اسلام بر ما غالب خواهند بود و مؤمنین قادر به دفع تهدیدات از جان و مال و عرض خویش نخواهند شد.

رفتارسازی

امام علی (علیه السلام) پس از برشمردن حقوق مردم و دولت بر گردن یکدیگر، درباره نوع رفتار بین ایشان به عنوان حاکم جامعه و مردم تذکر می دهند و می فرمایند:

«مرا به خاطر آنکه نفس خود را برای خدا و خدمت به شما به کار گرفته ام و هنوز از ادای کامل آن حقوق فارغ نشده ام و واجباتی که چاره‌ای جز انجام آن‌ها ندارم ثنا نگویید. پس با من چنانکه با سرکشان سخن می گویند سخن مگویید و آنچه را در برابر مردم خشمگین پنهان می کنند از من پنهان مدارید و با مدارا و چالپوسی با من معاشرت ننمایید و گمان نکنید که شنیدن سخن حق بر من سنگین است و مپندارید که تعظیم نابجای خود را از شما درخواست دارم، زیرا آن که اگر سخن حق به او گفته شود یا عدالت به او پیشنهاد گردد بر او سنگین آید، عمل به حق و عدل بر او دشوارتر است. بنابراین از حق گویی یا مشورت به

عدل خودداری نکنید که من در نظر خود نه بالاتر از

آنم که خطا کنم و نه در کارم از اشتباه ایمنم مگر اینکه خداوند مرا از نفسم کفایت کند. نفسی که خداوند از من به آن مالک تر است، زیرا من و شما بندگان در اختیار پروردگاری هستیم که جز او پروردگاری نیست. او مالک و صاحب آن چیزی از ماست که ما مالک آن نیستیم و ما را از آنچه در آن بودیم بیرون آورده و به آنچه صلاح ما بود داخل کرد؛ هدایت را عوض گمراهی، و بینایی را بعد از کور دلی به ما عنایت فرمود.»^(۱)

پرورش احساس

مقام معظم رهبری (حفظه الله تعالی) به عنوان ولی فقیه و حاکم جامعه اسلامی، درباره رابطه دولت و ملت این گونه می فرماید:

«در نظام اسلامی، اسلام از همه افراد با هر سلیقه اجتماعی، انسجام و هم افزایی را می خواهد. دولت ها در نظام اسلامی باید مورد حمایت مردم قرار بگیرند و حتی از سوی آن کسانی که به این شخص خاص در دولت رأی ندادند هم باید مورد پشتیبانی و حمایت قرار بگیرند؛ این حرف حقیقی و لبّ معنای انسجام اجتماعی و ملی در کشور اسلامی ما است.

امروز وظیفه ی همه ی آحاد ملت این است که از مسئولین کشور حمایت کنند و به مسئولین دولتی کمک کنند. این مخصوص این دولت نیست، مربوط به همه ی دولت ها است.»^(۲)

ایشان همچنین درباره همدلی بین دولت و ملت و رفتار دولت

ص: ۱۴۷

۱- محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغه (للصبحی صالح)، ص: ۳۳۵

۲- بیانات مقام معظم رهبری (حفظه الله تعالی) در حرم مطهر رضوی ۱/۱/۱۳۹۴

با منتقدین می فرماید:

«هم به مردم این توصیه را عرض می کنم که با دولت بایستی مهربانانه و با نگاه همراهی و همدلی سخن گفت، هم به مسئولان کشور در سه قوه، این را تأکید می کنم که آن ها هم باید با منتقدین خود و با کسانی که از آن ها انتقاد می کنند رفتار مناسبی داشته باشند، آن ها را تحقیر نکنند، به آن ها اهانت نکنند؛ تحقیر مخالفان از سوی مسئولان، خلاف تدبیر و خلاف حکمت است.

مردم و منتقدین هم اگرچه حق نظارت و پیگیری مسائل کشور را دارند اما این مسئله نباید باعث تخریب و متهم کردن مسئولین شود و نیز نباید به معنای نادیده گرفتن زحمات و خدمات باشد.»^(۱)

همچنین حضرت آیت الله خامنه ای (حفظه الله تعالی) درباره دفع تهدیدات خارجی می فرماید:

«مهمترین سلاح ملت ایران برای خنثی کردن تهدیدها، همبستگی ملی و همدلی است. ملت ایران برای خنثی کردن تهدیدهای دشمن احتیاج به بمب اتمی و سلاح هسته ای ندارد. همدلی و همبستگی شما مردم و چنگ زدن شما به ریسمان الهی و ایمان دینی، مهمترین سلاح ملت ایران است؛ این سلاحی است که در طول بیست و شش سال بعد از پیروزی انقلاب تا امروز کارایی خود را نشان داده و بعد از این هم نشان خواهد داد.

ص: ۱۴۸

۱- بیانات مقام معظم رهبری (حفظه الله تعالی) در حرم مطهر رضوی ۱/۱/۱۳۹۴

دشمن، اتحاد مردم را هدف گرفته است. دشمن به نفوذی های خود دل بسته و اعلام می کند که ما در ایران به کسانی که به اهداف آمریکایی ها کمک کنند، کمک مالی می کنیم. این ها صریحاً می گویند که ما می خواهیم در داخل ایران با پول، معارض و به قول خودشان، اپوزیسیون درست کنیم. همه باید بدانند؛ کسی که با پول آمریکا و با حمایت دولت مردان آمریکا بخواهد برای منافع آمریکا کار کند و قیافه ی اپوزیسیون به خودش بگیرد، در چشم ملت ایران منفورترین انسان است. همه ی ملت ایران، به خصوص نخبگان، جوانان، دانشجویان و کسانی که حوزه ی تأثیری فراتر از حول و حوش خودشان دارند، بدانند امروز علاج همه ی مشکلات این کشور، همبستگی و مشارکت عمومی است.» (۱)

این سخنان ارزنده رهبر معظم انقلاب را می توان در این موارد خلاصه نمود:

۱. وظیفه اسلامی آحاد جامعه، حمایت منسجم از دولت اسلامی است.
۲. وظیفه مسئولین در قبال مردم و منتقدین، برخورد مهربانانه و با احترام با آن ها است.
۳. هیچ کسی به بهانه انتقاد حق تخریب دولت اسلامی را ندارد.
۴. منتقدین باید با انصاف و با در نظر گرفتن خدمات، انتقاد کنند.
۵. مهمترین سلاح برای مقابله با دشمنان، همدلی مردم و

ص: ۱۴۹

دولت است.

۶. دشمن با امکانات مالی قصد بر هم زدن این همدلی و اتحاد را دارد.

همدلی و وحدت، آن قدر اهمیت دارد که خداوند متعال، پیامبرش (صلی الله علیه و آله و سلم) را این گونه برای تواضع در برابر مسلمین و دوری از تفرقه و جدایی فرمان می دهد:

وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ. (۱)

و پرو و بال [فروتنی و تواضع] خود را برای مؤمنانی که از تو پیروی می کنند بگستر.

این فرمان خداوند متعال یکی از بهترین و ظریفترین دستورات برای ایجاد همدلی و وحدت بین حکومت و مردم می باشد.

مناجات

حیف که از دست ما ماه خدا می رود

ماه مناجات و نور، ماه دعا می رود

ماه سحر خیزی اهل صفا می رود

ماه وصال علی، ماه ولا می رود

هر شب و هر روز بود، بزم خدا جای ما

زمزمه افتتاح، سر زد از آوای ما

حیف که مانند برق، این مه معبود رفت

دیر ز راه آمد و، خنده زد و زود رفت

ص: ۱۵۰

جابر از امام باقر (علیه السلام) روایت کرده است که فرمود:

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) چون به هلال ماه رمضان می نگریست روی خود را به سوی قبله می کرد، و آن گاه می گفت: «خدایا این هلال را با امن و ایمان، و سلامت از آفات، و تسلیم در برابر اوامر و نواهی خود، و توأم با عافیتی فراگیر، و رزقی گسترده، و دفع دردها و بیماری ها، و با تلاوت قرآن، و یاری بر نماز و روزه در محیط ما طالع گردان، خدایا ما را در قیام به وظائف خود برای ماه رمضان و آن ماه را برای ما از اشتباه در روزهای آن سالم بدار، و عبادات ما در این ماه را از ما بپذیر تا ماه رمضان به حالی سپری شود که تو ما را آمرزیده باشی.»

سپس پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) رو به مردم کرده، و می فرمود: «ای گروه مردمان، چون هلال ماه رمضان طلوع کند، شیاطین سرکش به غل کشیده می شوند، و درهای آسمان و ابواب بهشت و درهای رحمت گشوده می شود، و ابواب دوزخ بسته می گردد، و دعا به اجابت می رسد، و خدای تبارک و تعالی را در هر عید فطری آزادشدگانی هست که ایشان را از آتش آزاد می سازد، و در هر شب منادی ندا می دهد که: آیا تائبی هست؟ آیا سائلی هست؟ آیا آمرزش خواهی هست؟ [و آن منادی ندا می دهد که [خداوندا هر که در راه تو چیزی صرف نماید، او را عوض کرامت کن و هر که امساک کند او را تلف کن، و چون هلال شوال طلوع کند، به مؤمنان ندا می رسد که: به سوی جوائزتان بشتابید که امروز روز جائزه است.]]» (۱)

اقناع اندیشه

عید فطر یکی از چهار عید بزرگ مسلمین است، چنانچه در روایت وارد شده:

قال ابی الحسن العسکری (علیه السلام): إِنَّمَا الْأَعْيَادُ أَرْبَعَةٌ لِلشَّيْعَةِ: الْفِطْرُ وَالْأَضْحَى وَالْغَدِيرُ وَالْجُمُعَةُ. (۲)

امام هادی (علیه السلام) می فرمایند: شیعیان فقط چهار عید دارند: فطر، قربان، غدیر و جمعه.

ص: ۱۵۲

۱- من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص: ۹۶

۲- [۲] محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۹۵، ص: ۳۵۱

البته روز عید برای مسلمانان با دیگر ادیان متفاوت است، چرا که عید برای مسلمین روزی می باشد که بیشتر اطاعت خداوند متعال نمایند و معصیت خداوند نکنند چنانچه در روایتی وارد شده است:

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) فِي بَعْضِ الْأَعْيَادِ: إِنَّمَا هُوَ عِيدٌ لِمَنْ قَبَلَ اللَّهَ صِيَامَهُ وَ شَكَرَ قِيَامَهُ وَ كُلُّ يَوْمٍ لَا يُعْصَى اللَّهُ فِيهِ فَهُوَ يَوْمٌ عِيدٌ. (۱)

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در یکی از عیدها فرمودند: همانا این روز برای کسی عید است که خداوند روزه اش را قبول نموده باشد و از نمازش تشکر نماید و هر روزی که خداوند در آن روز معصیت نشود، پس همان روز، عید است.

لذا در شب و روز عید فطر، اعمال عبادی زیادی وارد شده است و عبادت در این شب و روز ارزش بسیاری دارد، چنانچه در حدیث شریفی وارد شده است:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله و سلم) مَنْ أَحْيَا لَيْلَةَ الْعِيدِ لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ. (۲)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: کسی که شب عید را شب زنده داری کند، در روزی که قلب ها بمیرد، قلب او نمی میرد.

اهل بیت عصمت (علیهم السلام) نیز همین گونه عمل می نمودند، چنانچه از امام رضا (علیه السلام) نقل شده است:

كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) لَا يَنَامُ ثَلَاثَ لَيَالٍ، لَيْلَةَ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ مِنْ

ص: ۱۵۳

۱- محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغه (للصبحی صالح)، ص: ۵۵۱

۲- محمد بن علی بن بابویه، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، النص، ص: ۷۶

شَهْرِ رَمَضَانَ، وَلَيْلَةَ الْفِطْرِ، وَلَيْلَةَ النُّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ، وَفِيهَا تُقَسَّمُ الْأَرْزَاقُ وَالْأَجَالُ وَ مَا يَكُونُ فِي السَّنَةِ. (۱)

امیر المؤمنین (علیه السلام) سه شب را نمی خوابید: شب بیست و سوم ماه رمضان، شب عید فطر و شب نیمه ماه شعبان؛ در این شب ها، روزی ها تقسیم و مدت عمر و هر آنچه در آن سال رخ خواهد داد، تعیین می شود.

با توجه به این مطالب می توان گفت که عید فطر برای افرادی عید است که اهل عبادت و ریاضت هستند. این افراد با عبادات و تلاش خویش در ماه رمضان، لطف و رحمت خداوند متعال را به سمت خویش جلب می نمایند و خداوند با نزول رحمت خاصه ی خویش و بخشیدن خطای این دسته از بندگان، به آن ها پاداش می دهد، چنانچه خود خداوند متعال وعده داده است:

وَ إِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ. (۲)

«و چون کسانی که به آیات ما ایمان دارند، نزد تو آیند، بگو: درود بر شما، پروردگارتان رحمت را بر خود مقزّر کرده که هر کس از شما به نادانی کار بدی کند و آن گاه به توبه و صلاح آید، پس وی آمرزنده مهربان است.»

ص: ۱۵۴

۱- محمد بن الحسن الطوسی، مصباح المتهجد و سلاح المتعبد، ج ۲، ص: ۸۵۳

۲- الأنعام، آیه ۵۴

این گونه می توان گفت، کسانی که اهل روزه و عبادت در ماه خدا باشند و سختی ها را به خاطر خداوند متعال و قرب به او تحمل کنند، در واقع به آیات و فرامین خداوند ایمان آورده و آنها را پذیرفته اند، لذا طبق آیه فوق، از رحمت خداوند نیز بهره مند می گردند.

گفتیم که برای مسلمین، روزی عید است که در آن، خداوند متعال بیشتر عبادت شود و معصیت او صورت نگیرد. لذا در روز عید فطر خداوند بر بندگانش منت نهاده و عملی را به عنوان واجب مخصوص این روز قرار داده است و این گونه، اسباب تقرب سریع تر بندگان را به سوی خویش فراهم نموده است. این واجب مخصوص، همان زکات فطره است که مکمل روزه ماه رمضان می باشد. در روایت شریفی وارد شده است:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) إِنَّ مِنْ تَمَامِ الصَّوْمِ إِعْطَاءَ الزَّكَاةِ يَغْنِي الْفِطْرَةَ كَمَا أَنَّ الصَّلَاةَ عَلَى النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله و سلم) مِنْ تَمَامِ الصَّلَاةِ لِأَنَّهُ مَنْ صَامَ وَلَمْ يُؤَدِّ الزَّكَاةَ فَلَا صَوْمَ لَهُ إِذَا تَرَكَهَا مُتَعَمِّدًا وَ لَا صَلَاةَ لَهُ إِذَا تَرَكَ الصَّلَاةَ عَلَى النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله و سلم). (۱)

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: همانا که از موجبات کمال روزه، زکات یعنی فطره است، همان طور که صلوات بر پیامبر (صلى الله عليه وآله و سلم) از موجبات کمال نماز است، زیرا کسی که روزه بگیرد و زکات نپردازد، در صورتی که در این کار متعمد باشد، روزه ای در نامه عملش منظور نمی شود، و در صورتی که صلوات بر پیامبر (صلى الله عليه وآله و سلم) را

ص: ۱۵۵

ترک کند نمازی برای او محسوب نمی گردد.

طبق مطالب مذکور، عید فطر با اعمال مستحب متعدد و نیز زکات واجبی که خداوند مخصوص این روز قرار داده، یکی از اعیاد بزرگ مسلمین است و خداوند بعد از اتمام ماه رمضان، بهترین جایزه را به مؤمنین عطا می نماید چنانچه وارد شده است: حسن بن راشد روایت کرده: به امام صادق (علیه السلام) معروض داشتم که مردم می گویند کسی که ماه رمضان را روزه بدارد، در شب قدر مغفرت الهی بر او نازل می شود، پس امام (علیه السلام) فرمود:

ای حسن، مزد کارگر را وقت فراغتش از کار می پردازند، و مغفرت مزدی در برابر روزه است، و از این رو آن را در شب عید می بخشند. گفتم: فدایت شوم، پس برای ما چه عملی در آن شب شایسته است؟ فرمود: چون خورشید غروب کند سه رکعت نماز مغرب را به جای آور و هر دو دست را به سوی آسمان بردار، و بگو: ای صاحب تفضل و عطا، و ای مالک قدرت و قوت بی انتها، ای گزیننده محمد و یار و یاور او، درود و رحمت فرست بر محمد و آل محمد و هر گناهی را که مرتکب شده ام، و من آن را از یاد برده ام، در صورتی که آن نزد تو در نامه ای بیان کننده محفوظ و مضبوط است. بر من پیامرز. (۱)

این جایزه از آن رو بهترین جایزه است که اگر مغفرت خداوند

ص: ۱۵۶

۱- محمد بن علی بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص: ۱۶۷ متن اصلی دعا: «يَا ذَا الطَّوْلِ يَا ذَا الْحَوْلِ يَا مُصْطَفَى مُحَمَّدٍ وَ نَاصِرَهُ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ وَ نَسِيتُهُ أَنَا وَ هُوَ عِنْدَكَ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ وَ تَخِرُّ سَاجِدًا وَ تَقُولُ مِائَةَ مَرَّةٍ أَتُوبُ إِلَى اللَّهِ وَ أَنْتَ سَاجِدٌ وَ تَسْأَلُ حَوَائِجَكَ.»

شامل حال بنده ی او نشود، این بنده از بهشت محروم و در دوزخ وارد می گردد، چنانچه در دعایی که در روز عرفه خوانده می شود آمده است:

يَا مَوْلَايَ حَاجَتِي الَّتِي اِنْ اَعْطَيْتَنِيهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي، وَ اِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا اَعْطَيْتَنِي، فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ. (۱)

ای مولای من حاجتی که اگر به من عطا کنی و حاجات دیگر مرا به من ندهی مرا ضرری ندارد و اگر این حاجت مرا ندهی هرچه به من بدهی نفعی برای من ندارد، رهایی یافتن من از آتش دوزخ است.

البته باید بگوییم که درب خانه خدا همیشه برای بندگان باز است و حتی افرادی که در این ماه نیز دچار وسوسه نفس و معصیت شده اند نیز می توانند در این شب و روز بزرگ از رحمت خداوند بهره مند گردند و با توبه واقعی در زمره بندگان صالح خداوند متعال به شمار آیند اما طبیعی است که افرادی که بدون تکبر و ریا در ماه رمضان اعمال و عبادات خالصی انجام داده باشند، در پیشگاه خداوند متعال از تقرّب بیشتری برخوردار هستند.

پرورش احساس

أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ قَالَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) إِذَا كَانَ أَوَّلُ يَوْمٍ مِنْ شَوَّالٍ نَادَى مُنَادٍ أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ اغْدُوا إِلَيَّ جَوَائِزِكُمْ ثُمَّ قَالَ يَا جَابِرُ جَوَائِزُ اللَّهِ لَيْسَتْ

ص: ۱۵۷

امام باقر (علیه السلام) به نقل از نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمایند: هنگامی که اولین روز از ماه شوال شود، منادی ندا می دهد که ای مؤمنان، به سوی جوایزتان بشتابید. سپس فرمودند: ای جابر، جوایز خداوند مانند جوایز پادشاهان (از متاع های دنیوی) نمی باشد. سپس فرمودند: عید فطر، روز جایزه هاست.

از این کلام شریف معلوم می شود که خداوند متعال، جوایز فراوانی را در پرونده اعمال مؤمنین روزه دار ثبت خواهد کرد، اما از آنجایی که قرار نیست جوایزی از جنس متاع های دنیوی به افراد عنایت شود، جوایز این روز را می توان اموری از قبیل میل قلبی و توفیق در انجام عبادات و اعمالی بیش از گذشته، توفیق زیارت قبور ائمه و بزرگان، توفیق ترک گناهان و عادات بد، رهایی از تبعات گناهان گذشته، نعمات بهشتی و نزدیک تر شدن دعاها به اجابت، دانست.

از همین رو، در ماجرای از امام حسن مجتبی (علیه السلام) آمده است که ایشان در روز عید فطر گروهی را دید که مشغول بازی و خنده بودند. پس در حالی که به آنان اشاره می کرد به اصحاب خویش فرمود: «همانا خداوند عزّ و جلّ ماه رمضان را میدان مسابقه برای بندگان خود قرار داده است تا با طاعت و عبادت خود برای رسیدن به رضوان و خشنودی خداوند از یکدیگر پیشی بگیرند.

ص: ۱۵۸

پس گروهی در این میدان تاختند و به خشنودی الهی فائز شدند و عده ای دیگر عقب افتادند و تقصیر کردند و زیان دیدند. پس شگفتا و بسیار شگفتا از آن که به خنده و بازی مشغول باشد در چنین روزی که نیکوکاران در این روز پاداش می یابند و تقصیرکاران زیان می بینند.» سپس فرمودند: «وَ أَيُّمَ اللَّهِ لَوْ كُشِفَ الْغَطَاءُ لَشُغِلَ مُحْسِنٌ بِإِحْسَانِهِ وَ مُسِيءٌ بِإِسَاءَتِهِ.» (۱) یعنی به خدا سوگند که اگر پرده ها از جلوی چشمان مردم کنار رود، هر آینه افراد نیکوکار (با انگیزه ای مضاعف) به نیکوکاری خود و بدکاران (نیز با انگیزه ای مضاعف) به کارهای بد خود مشغول خواهند شد.

بنابراین اگر مؤمنین جایزه های ذخیره شده در نزد خداوند متعال را مشاهده کنند، با اشتیاق هر چه بیشتر به سوی کارهای خیر روانه می شوند؛ همان گونه که افراد بدکار و ستمگر اگر بفهمند که تنها تا زمان مرگ آزاد بوده و پس از آن به سوی عذابی دردناک رهسپار خواهند شد، با انگیزه ای مضاعف سعی می کنند تا در فرصت باقی مانده، از دنیا و نعمات مادی بهره مند شوند و در این مسیر به مانند گذشته از هیچ ظلم و گناهی ابا نخواهند کرد.

همچنین مقام معظم رهبری (حفظه الله تعالی) درباره تقوا و قدرت مبارزه با هوای نفس که یکی از بزرگترین جوایز عید فطر است، این گونه فرموده اند:

«انسانی که به برکت ماه رمضان، قدرت مبارزه با هوای نفس پیدا کرده، دستاورد بزرگی را به دست آورده است که باید آن را حفظ

ص: ۱۵۹

۱- محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۵۱۱

کند. انسانی که از عادت به هوس رانی و عادت زشت پاسخگویی مثبت به هوس ها و شهوات تا هرجایی که برای او مقدور است رنج می برد، در ماه رمضان می تواند بر این عادت فائق آید؛ باید این را برای خود حفظ کند. همه بدبختی های بشر بر اثر پیروی از هوای نفس است. همه ظلم ها، همه تزویرها، همه نامردمی ها و بی عدالتی ها، همه جنگ های ظالمانه، همه حکومت های فاسد، همه تسلیم شدن و ظلم پذیری در میان ملت ها، ناشی از همین پیروی از هواهای نفسانی و تسلیم شدن در مقابل خواهش نفس است. اگر انسان این قدرت را بیابد که بر خواهش نفس غلبه پیدا بکند، انسان رستگاری شده است. ماه رمضان این را در شما به وجود آورده است. عید امروز برای این است که محاسبه ای بکنید؛ پاداشی را که خدا در اوقات ضیافت خود به شما داده است، برای خودتان نگاه دارید و رابطه خود را با خدا محکم کنید.»^(۱)

از کلام ایشان این درس فهمیده می شود که خیر دنیا و آخرت در مبارزه با نفس و رعایت تقوای الهی در تمام امور و لحظات است و ماه رمضان فرصتی طلایی برای این بهره مندی بوده و هست.

رفتارسازی

یکی از نکات اساسی درباره عید فطر، که عید بندگی و مغفرت است، حفظ درجات و رحمت های جلب شده در این ماه شریف

ص: ۱۶۰

می باشد، تا بتوان از آن رشد معنوی در تمام طول سال بهره برد و در ماه رمضان سال بعد بر آن افزود. نه آنکه با پایان یافتن ماه مبارک رمضان، دوباره به اشتباهات و خدای نکرده گناهان گذشته بازگشت نماییم و این عید معنوی را به سرعت تبدیل به عزا کنیم.

مقام معظم رهبری (حفظه الله تعالی) نیز در توصیه ای از همین قبیل، در روز عید فطر خطاب به مؤمنین می فرماید:

«برادران عزیز! خواهران عزیز! شما روزه داران مؤمن در سرتاسر ماه رمضان با روزه ی خود - برای کسانی که روزه بر آن ها واجب بوده است- با عبادت خود، با دعای خود، با توسل خود، با احیای خود، با تلاوت قرآنی که کردید، با ذکر و خشوعی که به خرج دادید، این فرصت را برای خود به وجود آوردید که دل های خود را به خدای متعال نزدیک کنید؛ این فرصت را مغتنم بشمارید؛ این دستاورد را بزرگ بدانید و آن را برای خودتان حفظ کنید.»^(۱)

نکته دیگر آن است که با توجه به ماهیت معنوی این عید، لازم است تا مراسم ها و عاداتی که مؤمنین به مناسبت این روز شریف دارند، اصلاح گردیده و به جای آنکه رنگ و بوی دنیایی بگیرد، از صبغه الله^(۲)

برخوردار شود. زیرا عید فطر، عید بازگشت به سوی دنیا نیست، تا بخواهیم با اشتیاق به مظاهر خوراک

ص: ۱۶۱

۱- سخنان مقام معظم رهبری در خطبه های نماز عید فطر ۱۳/۸/۸۴

۲- رنگ الهی

و پوشاک رو آوریم. امام خامنه ای نیز با نقل داستانی از زندگی امام علی (علیه السلام)، این نکته را به مؤمنین متذکر می شوند. ایشان می فرمایند:

«در روایتی است از سُوید بن غَفَلَه که از دوستان امیرالمؤمنین است و درباره ی او این طور گفته اند که «مَنْ كَانَ مِنْ أَوْلِيَاءِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام)»؛ یعنی از نزدیکان امیرالمؤمنین بوده است؛ که می گوید روز عید فطر در خانه ی امیرالمؤمنین بر او وارد شدم. «فَإِذَا عِنْدَهُ فَأُثِرَ أَيْ خِوَانٌ»؛ در مقابل او سفره ای گسترده شده بود و حضرت مشغول غذا خوردن بودند. «وَصَحْفَةٌ فِيهَا خَطِيفَةٌ وَ مِلْبَنَةٌ»؛ غذای بسیار متواضعانه ای در مقابل حضرت گذاشته شده بود. «خطیفه» غذایی است که در حداقل امکان برای کسی تهیه می شود؛ مثلاً مقداری شیر و مقداری آرد مخلوط می کردند؛ غذای کاملاً فقیرانه. «فَقُلْتُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ عِيدٍ وَ خَطِيفَةٌ؟»؛ عرض کردم یا امیرالمؤمنین! شما روز عید چنین غذای کم اهمیت و کم ارزشی می خورید؟ معمول این است که در روزهای عید، مردم بهترین غذاهای خود را می خورند؛ شما به این غذا اکتفا کردید؟ «فَقَالَ: إِنَّمَا هَذَا عِيدٌ مَنْ غُفِرَ لَهُ»؛ فرمود امروز، روز عید است؛ اما برای کسانی که مورد مغفرت الهی قرار گرفته باشند. (۱) یعنی عید بودن امروز به خوردن غذاهای رنگین و دل خوش کردن به شادی های کودکانه نیست؛ این عید واقعی است برای کسانی که بتوانند و توانسته باشند مغفرت

ص: ۱۶۲

الهی را برای خودشان تحصیل کنند. در یک جمله ی دیگر امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: «إِنَّمَا هُوَ عِيدٌ لِمَنْ قَبَلَ اللَّهُ صِيَامَهُ وَشَكَرَ قِيَامَهُ»؛ عید فطر، عید است برای کسی که خدا روزه ی او را مورد قبول قرار دهد و نماز و عبادت او را مورد شکر و سپاس خود قرار دهد. «وَكُلُّ يَوْمٍ لَا يُعْصِي اللَّهَ فِيهِ فَهُوَ يَوْمٌ عِيدٍ»؛ آن روزی که من و شما این توفیق را پیدا کنیم که هیچ معصیتی از ما سر نزنند، روز عید و شادمانی است.

البته گفته شده است در عید فطر به یکدیگر تحیت بگویید؛ لباس های تازه ی خود را بپوشید؛ آن روز را روز عید و شادمانی بدانید؛ اما جوهر این عید عبارت است از توجه به معنویت و طلب مغفرت و درخواست رحمت پروردگار. ^(۱)

پس می توان کلمات ایشان را در این محورها خلاصه نمود:

۱. دستاورد بزرگ ماه رمضان را که تقرب به خداوند با خشوع و عبادات است، باید حفظ نمود.

۲. به فرموده امیرالمؤمنین (علیه السلام) عید فطر برای کسانی واقعاً عید است که توانسته باشند مغفرت الهی را به دست آورند.

۳. ماهیت عید فطر، توجه به معنویت و طلب مغفرت و رحمت پروردگار است، اگرچه به پوشیدن لباس نو و تهیه نمودن غذایی نیکو و امثال آن نیز توصیه شده.

ص: ۱۶۳

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

